



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



Hand-drawn stylized figures or characters in various colors (blue, red, orange, green) arranged in a row.

First LOOK
LOOK

Decorative horizontal line with a repeating pattern.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اولین نگاه به امام زمانم عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

محمد مهدی محقق فرید محقق

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	اولین نگاه به امام زمانم عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست کتاب
۱۳	عالم ارواح
۱۳	سرگردانی در عالم ارواح
۱۶	وصال یار و اولین نگاه در عالم ارواح
۱۷	اولین نگاه بود
۱۷	معرفی امام عصر از زبان خودشان در عالم ارواح
۳۷	توضیحی از آن حضرت در مورد عالم ارواح و امتحانات آن
۳۷	توحید:
۳۸	نبوت:
۳۸	امامت:
۴۰	امتحان خداوند از چهارده معصوم علیه السلام در عالم ارواح
۴۰	امتحان خداوند از ابوبکر و عمر در عالم ارواح
۴۲	عالم ذر:
۴۲	توضیحی از امام عصر در مورد عالم ذر و امتحانات آن
۴۶	باز بودن دائمی مسیر هدایت
۴۷	ایمان و کفر عاریه ای
۴۷	حب و بغض عاریه ای
۵۰	و اما نکته ای که در اینجا لازم است بدانی آن است که:
۵۰	عالم ارواح و ذر
۵۰	نسیان و فراموشی

۵۲ امتحانات ملانکه:
۵۴ امتحانات اجته:
۵۵ امتحانات حیوانات:
۵۶ امتحانات آسمان ها و زمین ها:
۵۷ امتحانات اشجار، اثمار، آب ها، کوه ها و ...:
۵۸ کسب فضائل و نعمت ها ؛ نقائص و ردائل
۶۰ وقت لازم برای جبران نقائص و کسب کمالات بیشتر
۶۰ بحثی دقیق پیرامون بلاها و ارتباط آن با عالم ارواح و ذر
۶۰ و اما مسأله ای که در اینجا لازم است بدانی
۶۹ دنیا!
۶۹ تقابل عالم ارواح و عالم ذر با دنیا ، و سختی و دشواری دنیا نسبت به آن دو
۷۲ سخت ترین دوران در میان عوالم سه گانه
۷۴ معنای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۷۷ در نتیجه من با اینکه از دیده ها غایبم ولی بر دیده ها ناظرم
۷۷ وظیفه ی ما در دوران غیبت
۷۹ مقام و منزلت منتظران و ثابت قدمان در زمان غیبت
۸۱ دعا و خواص آن و ارتباط آن با امام عصر علیه السلام
۹۱ علائم ظهور ؛ حتمی و غیر حتمی
۹۲ و آنچه به عنوان یک منتظر باید بدانی آن است که:
۹۵ اشعار
۹۷ متن عربی روایات درج شده در پاورقی ها
۱۲۳ فهرست آیات
۱۲۴ فهرست منابع
۱۳۴ درباره مرکز

اولین نگاه به امام زمانم عجل الله تعالی فرجه الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه: محقق فرید، محمد مهدی، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: اولین نگاه به امام زمانم عجل الله تعالی فرجه الشریف [کتاب] / نویسنده محمد مهدی محقق فرید.

مشخصات نشر: مشهد: استوار، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۲۰ ص.

شابک: ۴۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۹۱-۸۸-۳:

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: First Look to Imam zaman.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۶-۱۲۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- احادیث

موضوع: مهدویت -- احادیث

موضوع: ازلیت و ابدیت -- احادیث

موضوع: ارواح (اسلام)

رده بندی کنگره: BP۵۱/۲/م۳الف ۸ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۶۹۴۵۵

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

اولين نگاه به امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

نويسنده: شيخ محمد مهدي محقق فريد

ص: ۳

عالم ارواح:

سرگردانی در عالم ارواح ... ۷

وصال یار و اولین نگاه در عالم ارواح ۱۰

معرفی امام عصر علیه السلام از زبان خودشان در عالم ارواح ... ۱۱

توضیحی از آن حضرت در مورد عالم ارواح و امتحانات آن... ۳۱

امتحان خداوند از چهارده معصوم علیهم السلام در عالم ارواح ۳۴

امتحان خداوند از ابوبکر و عمر در عالم ارواح ... ۳۴

عالم ذرّ:

توضیحی از امام عصر علیه السلام در مورد عالم ذرّ و امتحانات آن ... ۳۶

باز بودن دائمی مسیر هدایت ۴۰

ایمان و کفر عاریه ای ... ۴۱

حبّ و بغض عاریه ای ... ۴۱

عالم ارواح و ذرّ:

نسیان و فراموشی ... ۴۴

امتحانات ملائکه ... ۴۶

امتحانات اجنّه ۴۸

امتحانات حیوانات ۴۹

امتحانات آسمان ها و زمین ها ... ۵۰

امتحانات اشجار، اثمار، آب ها، کوه ها و ... ۵۱

کسب فضائل و نعمت ها؛ نقائص و ردائل ... ۵۲

وقت لازم برای جبران نقائص و کسب کمالات بیشتر ... ۵۴

بحثی دقیق پیرامون بلاها و ارتباط آن با عالم ارواح و ذرّ ... ۵۴

دنیا:

تقابل عالم ارواح و عالم ذرّ با دنیا، و سختی و دشواری دنیا نسبت به آن دو ... ۶۱

سخت ترین دوران در میان عوالم سه گانه ... ۶۴

معنای غیبت امام زمان علیه السلام ... ۶۶

وظیفه‌ی ما در دوران غیبت ... ۶۹

مقام و منزلت منتظران و ثابت قدمان در زمان غیبت ... ۷۱

دعا و خواص آن و ارتباط آن با امام عصر علیه السلام ... ۷۳

علائم ظهور؛ حتمی و غیر حتمی ... ۸۳

آن چه به عنوان یک منتظر باید بدانیم ... ۸۴

اشعار ... ۸۷

فهرست متن عربی روایات ... ۸۹

فهرست آیات ... ۱۱۵

فهرست منابع ... ۱۱۶

ص: ۶

بسم الله الرحمن الرحيم

نور تابان وجود چون خورشیدش بالأخره بر من هم تابید و من، من شدم.

آتش عشقی پایدار، هیزم های دلم را سخت بر می افروخت، که شراره های آن سر به هجرانی سرد و طولانی داشت.

نسیمی با شمیم خوشبوی وصال در صحرای وجودم، وزیدن گرفت.

کوچه های تاریک قلبم یکی پس از دیگری به نوری آشنا روشن می شدند.

تنها نبودم، دیگرانی را هم که همچون من بودند و گرمی خورشید وجودش به آن ها نیز تابیده بود، حضور داشتند و من با آن ها اُنس و اُلفتی عمیق داشتم.

ناگهان آبخار صدایی مهیب و پُر تلاطم بر سرمان فرو ریخت و همگی با گوش های جانمان شنیدیم:

{أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ} (۱)، (۲) آیا من پروردگار شما نیستم؟

همگی در جواب فریاد زدیم که: {قَالُوا بَلَىٰ} (۳).

ص: ۷

۱- الأعراف، الآية ۱۷۲.

۲- الأما لی للطوسی: ۲۳۲ ح ۴؛ إثبات الهداه: ۲/۲۴۸ ح ۸۵۹ (از کتاب علل الأشیاء).

۳- الأعراف، الآية ۱۷۲.

اما گویا عده ای تنها به زبان، جواب این منادی را داده و صدا از عمق جانشان بر نمی آمد!

حسّ غریبی داشتم!

اینجا کجاست؟

من چه کسی هستم؟

اینان چه کسانی هستند؟

این چه سؤالی بود؟

منادی که بود؟

و چرا همگان از عمق جان به منادی پاسخ ندادند؟

در این میان دوباره صدای آن منادی بلند شد:

{أَلَيْسَ مُحَمَّدٌ بِنَبِيِّكُمْ؟} (۱) آیا محمد پیامبر شما نیست؟

با شنیدن این اسم، غوغایی عجیب در نهران دلم پیدا شد، گویا از خود بی خود شدم و باز هم همراه همگان از عمق جانم پاسخ دادم که:

{قَالُوا بَلَىٰ}

و باز متوجه شدم که عده ای دیگر با من فرق می کنند! و گویا از شنیدن این اسم، دریای خروشان که آغشته به کینه‌ی دیرینه ای بود در نهادشان موج می زند.

سایه‌ی خوفناک لحظات، می گذرند و من همچنان متحیرم.

آرام آرام، ابر ترس، وجودم را فرا گرفت.

خواستم فریاد بکشم و با صدای بلند بیرسم:

ص: ۸

اینجا کجاست؟

من چه کسی هستم؟

...

که ناگهان صدای آن منادی باز هم مرا متوجه خود ساخت و آن صدا در وجودم طنین افکند و شنیدم که گفت:

{ أَلَيْسَ عَلَيَّ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَوْلَادُهُ الْأَثَمَةَ الْمَعْصُومِينَ }؟ (۱)

با شنیدن نام علی علیه السلام گویا از درون متحول شدم و بند بند وجودم به این نام گره خورد و احساس کردم که من از اویم و با او پیوند خواهم خورد.

کام وجودم به محبتی وصف ناپذیر شیرین شد و بند دلم به پنجره‌ی نام دلربایش گره خورد و به سرعت هرچه تمام پاسخ منادی را دادم و در این پاسخ تنها نبودم و شنیدم که همگان پاسخ مثبت داده و { قَالُوا بَلَى } گفتند.

ولی باز هم مانند دفعه‌های قبل عده‌ی زیادی گرچه به ظاهر { قَالُوا بَلَى } را گفتند، ولی صداهایشان برخاسته از عمق جانشان نبود.

گویا در این جا نیز طنین پر خروش این اسم، تنفر و کینه‌ای عمیق را از دل عده‌ای بر ملا ساخته و آن را عیان می نمود!

گذر لحظات سرد و طاقت فرسا بسیار سخت بود و من همچنان در دریای تحیر غوطه ور بودم و گرداب سؤالیت «چرا»، «چطور»، «چگونه»، «برای چه» و... مرا در بر گرفته و رهایم نمی کرد و مرا به طور مرگ باری در خود می فشرد.

ص: ۹

۱- الأملی للطوسی: ۲۳۲ ح ۴؛ إثبات الهداه: ۲/۲۴۸ ح ۸۵۹ (از کتاب الأشیاء).

چه کنم؟

چگونه خود را از این زندان برهانم؟

آیا کسی هست که به سؤالاتم پاسخ دهد؟

آیا ساقی وجود دارد که بر لبهای تشنه‌ی روح آب حیاتی بریزد؟

آیا پنجره‌ی اضطراب دلم به گلزار قرار باز خواهد شد؟

آیا...

وصال یار و اولین نگاه در عالم ارواح

در این افکار بودم که ناگهان احساس کردم دستی پُر از یاس های آرامش در سبد قلبم قرار گرفت و بوی عطرِ اطمینان مشام دلم را پُر نمود.

طوفانِ درونم فرو نشست و احساس کردم به زودی همچون رودخانه ای خروشان به دریای حقایق فرو خواهم ریخت و بر قلّه‌ی اسرارِ خلقت صعود خواهم کرد.

غنچه‌ی وجودم شکفت و آماده‌ی وصال شدم.

نوازشم کرد.

اما نه با دستش، بلکه با نوری که سراسر وجودش را فرا گرفته بود.

از خود بی خود شدم.

یک پارچه نور بود.

خودش را که معرفی کرد، فهمیدم هرچه دارم از اوست و

هرگز نباید از او جدا شوم.

ص: ۱۰

اولین نگاه بود

اولین نگاه بود. (۱)

عشقی ناب دلِ عاشقم را به دلش پیوند می داد.

محو جمال نورانش بودم و لذتی را تجربه می نمودم که قابل وصف نبود.

نگاه بود و نگاه!

و باز هم نگاه و البته سکوتی پر از معنا!

ناگهان شیشه‌ی سکوت شکست و پرنده‌ی صدای زیبا و دلنشینش در آشیانه‌ی دلم مأوا گرفت:

معرفی امام عصر از زبان خودشان در عالم ارواح

*«من امام زمان تو و حجّت خدا بر همه‌ی مخلوقاتم». (۲)

آری!

من آن خورشیدی هستم که در کنار سیزده خورشید دیگر اول کسانی بودیم که لباس زیبای وجود را بر تن نموده و پا به عرصه‌ی وجود نهادیم.

ص: ۱۱

۱- آندم که روح، ز گل سرشته شد عشق، ز خال صورتت گرفته شد من عاشق شدم و دل به تو دادم چون عشق تو در وجودم نهاده شد

۲- حدیث ۱: در زیارت امام عصر (می خوانیم: سلام بر تو ای حجّت خدا بر زمینیان و آسمانیان، شهادت می دهم که حقیقتاً تو حجّت خدا بر گذشتگان و آیندگان هستی. (المزار للمشهدی: ۵۸۷) حدیث ۲: در زیارت جامعه‌ی کبیره می خوانیم: سلام بر حجّت های خدا بر اهل دنیا و آخرت، شهادت می دهم که شما حقیقتاً حجّت های خداوند بر مخلوقاتش می باشید. (من لا یحضره الفقیه: ۲/۶۰۹)

من آن کسی هستم که خداوند همه چیز را به خاطر او (۱)، و برای او خلق نمود. (۲)

و مرا شاهد بر خلق آن ها قرار داد. (۳)

من اساسی ترین نقش را در عالم هستی دارم، و خداوند مرا همه کاره و جانشین خود قرار داده است. (۴)

من آن رابط و سبب میان خلق و خالق یکتا و مصدر و مخرج همه‌ی فیوضاتم که خداوند از طریق من (۵)، و به خاطر من نعمت ها، خیرات

ص: ۱۲

۱- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند متعال فرموده است: من دنیا و آخرت را به خاطر ائمه‌ی معصومین خلق نمودم. (مشارق أنوار الیقین: ۲۳۶) حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند بهشت و جهنم و انبیا و ملائکه را خلق نمی نمود. (بحار الأنوار: ۲۶/۳۴۹ ح ۲۳) حدیث ۳: امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر ما نبودیم خداوند آسمان و زمین و بهشت و جهنم و خورشید و ماه و جنّ و انس را خلق نمی کرد. (عیون المعجزات: ۶۹)

۲- حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: دنیا و آن چه در آن است از آن خدای (و رسول او و ما اهل بیت می باشد. (الکافی: ۱/۴۰۸ ح ۲)

۳- حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: ما شاهدان خدا بر خلقش می باشیم. (بصائر الدرجات: ۸۳ ح ۱۱) حدیث ۲: امام رضا علیه السلام فرمودند: او (امام زمان علیه السلام) چشم بینای تو (خدا) بر خلق و شاهد تو بر بندگانت می باشد. (جمال الأسبوع: ۳۰۷)

۴- حدیث: امام کاظم علیه السلام فرمودند: خداوند اهل بیت علیهم السلام را جانشین خویش قرار داده است؛ چرا که او از چشم ها پنهان بوده و درک نمی شود و کمیت و کیفیت او قابل شناخت نیست، اما اهل بیت علیهم السلام چنین نبوده و سخن گویان پروردگار می باشند و ایشان تصرف کنندگان در امر و نهی الهی هستند، پس خداوند به وسیله‌ی ایشان قدرت خویش را بر مردم ظاهر می سازد. (تأویل الآیات: ۱/۳۹۷ ح ۲۷)

۵- حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: زمانی که خداوند (اراده‌ی تحقق و اجرای امری را داشته باشد ابتدا آن را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سپس به امیر المؤمنین و سائر ائمه علیهم السلام، یکی پس از دیگری تا امام زمان علیه السلام عرضه می نماید، و پس از آن (توسط ملائکه‌ی الهی) به اهل دنیا عطا می شود، و نیز زمانی که ملائکه قصد بالا بردن عملی را به سوی پروردگار داشته باشند آن را به امام زمان علیه السلام عرضه داشته و آن حضرت نیز آن را به امام قبل از خود - همین طور تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم - عرضه می دارند، و آن حضرت نیز واسطه‌ی مستقیم به پروردگار است، پس آن چه که از جانب خدای متعال به سوی خلق پائین می آید و از سوی خلق به سمت او بالا می رود به دستان اهل بیت جاری شده و ایشان واسطه در آنند. (الغیبه للطوسی: ۳۸۷ ح ۳۵۱)

برکات، ارزاق و عنایاتِ خود را بر خلق افاضه می کند. (۱)

من سرچشمه و منبع همه‌ی ارزش‌ها و نعمت‌هایم. (۲)

و به خاطر من تمامی نعمت‌ها، بلاها، غم و غصه‌ها، بیماری‌ها، وساوس شیطانی و نابسامانی‌های روزگار، از تو دفع می‌شوند. (۳)

ص: ۱۳

۱- حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت به بندگانش روزی می‌دهد و به خاطر ایشان سرزمین‌ها را آباد می‌کند، و به خاطر ایشان برکات را از زمین خارج می‌کند. (کمال الدین: ۲۶۰ ح ۵) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند به سبب ما درختان را میوه‌دار، و میوه‌ها را رسیده و قابل استفاده می‌نماید، و به خاطر ما باران را نازل و زمین‌ها را سبز می‌گرداند. (الکافی: ۱/۱۴۴ ح ۵)

۲- حدیث ۱: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ما چشمه‌های نعمت پروردگار هستیم. (مشارق أنوار الیقین: ۵۸) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر آنچه که به سوی اهل آسمان‌ها و زمین خارج می‌شود از دریای رحمت ما اهل بیت سرچشمه گرفته و به واسطه‌ی ما به ایشان عطا می‌گردد. (مشارق أنوار الیقین: ۶۷)

۳- حدیث ۱: امام زمان علیه السلام فرمودند: به خاطر من خداوند بلاها را از اهلیم و شیعیانم دفع می‌کند. (کمال الدین: ۴۴۱ ح ۱۲) حدیث ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند می‌فرماید: آن‌ها (ائمّه علیهم السلام) حقیقتاً اولیای من هستند، به خاطر ایشان هر فتنه‌ی کور ظلمانی را دفع می‌کنم و به خاطر ایشان زلزله‌ها را برطرف می‌سازم، و به خاطر ایشان گناهان و غلّ و غش‌ها را می‌زدایم. (الإمامه والتبصره: ۱۰۳ ح ۹۲) حدیث ۳: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: به خاطر شما (اهل بیت علیهم السلام) خداوند ذلّت و خواری را از ما دور نمود، و چرک‌های غم و اندوه را از صورت‌هایمان پاک کرد، و ما را از قرار گرفتن در پرتگاه‌های هلاکت و آتش عذاب نجات داد. (من لا یحضره الفقیه: ۲/۶۰۹)

من مدیر و مجری اراده‌ی حق تعالی در عالم هستی می باشم. (۱)

من مظهر صفات حق تعالی و جامع جمیع صفات الهی هستم. (۲)

ص: ۱۴

۱- حدیث ۱: در زیارتی می خوانیم: سلام بر تو ای حافظ سرّ پروردگار، و اجرا کننده‌ی حکم او، و آشکار کننده‌ی اراده اش، و جایگاه مشیت و خواست او. (المزار للمشهدی: ۳۰۴) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: بدرستی که امام آشیانه‌ی اراده‌ی خداوند است و نمی خواهد مگر آن چه را که او بخواهد. (المحتضر: ۲۲۷ ح ۲۹۶) حدیث ۳: امام باقر علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت به اذن خداوند آن چه را که بخواهیم انجام می دهیم، و غیر از آن چه که خداوند بخواهد نمی خواهیم، و زمانی که ما اراده کنیم خدای متعال نیز اراده می کند. (الهدایه الکبری: ۲۲۶)

۲- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، و ائمه علیهم السلام مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند. (مشارق أنوار الیقین: ۱۷۷) حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمودند: تو نمونه‌ی کامل صفات و کمالات پروردگار هستی. (عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱/۹ ح ۱۳) حدیث ۳: امام کاظم علیه السلام فرمودند: خداوند اهل بیت علیهم السلام را جانشین خویش قرار داده است؛ چرا که او از چشم ها پنهان بوده و درک نمی شود و کمّیت و کیفیت او قابل شناخت نیست پس هر کس ایشان را بشناسد خدا را شناخته است. (تأویل الآیات: ۱/۳۹۷ ح ۲۷)

شناخت من، شناخت خداست و هر کس مرا بیشتر و بهتر بشناسد، خدا را بیشتر و بهتر شناخته است. (۱)

من هدفِ غاییِ خلقت هستم (۲) که سعادت‌مندی، جز در سایه‌ی عمل به دستورات و اطاعتش به دست نمی‌آید. (۳)

من آن مخلوقی هستم که قُرب و نزدیکی به خدا، در اطاعتِ بی‌چون و چرا از اوامر و دستوراتش می‌باشد. (۴)

ص: ۱۵

۱- حدیث ۱: امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس اهل بیت را بشناسد خدا را شناخته است، و هر کس جاهل به ایشان باشد خدا را نشناخته است. (الکافی: ۴/۵۷۸ ح ۲) حدیث ۲: امام کاظم علیه السلام فرمودند: اگر اهل بیت نمی‌بودند خداوند شناخته نشده، و کسی نمی‌دانست که چگونه او را عبادت کند. (تأویل الآیات: ۱/۳۹۷ ح ۲۷) حدیث ۳: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ما آن وسیله‌های شناخت پروردگار هستیم که بدون آن، شناخت و معرفت او امکان‌پذیر نیست. (بصائر الدرجات: ۵۱۶ ح ۶)

۲- حدیث ۱: در یکی از زیارات ائمه‌ی معصومین علیهم السلام می‌خوانیم: سلام بر عَلتِ غائیِ خلق موجودات. (بحار الأنوار: ۹۹/۲۰۳) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت، عَلتِ به وجود آمدن همه‌ی مخلوقات هستیم. (بحار الأنوار: ۲۶/۲۵۹ ح ۳۶)

۳- حدیث: در زیارت آل یاسین خطاب به امام زمان (می گوئیم: ای مولای من! هر کس با شما مخالفت کند شقی و بدبخت، و هر کس از شما اطاعت کند سعید و خوشبخت می‌باشد. (الاحتجاج: ۲/۳۱۷)

۴- حدیث ۱: حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: به خاندان پیامبرتان بنگرید، و بدان سو که می‌روند بروید، و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکت تان نخواهند کشانید. اگر ایستادند بایستید، و اگر برخاستند، برخیزید. بر آن‌ها پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید، و از آنان عقب‌نمانید که تباه می‌گردید. (نهج البلاغه: ۱/۱۸۹) حدیث ۲: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: هر کس اراده‌ی شناخت و نزدیک شدن به خداوند متعال را دارد باید از شما اهل بیت آغاز نماید، و هر کس یگانگی او را می‌جوید باید از شما پذیرد، و هر کس خدا را قصد نموده باید به شما روی نماید، ای والیان و سرپرستان من! من توانائی حمد و ثنای شما را ندارم، و مدح من به منتهای حقیقت شما نرسیده و تمجید و توصیف من به قلّه‌ی رفیع شما نمی‌رسد. (من لا یحضره الفقیه: ۲/۶۰۹)

من همان کسی هستم که هدف از خلقتِ خلق، شناخت و معرفت به من است. (۱)

من اولین بنده ی خدا هستم که او را به معنای حقیقی عبادت کرده است و خواهد کرد. (۲)

من آن کسی هستم که به برکت و یمن وجود او به خلایق روزی داده می شود. (۳)

ص: ۱۶

۱- حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: حضرت حسین بن علی علیهما السلام از جمع یارانشان بیرون آمده و خطاب به آن ها فرمودند: ای مردم! بدرستی که خدای متعال بندگانش را نیافریده مگر برای آن که او را بشناسند، و آن گاه که او را شناختند عبادتش کنند، و زمانی که او را عبادت کردند از پرستش غیر او بی نیاز گردند. مردی در بین یاران عرضه داشت: ای پسر رسول خدا! پدر و مادرم فدای تو باد، معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: آن است که اهل هر عصر و زمانی امامی را که اطاعتش بر آن ها واجب است بشناسند. (علل الشرائع: ۱/۹ ح ۱)

۲- حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: اولین مخلوقی که خداوند متعال آن را خلق نمود وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ما اهل بیت بود، و ما خدای متعال را تسیح و تقدیس و تحمید، و عبادتی در خور شأن و منزلت او می نمودیم. (بحار الأنوار: ۲۵/۱۷ ح ۳۱)

۳- حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند به خاطر اهل بیت علیهم السلام به بندگانش روزی می دهد، و به خاطر ایشان سرزمین ها را آباد می کند، و به خاطر ایشان باران را نازل می کند، و به خاطر ایشان برکات زمین از آن خارج می شود. (کمال الدین: ۲۶۰ ح ۵) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر ما نبودیم رودخانه ها جاری نمی گشتند و درختان میوه نداده و سبز نمی گشتند. (مدینه المعجز: ۶/۴۷ ح ۲۶۶)

من همانم که آسمان و زمین به وجود پر رمز و رازش استوار می گردد. (۱)

من یگانه ای هستم که عجائب و غرائب دریای بی کران وجودش، بی نظیر و تمام ناشدنی است. (۲)

من همان دستِ خدایم که دستی فوقِ آن نیست و امورِ همه‌ی خلق به او واگذار شده است. (۳)

من بر انجام آنچه بخواهم توانا و قادرم. (۴)

ص: ۱۷

۱- حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند به سبب اهل بیت علیهم السلام آسمان را بر زمین برافراشته و نگاه داشته است. (الاختصاص: ۲۲۳)

۲- حدیث: امام کاظم علیه السلام فرمودند: بدرستی که امام همانند دریاست و آن چه نزد اوست تمام نمی شود، و عجائب و غرائب او از دریا بیشتر است. (قرب الإسناد: ۳۳۶ ح ۱۲۳۸)

۳- حدیث ۱: در یکی از زیارات می خوانیم: خداوند شما اهل بیت را سرپرست و مدیر بر خلائق قرار داد و امور آن ها را به شما واگذار نمود. (المزار للمشهدی: ۲۴۸) حدیث ۲: امام سجّاد علیه السلام فرمودند: سپاس خدائی را که ما را بر سائر خلق به سلطنت و ولایت بر آنان برتری داد، پس همه‌ی مخلوقات به قدرت الهی تحت فرمان و اراده‌ی ما هستند و به عزّت او به سوی طاعت ما روی می نهند. (الصحیفه السجّادیّه: ۲۶)

۴- حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: بدرستی که خداوند ما اهل بیت را بر آن چه بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدرجات: ۳۹۵ ح ۵) حدیث ۲: در یکی از زیارات امیر المؤمنین علیه السلام می خوانیم: تو بر هر چیزی احاطه و تسلّط داری. (بحار الأنوار: ۹۷/۳۴۹)

من صاحب و مجری معجزات همه‌ی انبیا و اوصیائهم. (۱)

من حقیقت دین، اصل دین، باطن دین هستم. (۲)

من آن کسی هستم که آراسته به لباس زیبای عصمت مطلقه است. (۳)

ص: ۱۸

۱- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست مگر این که خداوند شبیه آن را برای اتمام حجت بر دشمنان به دست قائم ما ظاهر می‌کند. (إثبات الهداه: ۷/۳۵۷ ح ۱۳۷) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: در زمان ظهور امام زمان علیه السلام شخصی از اصفهان پیش آن حضرت آمده و از او می‌خواهد که معجزه‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام را برای او بیاورد، پس آن حضرت دستور می‌دهند که آتش بزرگی برافروخته شود و این آیه را تلاوت می‌کنند: «پس پاک و منزّه است آن خدائی که در دست او ملکوت هر چیزی است و به سوی او بر می‌گردید» سپس آن حضرت داخل آتش شده و در صحت و سلامت کامل از آن بیرون می‌آیند اما آن شخص - که لعنت خدا بر او باد - این معجزه را انکار کرده و آن را سحر و جادو می‌شمارد. پس آن حضرت به آتش امر کرده که او را در خود فرو برده و بسوزاند، آتش نیز چنین کرده و آن شخص را می‌سوزاند، آن گاه حضرت می‌فرمایند: این جزای کسی است که صاحبِ زمان و حجت خدا را انکار نماید. (مکیال المکارم: ۱/۱۶۴)

۲- حدیث ۱: امام محمّد باقر علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت ریشه‌های دین هستیم. (بصائر الدرجات: ۸۲ ح ۱۰) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ایشان (اهل بیت علیهم السلام) اصل، اساس و پایه‌ی دین می‌باشند. (نهج البلاغه: ۱/۳۰) حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: مائیم نماز در کتاب خدا، و مائیم زکات، و مائیم روزه، و مائیم حج، و مائیم ماه حرام، و مائیم سرزمین حرام، و مائیم کعبه‌ی الهی، و قبله‌ی پروردگار. (تأویل الآیات: ۱/۱۹ ح ۲)

۳- حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند شما اهل بیت را از لغزش‌ها مصون داشته و از فتنه‌ها حفظ نموده و از ناپاکی‌ها پاک نموده است و رجس و پلیدی را از شما دور کرده و شما را پاکیزه و مطهر نموده است. (من لا یحضره الفقیه: ۲/۶۰۹)

من منبع و خزینه دار علم الهی (۱) و عالم بر ماسوی الله هستم. (۲)

من مظهر علم خدا (۳) و مطلع و محیط بر جمیع کائناتم. (۴)

من چشم بینای خداوند عزوجل می باشم که همیشه و در همه‌ی احوال

ص: ۱۹

۱- حدیث ۱: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: ما خزینه داران علم خداوند هستیم. (بصائر الدرجات: ۸۱ ح ۳) حدیث ۲: امام حسن علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خطبه خواندند و فرمودند: علی معدن علم خداوند است. (کفایه الأثر: ۱۶۳)

۲- حدیث ۱: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: امام آن چه را که بین شرق و غرب عالم است می بیند، پس هیچ چیزی از عالم مُلک و ملکوت بر او پوشیده نیست. (مشارق أنوار الیقین: ۲۰۵) حدیث ۲: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: بدرستی که من از آن چه که در آسمان ها و زمین است آگاهم و از آن چه که در بهشت و جهنم است مطلع ام و گذشته و آینده را می دانم، سپس کمی مکث کرده و چون دیدند این مطالب بر شنوندگان سنگین آمد فرمودند: آن چه را می دانم از کتاب خدا است؛ چرا که خداوند می فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی موجود است». (بصائر الدرجات: ۱۴۸ ح ۶)

۳- حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: ذات امام ملکوتی و صفات او الهی است، و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام مظهر صفات خداوند و برگزیدگان او می باشند. (مشارق أنوار الیقین: ۱۷۷)

۴- حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: آگاه باشید بدرستی که او (امام زمان علیه السلام) وارث هر علم و محیط بر آن است. (الاحتجاج: ۱/۸۰) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: به تحقیق از آن چه که بالای بهشت برین و زیر زمین هفتم و آن چه که در آسمان های سر به فلک کشیده، و آن چه که بین آسمان ها و زمین، و آن چه که زیر زمین است مطلع و آگاهم، و این علم و آگاهی فقط از طریق شنیدن نیست، بلکه آن چه را می دانم بر آن احاطه داشته و آن را مشاهده می نمایم. (مشارق أنوار الیقین: ۲۶۴)

و بر جمیع اسرار و رازهای درونی تو و تمامی اعمال و رفتار، افکار و خُطورات ذهنیه، حالات مختلف روحی و جسمی، نیازهای ظاهر و باطن تو مطلع است. (۲)

من عالم به اسرار و حقائق آن قرآنی هستم که بر جَدَم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل خواهد شد. (۳)

ص: ۲۰

۱- حدیث ۱: امام رضا علیه السلام همیشه جهت دعا برای امام زمان علیه السلام چنین دستور می دادند: خدایا! شرّ مخلوقات را از ولایت، و چشم بینایت که به اذن تو می بیند، و شاهد تو بر بندگانت است دور نما. (مصباح المتهجد: ۴۰۹ ح ۱۴۵)
حدیث ۲: امام کاظم علیه السلام فرمودند: بدرستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام هم چون ماه در محلّ خود بر آن چه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است. (بصائر الدرجات: ۴۶۳ ح ۸)

۲- حدیث ۱: امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه‌ی تُطْنِجِیَه فرمودند: ما از گذشته و آینده و آن چه که در آسمان ها و زمین است آگاهیم و این آگاهی از جانب پروردگار ماست، ما تدبیر کنندگان این عالمیم، و خداوند ما را مخصوص به این امر نموده است، پس ما از جانب او انتخاب شده و بر همه چیز آگاهیم. (إلزام الناصب: ۲/۲۱۸) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه‌ی معروف نوراّیت فرمودند: امام از گذشته و آینده و آن چه که در باطن ها، قلب ها و آن چه که در آسمان ها و زمین می باشد مطلع است. (بحار الأنوار: ۲۶/۵)

۳- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم، تمام علم قرآن در نزد ماست. (بصائر الدرجات: ۲۳۲ ح ۲)
حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: من فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستم و از کتاب خدا آگاهم، در این کتاب آن چه از ابتدای خلقت تا روز قیامت می باشد آمده است، و در آن اخبار آسمان ها و زمین و بهشت و جهنم و گذشته و آینده آمده است، و من بر تمامی این علوم به گونه ای آگاه و مطلع هستم که گویا به کف دست خویش می نگرم، آری! بدرستی که خداوند متعال می فرماید: «در قرآن بیان هر چیزی آمده است». (بصائر الدرجات: ۲۱۷ ح ۲)

منم آن کسی که عصر ظهورش، عصر شکافته شدن علوم و دانش هاست. (۱)

من آن امامی هستم که ملائکه بی اذن او قدم از قدم برداشته و نیم نفسی نمی کشند. (۲)

ص: ۲۱

۱- حدیث ۱: ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: در گوشه‌ی دسته‌ی شمشیر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دفترچه‌ی کوچکی بود، به حضرت عرض کردم: در آن دفترچه، چه نوشته شده بود؟ فرمودند: حروفی بود که هر حرف آن کلید هزار حرف بود، سپس ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: تا اکنون دو حرف از آن ها بیشتر خارج نشده و برای مردم ظاهر نگشته است. (بصائر الدرجات: ۳۲۸ ح ۴) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام در وصیت خود به کمیل فرمودند: ای کمیل! هیچ علمی نیست جز آن که من آن را می گشایم، و هیچ سرّی نیست مگر آن که قائم علیه السلام آن را خاتمه می دهد. (تُحَفُّ الْعُقُول: ۱۷۱) حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: علم بیست و هفت حرف دارد و همه‌ی آن چه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا به امروز غیر از دو حرف را نشناخته اند، وقتی قائم ماقیام کند بیست و پنج حرف را بیرون می آورد و در بین مردم منتشر می سازد و آن دو حرف را به آن ها پیوند می دهد تا هر بیست و هفت حرف را انتشار دهد. (مختصر بصائر الدرجات: ۱۷۷)

۲- حدیث ۱: امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: هیچ مَلَکِی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر این که ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می دارد، و بدرستی که محلّ رفت و آمد ملائکه‌ی الهی به سوی صاحب این امر است. (بصائر الدرجات: ۱۱۵ ح ۲۲) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: من حَجَّتْ خِدا بر اهل آسمان ها و زمین هستم، و هیچ مَلَکِی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد. (مشارق أنوار الیقین: ۳۴۳) حدیث ۳: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: قسم به آن خدائی که آسمان را بدون پایه و ستون بالا برده است، اگر مَلَکِی از ملائکه، قصد جا بجائی - به اندازه‌ی نَفَسِی - از مکانی دیگر را داشته باشد هرگز بدون اذن من نمی تواند چنین کند، و این امر برای فرزندانم حسن و حسین و فرزندان از نسل او که نهمین ایشان قیام کننده آن ها است نیز می باشد. (بحار الأنوار: ۲۷/۳۶)

منم آن که جبرائیل امین با آن قداستش، خادمِ شیعیان اوست. (۱)

و عزرائیل بدون اذنِ او احدی را قبض روح نمی کند. (۲)

من همانم که پیامبرانِ اُولو العزم (صاحبانِ تصمیم) با عزمِ بر قبول ولایت او از سایرِ پیامبران، پیشی گرفته و اُولو العزم شدند.

(۳)

منم آن که از اعمالِ بندگانِ باخبرم و به آن ها می نگرم. (۴)

ص: ۲۲

۱- حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بدرستی که ملائکه‌ی الهیِ خادمان ما و خادمانِ دوستان ما هستند.

(علل الشرائع: ۱/۵ ح ۱)

۲- حدیث: امام صادق علیه السلام عزرائیل را صدا نمودند، و او در جواب آن حضرت گفت: آماده ام ای امام! سپس ایشان

فرمودند: آیا تو به حرف شنوی و اطاعت از ما امر نشده ای؟ گفت: بله امر شده ام. (الخراج و الجرائح: ۱/۲۹۵ ح ۲)

۳- حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: پیامبران اولوا العزم تنها به این جهت به این اسم نامیده شدند که خداوند از آن ها

برای پیامبر و اوصیانش و مهدی و سیره‌ی او از آنان عهد و پیمان گرفت و آنان نیز اقرار نموده و عزم و تصمیم گرفتند بر

قبول. (بصائر الدرجات: ۱۷۰ ح ۱)

۴- حدیث ۱: امام زمان علیه السلام در توقیعی فرمودند: ما بر اخبار و احوال شما احاطه داشته و از آن ها مطلع هستیم و چیزی

از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. (المزار للمفید: ۷) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: امام، زمین و مخلوقات که بر

روی آن هستند را می بیند، و چیزی از اعمال آن ها بر او مخفی نیست. (الهدایه الکبری: ۱۷۰)

و به سبب محبت و ولایت من، و بیزاری از دشمنانم اعمال ایشان پذیرفته می شود. (۱)

و علاوه بر این هفته ای دو مرتبه ملائکه‌ی الهی، اعمال ایشان را نزد من می آورند، و من برای گناهانشان استغفار می کنم و از اعمال خوبشان مسرور گشته و شکر الهی را بجای می آورم. (۲)

ص: ۲۳

۱- حدیث ۱: شخصی از امام سجّاد علیه السلام سؤال کرد: سبب و علّت قبولی نماز چیست؟ حضرت فرمودند: ولایت ما اهل بیت و بیزاری جستن از دشمنانمان. (مناقب آل اَبی طالب: ۳/۲۷۴) حدیث ۲: در زیارت امام زمان (می خوانیم: شهادت می دهم که به ولایت تو اعمال پذیرفته می شوند و افعال پاکیزه می گردند و حسنات دو چندان می شوند و سیئات محو می گردند، پس هر کس ولایت تو را بپذیرد و به امامت تو اعتراف نماید اعمالش پذیرفته، گفتارش تصدیق، حسناتش مضاعف و سیئاتش محو می شوند. و هر کس ولایت تو را نپذیرد و تو را نشناسد و دیگری را به جای تو برگزیند خداوند او را به صورت در آتش افکنده و هیچ عملی را از او نمی پذیرد و در روز قیامت بدون برقراری میزان اعمال و حساب رسی، او را به آتش می اندازد. (المزار للمشهدی: ۵۸۶) حدیث ۳: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: خداوند به واسطه‌ی موالات و دوستی شما، امور دین را به ما می آموزد، و اعمال واجب شده بر ما را می پذیرد. (من لا یحضره الفقیه: ۲/۶۱۶)

۲- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: اعمال در هر پنجشنبه بر رسول خدا و ائمه علیهم السلام عرضه می شود. (بصائر الدرجات: ۴۴۶ ح ۱۶) حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همانا اعمال شما در هر دوشنبه و پنجشنبه بر من عرضه می شود، پس من بر اعمال خوب شما شکر الهی نموده و بر اعمال بدتان از خداوند طلب بخشش می نمایم. (بصائر الدرجات: ۴۶۴ ح ۵)

منم آن که ملائکه و روح القدس در شب قدر بر وی نازل می شوند (۱) و تقدیرات یک ساله‌ی تو، باید به امضای من برسد؛ (۲) چرا که غیر از من کسی که قدرت تصرف در مقدرات و تغییر و تبدیل آن‌ها را داشته باشد وجود ندارد. (۳)

من آن هدایتگری هستم که هدایت همه‌ی اشیاء به او واگذار شده است. (۴)

ص: ۲۴

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: همانا در شب قدر امور یک سال، معین می شود و برای اجرای این مسأله مجریانی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می باشند، پس شخصی سؤال نمود: آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: من و یازده نفر از فرزندانم که از صیلب من می باشند و آنان امامانی هستند که ملائکه با ایشان سخن می گویند. (الکافی: ۱/۲۴۷ ح ۲) حدیث ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: شب قدر بر ما اهل بیت مخفی نیست؛ چرا که در آن شب، ملائکه به دور ما طواف می کنند. (تفسیر القمّی: ۲/۲۹۰)

۲- حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: ملائکه‌ی الهی و روح القدس در شب قدر احکام و اموری را که قرار است در طول سال رخ دهد برای امام بازگو می کنند، پس شخصی سؤال کرد: مگر امام از آن احکام و امور بی خبر است؟ حضرت فرمودند: خیر، بلکه از آن‌ها مطلع است، ولی در شب‌های قدر از طرف خدا به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و اوصیای او نسبت به آن چه می دانند دستور می آید که آن چه را می دانند اجرا و عمل نمایند. (الکافی: ۱/۲۵۲ ح ۸)

۳- حدیث ۱: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: بدرستی که خداوند ما اهل بیت را بر آن چه بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدرجات: ۳۹۵ ح ۵) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: اهل بیت علیهم السلام جایگاه قدرت و مشیت خدای می باشند. (مشارق أنوار الیقین: ۱۷۹)

۴- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت آن کسانی هستیم که خداوند مردم را به خاطر ما از گمراهی نجات می دهد. (تأویل الآیات: ۲/۸۵۲ ح ۸) حدیث ۲: امام رضا علیه السلام فرمودند: سلام بر شما ای راهنمایان هدایت. (بحار الأنوار: ۹۹/۱۸۷) حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: هیچ هدایت شونده‌ای از ضلالت و گمراهی نجات نیافته است مگر به سبب ایشان (اهل بیت علیهم السلام). (بصائر الدرجات: ۲/۲۲۰ ح ۲)

من سبب اصلی بخشایش گناهانِ خَلْم و بدون استغفار من کسی بخشیده نخواهد شد (۱) و زمانی توبه پذیرفته است که - پس از پشیمانی، استغفار و جبران گذشته - مورد شفاعت من واقع شود. (۲)

من حبل متین تو در مقابل تله های شیطان و هواهای نفسانیم. (۳)

منم آن کشتی نجات که در امواج حادثات جز او را پناهی نیست. (۴)

محبت و ولایت و معرفت به من موجب سنگینی اعمال (۵) و جواز

ص: ۲۵

۱- حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: به خاطر ما خداوند لغزش های شما را نادیده می گیرد و گناهانتان را می آمرزد. (تفسیر فُرات الکوفی: ۳۴۸ ح ۴۷۴)

۲- حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس ما اهل بیت شفیع او باشیم نجات می یابد گرچه گناهان او به اندازه ی گناهان جنّ و انس باشد. (الأمالی للصدوق: ۷۰۹ ح ۹)

۳- حدیث ۱: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: من آن ریسمان محکمی هستم که خداوند مخلوقات را به چنگ زدن به آن امر نموده است هم چنان که فرموده است: «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید». (الفضائل لابن شاذان: ۸۳) حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ما ریسمان محکم الهی هستیم که هر کس به ما چنگ بزند به راه راست هدایت می شود. (تفسیر فُرات الکوفی: ۲۵۸ ح ۱۰)

۴- حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: ما کشتی نجات شمائیم هم چنان که کشتی برای قوم نوح بود. (تفسیر فُرات الکوفی: ۳۴۸ ح ۲)

۵- حدیث ۱: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به سبب محبت او (علی علیه السلام) میزان اعمال مؤمنین سنگین شده، و به سبب مخالفت او میزان اعمال دشمنان سبک می گردد. (تفسیر الإمام العسکری علیه السلام: ۵۸۲) حدیث ۲: در زیارت امام زمان (می خوانیم: شهادت می دهم که به ولایت تو اعمال پذیرفته می شوند و افعال پاکیزه می گردند و حسنات دو چندان می شوند. (المزار للمشهدی: ۵۸۶) حدیث ۳: امام صادق صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به ولایت و معرفت به آن ها (اهل بیت علیهم السلام) اعمال دو برابر می شوند. (الکافی: ۱/۴۳۰ ح ۸۴)

بهشت مهریه‌ی مادرم زهرا علیها السلام (۲) و خلق شده از نور جَدَم حسین علیه السلام است. (۳)

ص: ۲۶

۱- حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند ایشان (اهل بیت علیهم السلام) را راهنمایان اُمت بر پُل صراط قرار داده است. (الیقین: ۳۱۹) حدیث ۲: أصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ گفت: خدمت امیر المؤمنین علیه السلام نشستہ بودم که ابن کَوَّاء وارد شد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین! معنای این آیه چیست: {وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ}؟ حضرت فرمودند: ما اعراف هستیم و یاران خود را از چهره‌ی آن‌ها می‌شناسیم. ما اعراف هستیم که عرفان و شناخت به خدا حاصل نمی‌شود مگر از راه معرفت ما، و ما اعراف هستیم بین بهشت و جهنم که داخل بهشت نمی‌شود مگر کسی که ما را بشناسد و ما او را بشناسیم، و داخل جهنم نمی‌شود مگر کسی که او منکر ما و ما منکر او باشیم. و جریان چنین است که اگر خدا بخواهد می‌تواند خود را به مردم معرفی کند تا او را بشناسند و به درِ خانه اش بیایند ولی چنین اراده ننموده و ما را ابواب و راه و گذرگاه به درِ خانه‌ی خود قرار داده است که مردم باید از آن درب و گذرگاه بیایند. هر کس از ولایت ما اعراض کند و دیگری را بر ما مقدم دارد از مسیر خود دور افتاده است. (بصائر الدرجات: ۵۱۷ ح ۸)

۲- حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا خداوند (مهریه‌ی فاطمه علیها السلام را رُبَع دنیا قرار داد، پس یک چهارم دنیا به آن حضرت تعلق دارد، و مهریه‌ی او را بهشت و جهنم قرار داد، بنابراین دشمنان او داخل آتش جهنم می‌شوند و دوستانش داخل بهشت، و او صدیقیه‌ی کبری است و بر محور معرفت او سنگ روزگار اُمت‌های گذشته می‌چرخید. (الأمالی للطوسی: ۶۶۸ ح ۶)

۳- حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: زمانی که خداوند ما را آفرید نه آسمان افراشته و نه زمین گسترده و نه عرش و نه بهشت و نه جهنم بود، ما او را آن هنگامی که تسبیح و تقدیسی وجود نداشت تسبیح و تقدیس می‌کردیم، وقتی خداوند ابتدای آفرینش را اراده نمود نور مرا شکافت و از آن عرش را آفرید، پس نور عرش از نور من است و نور من از نور خدا است. سپس نور علی بن ابی طالب را شکافت و از آن ملائکه را آفرید، پس نور ملائکه از نور علی بن ابی طالب است و نور پسر ابی طالب از نور خدا است. بعد از آن نور دخترم فاطمه را شکافت و آسمان‌ها و زمین را آفرید، پس نور آسمان‌ها و زمین از نور دخترم فاطمه است و نور فاطمه از نور خدا است و فاطمه بهتر از آسمان‌ها و زمین است. سپس نور حسن را شکافت و از آن خورشید و ماه را آفرید پس نور خورشید و ماه از نور حسن است و نور حسن از نور خدا است و حسن از خورشید و ماه بهتر است. آن‌گاه نور حسین را شکافت و از آن بهشت و حور العین را آفرید پس نور بهشت و حور العین از نور حسین است و نور حسین از نور خدا است و حسین از بهشت و حور العین بهتر است. (بحار الأنوار: ۲۵/۱۶ ح ۳۰)

تیر دعای خلق، به دعا و نیایش من به هدف اجابت اصابت می کند. (۱)

وارث بی چون و چرای همه‌ی انبیا، اوصیا و ادیان الهی هستم. (۲)

ص: ۲۷

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچ مؤمنی دعا نمی کند مگر این که ما برای او آمین می گوئیم، و ساکت نمی شود مگر این که برای او دعا می کنیم. (بصائر الدرجات: ۲۷۹ ح ۱) حدیث ۲: عُمَر بن اسحاق می گوید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: بدرستی که ما برای شما دعا می کنیم و زمانی که شما دعا می کنید ما آمین می گوئیم، پس عُمَر بن اسحاق گفت: این که شما برای ما دعا می کنید را فهمیدم اما چگونه زمانی که ما دعا می کنیم شما آمین می گوئید (با این که بین ما و شما فاصله است)؟! حضرت در جواب فرمودند: همانا شهر و روستا (یعنی دور و نزدیک) برای ما یکسان است. (بصائر الدرجات: ۲۸۰ ح ۲)

۲- حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: آن ها (اهل بیت علیهم السلام) وارثان پیامبران می باشند. (المزار للمشهدی: ۲۹۳)

من تنها امامی هستم که عقول در زمان ظهورش کامل می شوند. (۱)

منم آرزوی هر آرزومند. (۲)

مدافع، یاور، پناه و تنها تکیه گاه دردمندانم. (۳)

آری! مهربان تر از مادر، صمیمی تر از پدر و دل سوز تر از تو به خودت، من هستم. (۴)

من همان «ذکر الله» هستم که خانه‌ی قلب‌ها تنها با یاد آن آرامش

ص: ۲۸

۱- حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان نهد و از برکت آن دست، عقل و خرد آن‌ها کمال یابد. (کمال الدین: ۶۷۵ ح ۳۰)

۲- حدیث: در زیارت آل یاسین می خوانیم: سلام بر تو ای امامی که در همه‌ی امور مقدمی و آرزوی تو برده می شود. (بحار الأنوار: ۹۱/۳۶ ح ۲۳)

۳- حدیث ۱: در زیارت جامعه‌ی کبیره می خوانیم: سلام بر حامیان مدافع. (من لا یحضره الفقیه: ۲/۶۰۹) حدیث ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: اهل بیت علیهم السلام محلی امن برای پناهنده شدن و تکیه کردن هستند، و هر کس به ایشان متمسک شود در امان خواهد بود. (الیقین: ۳۱۸)

۴- حدیث ۱: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: امام همچون پدری مهربان می باشد. (الکافی: ۱/۴۰۷ ح ۸) حدیث ۲: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: به خدا قسم ما اهل بیت از خود شما به شما مهربان تر هستیم. (بصائر الدرجات: ۲۸۵ ح ۱۵) حدیث ۳: امام رضا علیه السلام فرمودند: امام مونس‌ی رفیق، پدری دل سوز، و برادری تنی، و همچون مادری نیکوکار به فرزند کوچک خویش می باشد. (الکافی: ۱/۲۰۰ ح ۱) حدیث ۴: امام رضا علیه السلام فرمودند: همانا امام نسبت به شیعیان خویش از پدران و مادران دل سوزتر است. (الخصال: ۵۲۷ ح ۱)

می یابند و مزه‌ی شیرین زندگی تنها در سایه‌ی آن چشیدنی است. (۱)

من صاحب الزمانم، یعنی: صاحبِ بر زمانم.

محبوب قلب‌ها و امید مستضعفانم.

من آشنای غریبم.

هم وحیدم، هم فریدم.

غم با من آشنا و من با آن قرینم.

آری!

من اولین و آخرینم.

منتقم خون خدا و یکسر خزینم.

نبودم کربلا، لیکن... صبح و شام، اندر عزایش، نالان و غمینم.

کباب است قلبم کباب.

در دل سوزان و یکسر اشک ریزم. (۲)

ص: ۲۹

۱- حدیث ۱: امام جعفر صادق علیه السلام در مورد این آیه: «آن کسانی که ایمان آورده اند و قلب‌هایشان به یاد خدا مطمئن گردید» فرمودند: منظور از ایمان آورندگان: شیعیان، و منظور از ذکر خدا: امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام می باشند. (تفسیر القمی: ۱/۳۶۵) حدیث ۲: امام جعفر صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای: «آگاه باشید که با یاد خدا قلب‌ها آرام می شود» فرمودند: یعنی به محمد صلی الله علیه و آله و سلم قلب‌ها آرامش می یابد؛ چرا که او ذکر خدا و واسطه‌ی بین پروردگار و خلق می باشد. (تفسیر العیاشی: ۲/۲۱۱ ح ۴۴)

۲- حدیث: در زیارت ناحیه‌ی امام زمان علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام آمده است: اگر زمانه مرا به تأخیر انداخت و نتوانستم تو را یاری نمایم و با دشمنانت دشمنی و جنگ نمایم، پس در ازای آن هر صبح و شام با صدای بلند گریه می کنم و گاهی به جای اشک خون می گریم! و این، همه به خاطر حسرت بر تو و تأسف و اندوه بر آن مصیبتی است که بر سر تو آمده، و این گریه و افغان تا زمانی که از سوز و شدت مصیبت و غصه‌ی فراوان بمیرم ادامه دارد. (المزار للمشهدی:

(۴۸۵)

دیگر تابِ تحمّل نگاه به صورت نورانیّتش، حزنِ چهره اش، و سوزِ دلش را نداشتم.

هیزم های پر از نم احساسم آتش گرفتند.

همچون پروانه سوختم و مثال شمعی آب شدم.

گلبرگ های گل باغِ کوچکِ جانم، از سوز قلبش پرپر شد.

و در سکوتی تلخ و نفس گیر

دوباره نگاه عاشقانه ام را به نگاه معشوقانه اش دوختم.

و باز هم نگاه بود و نگاه!

در حالی که بغضی سرد گلویم را می فشرد گفتم:

سیدی و مولای!

جانم به قربانت!

هستیم فدایت!

من کیستم؟

امروز چه روزی است.

و این جا کجاست؟

ص: ۳۰

لحظاتی سکوت نموده و با لحنی آرام فرمود:

امروز جمعه و اینجا عالم ارواح است و تو روح یکی از محبین من هستی که به کمک و یاری من، به وحدانیت خدای تعالی، نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و ولایت و امامت امیر المؤمنین علی علیه السلام، و سایر امامان بعد از ایشان و من که مهدی و خاتم اوصیاءم، اقرار زبانی و قلبی نمودی.

اینجا هم دار امتحان و اولین آزمایش گاه خدا از مخلوقات خویش است.

آری! خداوند بلند مرتبه پس از این که ارواح خلایق را - به دست ما اهل بیت که ید الله هستیم - خلق نمود (۱)، آنان را در سه چیز مورد امتحان قرار داد: «توحید، نبوت و امامت»

توحید:

خدای متعال اول خود را معرفی نموده و بر خلایق شناسانید و صفات عالی‌هی خود را برای آنان ذکر نمود، عده ای همچون تو، هم به دل اقرار نمودند و هم به زبان؛ و عده ای دیگر فقط به زبان اقرار نموده و در دل انکارش کردند.

در اینجا بود که کفر و ایمان؛ کافر و مؤمن، از یکدیگر مشخص گردیده و از هم جدا شدند.

ص: ۳۱

۱- دلائل الإمامة: ۱۹۹ ح ۵؛ صحیفه الأبرار: ۲/۸۱ ح ۷۴ (از کتاب عیون المعجزات)؛ الهدایه الكبرى: ۴۴۴؛ الاحتجاج: ۱/۳۷۵؛ إلزام الناصب: ۲/۲۱۳؛ طوابع الأنوار: ۲۳۹.

نبوت:

سپس پیامبر خود، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را که به علم و حکمت بی پایان خویش برگزیده بود، بر خلق معرفی کرده و از خلائق برای وی طلب اقرار به نبوتش را نمود؛ پس عده ای همچون تو، هم به زبان و هم به قلب پذیرفته و عده ای دیگر تنها به زبان اقرار نمودند، و در این مرحله اسلام از سائر فرقه ها، و مسلمان از غیر مسلمان جدا گردید.

امامت:

سپس بر امامت و ولایت امیر المؤمنین علی علیه السلام، امام حسن مجتبی علیه السلام تا امامت و ولایت من اقرار گرفت.

در این جا نیز عده ای همچون تو پذیرفته، و هم به زبان و هم به دل اقرار نمودند، و عده ای دیگر تنها به زبان اقرار کردند. و در این مرحله تشیع از تسنن و شیعه از سنی، جدا شد و حبّ و بغض و محبّ و مبغض، شکل گرفت.

اکنون بدان که همه ی شما دوست داران و اقرار کنندگان به ولایت ما، به زودی هم مرا و هم امامان قبل از مرا و هم یکدیگر را در اینجا ملاقات خواهید نمود و با هم تکلم خواهید کرد و نه تنها به هم انس می گیرید و یکدیگر را می شناسید، بلکه بعضی از شما با بعضی دیگر چنان انس و الفت گرفته و آشنا می شوید که گویا سال ها با هم آشنا بوده اید و زمانی که در دنیا به هم برخورد کنید،

۱- حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همانا اُمّت مرا در روز أخذ میثاق بر من عرضه کردند، پس اوّل کسی که به من ایمان آورد و مرا تصدیق نمود و نیز اوّل کسی که پس از بعثت مرا تصدیق نموده و به من ایمان آورد علی بن ابی طالب بود، پس او صدّیق اکبر است. (مختصر بصائر الدرجات: ۱۶۵) حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خدای (ارواح را دو هزار سال پیش از اجساد آفرید، و آن ها را به عرش آویخت، و به آنان فرمان داد تا بر من سلام و درود فرستاده و از من فرمان برند، پس نخستین کسی که از مردان بر من سلام کرد و از من اطاعت نمود روح علی بن ابی طالب بود. (الأمالی للمفید: ۱۱۳ ح ۶) حدیث ۳: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: همانا خداوند ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد آفریده و آن ها را در هوا جا داده است، پس هر کدام در آن جا با هم آشنا شدند در دنیا نیز به هم اُلّت گیرند، و هر کدام آن جا ناشناس شدند در دنیا نیز از یکدیگر جدا شوند. (بصائر الدرجات: ۱۰۸ ح ۷) حدیث ۴: مُفضّل بن عُمَر گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: پروردگار هستی آفرین، ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد خلق کرد، و عالی ترین و شریف ترین آن ها را، روح محمّد، و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان بعد از ایشان - که درود خدا بر ایشان باد - قرار داد، آن گاه ارواح آنان را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه نمود، و نور آنان همه چیز را فرا گرفت، پس خداوند (به آسمان ها و زمین و کوه ها فرمود: اینان دوستان و اولیا، و حجّت های من بر آفریدگانم می باشند و پیشوایان مخلوقات من هستند، پس کدام یک از شما می تواند بار این امانت را با سنگینی های آن به دوش کشیده و ادّعا کند که چنین مرتبه و مقامی از آن اوست نه از آن برگزیدگان من؟! پس همه ی آسمان ها و زمین و کوه ها از حمل آن سیر باز زدند. (معانی الأخبار: ۸۰ ح ۱)

امتحان خداوند از چهارده معصوم علیه السلام در عالم ارواح

و نیز بدان که اوّل کسانی که در هر سه مرحله از همه زودتر پاسخ مثبت دادند خود ما اهل بیت بودیم. (۱)

و قضیه از این قرار است که خداوند از ازل به علم و حکمت بی پایان خویش ما را برگزیده و انتخاب نموده بود و می دانست که در صورت امتحان، ما اوّل کسانی هستیم که اقرار به وحدانیت و یگانگی او می نماییم؛ فلذا از ابتدا ما را برای مقام نبوت و امامت برگزید و البته ما را هم در امتحانات شرکت داد تا بعد از امتحان بر همگان معلوم شود که انتخاب خداوند عظیم الشأن بجا و درست بوده است و کسی سخن به اعتراض نگشاید. (۲)

بعد از ما نیز انبیاء اولو العزم: حضرت نوح و ابراهیم، موسی و عیسی و سائر انبیا علیهم السلام به حسب درجاتشان، به توحید، نبوت و امامت ما اقرار نمودند. (۳)

امتحان خداوند از ابوبکر و عمر در عالم ارواح

و اما اوّل کسانی که کفر و بغض خویش را به دل آشکار نمودند، همان دو ملعونی هستند که اساس ظلم و جور را بر ما اهل بیت در دنیا بنا خواهند نمود و حقّ خلافت ظاهری ما بر مردم را غصب خواهند کرد و مادرمان حضرت زهرا علیها السلام را مظلومانه به شهادت

ص: ۳۴

-
- ۱- بحار الأنوار: ۹۰/۸۷ (از رساله‌ی نعمانی)؛ بحار الأنوار: ۲۵/۲۰ (از کتاب ریاض الجنان)؛ إقبال الأعمال: ۳/۱۲۶؛ الکافی: ۱/۴۴۱ ح ۶ و ۱۳۱ ح ۷؛ تفسیر العیاشی: ۲/۳۹ ح ۱۰۷؛ تأویل الآیات: ۲/۷۷۳ ح ۴ (از کتاب معراج شیخ صدوق).
 - ۲- تفسیر الإمام العسکری علیه السلام: ۴۷۶؛ فضائل الشیعه: ۱۹.
 - ۳- بصائر الدرجات: ۹۰ ح ۱؛ شرح الأخبار: ۳/۷ ح ۹۲۴؛ شرح إحقاق الحقّ: ۹/۱۹۰ ح ۱۳.

خواهند رسانید و منشأ همه‌ی بدی‌ها و نابسامانی‌ها در دنیا خواهند بود و بعد از آن دو ملعون، پیروان سرسخت ایشان هستند که منکر ولایت ما گردیده اند. (۱)

--

توضیح حضرت را که شنیدم گل از چهره ام شکفت و بسیار مسرور شدم و خدا را شکر نمودم که مرا در این امتحانات سربلند نموده است.

به زبان و قلب از محبوب دلم، هستی ام، عشقم، جانم، امام زمانم سپاسگزاری نمودم و گفتم:

آقای من!

ای معدن علم و دانش!

ای خزینه دار حقایق!

ای آگاه از اسرار و غیوب!

پس از این قرار است چه اتفاقاتی بیافتد؟

من نسبت به آینده بیمناک هستم.

مولای من!

به خودت قسم نگرانم!

رهایم نکن

همیشه در کنارم باش

ص: ۳۵

۱- المحاسن: ۱/۱۳۵ ح ۱۷؛ کمال الدین: ۲۶۷؛ تأویل الآیات: ۲/۸۱۴ ح ۴ (از کتاب ابن ماهیار)؛ إثبات الهداه: ۲/۲۴۸ ح ۸۵۹ (از کتاب علل الأشیاء)؛ صحیفه الأبرار: ۲/۳۶۸ (از کتاب خصیبه).

تنهائیم مگذار

یاری ام کن و با من بمان.

قول می دهم هرچه بگوئید گوش کرده و بدان چه امر کنید

عمل نمایم.

و از تو و مهربانی هایت

از تو و عنایات

از تو و غمخواری هایت

از تو و توجهات

از تو و محبت هایت

از تو و خوبی هایت غافل نشوم.

نرگس لب های با طراوتش شکفت و با لحنی نرم و دل نشین فرمود:

آرام باش، می گویم.

عالم ذر:

توضیحی از امام عصر در مورد عالم ذر و امتحانات آن

بدان که مدّت دو هزار سال به همین صورت (یعنی روح) خواهی بود و پس از این عالم و گذشتن از امتحانات آن، ارواح شما به اجسام ریزی به نام ذره که از صلب اولین انسان به نام آدم علیه السلام بیرون می آیند، رفته و در عالمی به نام عالم ذر برای مدّت کوتاهی خواهید بود.

و در این مدّت کوتاه همچون عالم ارواح بر سه چیز از شما امتحان گرفته خواهد شد:

«توحید، نبوت و امامت».

و باز عده ای تنها به زبان مُقرّ خواهند بود و عده ای دیگر، هم به زبان و هم به قلب. (۱)

و البتّه توفیق کسانی که در این عالم (عالم ارواح) سربلند بوده اند و بر دیگران در جواب و قبولِ توحید، نبوّت و امامت پیشی گرفته اند، بیشتر است.

و البتّه کسانی که موفّق به قبولِ قلبی در این عالم نشده اند و یا با تأخیر پذیرفته اند در عالم ذرّ برای جبران گذشته و کوتاهی خود فرصت دارند، همچنان که توفیق یافتگانِ قلبی در این عالم نیز نباید کار را تمام شده ببینند؛ چرا که عالم ذرّ نیز مرحله‌ی مهمّی است و امکان لغزیدن وجود دارد.

ص: ۳۷

۱- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند ذرّیه‌ی آدم را تا روز قیامت از صلب او خارج نمود، پس به صورت ذرّات ریزی خارج شدند و خداوند خود را به آن‌ها معرّفی نمود، و اگر این معرّفی نمی بود هیچ کس خدایش را نمی شناخت! سپس فرمود: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: چرا، گفت: پس این محمّد صلی الله علیه و آله و سلم نیز بنده و رسول من، و علی - که امیر بر مؤمنین است - خلیفه و امین من می باشد. (بصائر الدرجات: ۹۱ ح ۸) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: من عهد گیرنده از ارواح در گذشته‌ی دور می باشم، من فریاد: «آیا من پروردگار شما نیستم» را از جانب خدای پایدار ازلی سیر دادم، من کلمه‌ی سخن گوی خدا در میان خلقش می باشم، من عهد گیرنده از همه‌ی مخلوقات می باشم. (مشارق أنوار الیقین: ۲۶۰) حدیث ۳: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند متعال در حالی از شیعیان ما پیمان بر ولایت گرفت، که مانند ذرّات بسیار ریزی بودند، همان روزی که از ذرّه‌ها پیمان گرفت، و نیز به ربوبیت خود و نبوّت محمّد صلی الله علیه و آله و سلم اقرار گرفت. (الکافی: ۱/۴۳۶ ح ۱)

در هر حال هر کسی باید تا آخرین مرحله‌ی امتحان نا‌امید نباشد و برای ارتقاء و قرب و رسیدن به کمال بیشتر تلاش کند.

--

پرنده‌ی آرامش بر آشیانه‌ی قلبم نشست و کوه اضطراب و نگرانی به کاهی تبدیل شد و سفیر درونم بر انگیزته شد برای سؤالات بیشتر و باز پرسیدم که:

مولا جان!

آیا در آن عالم نیز همچون این عالم، شما حضور دارید و مرا یاری می‌کنید؟

آیا همچون اینجا سربلند خواهم بود و به درجات بالاتری خواهم رسید و بنده‌ی مقرب پروردگار خواهم شد؟

آری!

در آنجا نیز همه‌ی ما اهل بیت حضور داریم و دوستانمان را یاری می‌کنیم، و به دادشان می‌رسیم، بلکه به اذن الهی عهد گیرنده و همه‌کاره، خودمان هستیم. (۱)

و تو یکی از محبین ما هستی که در عصر امامت من به دنیا خواهی آمد و من امام زمان تو هستم و امر هدایت تو و سائر امور دیگر مربوط به تو همگی به من واگذار گردیده است. (۲)

ص: ۳۸

۱- تفضیل الأئمه: ۱۷۹ ح ۱۲ و ۲۵۹ ح ۱۱۳؛ مشارق أنوار الیقین: ۳۰۹.

۲- حدیث ۱: در یکی از زیارات می‌خوانیم: خداوند شما اهل بیت را سرپرست و مدیر بر خلائق قرار داد و امور آن‌ها را به شما واگذار نمود. (المزار للمشهدی: ۲۴۸) حدیث ۲: امام سجّاد علیه السلام فرمودند: سپاس خدائی را که ما را بر سائر خلق به سلطنت و ولایت بر آنان برتری داد، پس همه‌ی مخلوقات به قدرت الهی تحت فرمان و اراده‌ی ما هستند و به عزّت او به سوی طاعت ما روی می‌نهند. (الصحیفه السجّادیه: ۲۶)

من ملجأ و پناه

مایه‌ی امید و آرامش

روشن کننده و گرما بخشِ زندگی

تو و دوستان تو هستیم.

چه در عالم دَرّ که در پیش است و چه در عالم بعد از آن که «دنیا» است، و إن شاء الله سربلند خواهی بود، البتّه خودت نیز باید تلاش بیشتری کنی و قدم هایت را محکم تر برداری و توجه و توسّلت را به ما بیشتر نمائی.

--

شکوفه های بهاری سخنان حضرت یکی پس از دیگری در گل زار روحم می شکفتند و من لحظه به لحظه مسرورتر می شدم. خدا را شکر که مولایی چنین رئوف و دلسوز به من عطا فرمود.

آقا جان!

باز هم از شما تشکر می کنم و قول می دهم تلاشم را، توسّلم را، توجّهم را و روحیه‌ی اطاعتم را به شما امام عزیز تر از جان بیشتر و بیشتر نمایم.

مولا جان!

سؤال دیگری؛ و آن این که آیا از شما نیز امتحان گرفته می شود؟

ص: ۳۹

آری!

همان طور که قبلاً نیز اشاره کردم گرچه خداوند به علم بی پایان خویش عمل کرده و ما را از ابتدای خلقت، امام و حجّت خود بر خلق قرار داده است و می داند که ما در امتحانات سربلند بیرون می آییم، ولیکن ما را نیز همچون دیگران در امتحانات شرکت داده و مورد آزمایش قرار می دهد تا حجّتی بر دیگران در افضلیت ما بر آن ها و مقام رفیع ما نزد خداوند باقی نماند.

(۱)

ما اوّل کسانی هستیم که { قَالُوا بَلَىٰ } (۲) را به دل و زبان جاری نموده و می نمایند؛ یعنی هم در این عالم (عالم ارواح) و هم در عالم ذرّ که در پیش است. (۳)

باز بودن دائمی مسیر هدایت

سرورم!

سؤال دیگری که مرا به خود مشغول نموده این است که:

ارواحی که در اینجا اقرار قلبی به توحید یا نبوّت و یا ولایت نموده اند، آیا در عالم بعدی راه بر ایشان بسته است، و دیگر موفّق به جبران گذشته‌ی خویش و اقرار به ولایت شما نمی شوند؟

ص: ۴۰

۱- تفسیر الإمام العسکری علیه السلام: ۴۷۶؛ فضائل الشیعه: ۱۹.

۲- الأعراف، الآیه ۱۷۲.

۳- بحار الأنوار: ۹۰/۸۷ (از رساله‌ی نعمانی)؛ بحار الأنوار: ۲۵/۲۰ (از کتاب ریاض الجنان)؛ إقبال الأعمال: ۳/۱۲۶؛ الکافی:

۱/۴۴۱ ح ۶ و ۱۳۱ ح ۷؛ تفسیر العیاشی: ۲/۳۹ ح ۱۰۷؛ تأویل الآیات: ۲/۷۷۳ ح ۴ (از کتاب معراج شیخ صدوق).

نه چنین نیست، راه و مسیر هدایت نه تنها در عالم ذر بلکه در عالم دنیا نیز تا فرا رسیدن مرگ، باز است و هرکس می تواند گذشته‌ی خویش را جبران نموده و به اختیار خویش راه هدایت را برگزیند، ولی معمولاً کسانی که در این عالم و عالم بعد هدایت نگشته و اقرار قلبی نمی نمایند و کفرشان ثابت است، در دنیا نیز موفق به پذیرش حق و ولایت ما نمی گردند.

آری!

ایمان و کفر عاریه ای

ایمان و کفر یا ثابتند یا عاریه ای. (۱)

چه بسا افرادی که در ظاهر به نظر می رسد که دارای ایمان ثابت هستند ولیکن ایمانشان عاریه ای است و به زودی آن را با مرتکب شدن گناهانی چند، و دوری از ما اهل بیت و عدم پذیرش کلام ما، از دست داده و گمراه می گردند، همچون شخصی به نام زُبیر که در دنیا بر همگان معلوم خواهد شد که ایمانش عاریه ای بوده و از او سلب می گردد.

دنیا محل روشن شدن این واقعیت است و چون هیچ کس نمی داند که ایمان یا کفرش ثابت است یا عاریه ای، فلذا همگان باید به ما توسل نموده و مراقب اعمال خویش باشند.

حب و بغض عاریه ای

حب و بغض و ولایت ما اهل بیت نیز همچون ایمان و کفر، یا ثابتند و یا عاریه ای، (۲) اگر ثابت باشد، که هیچ چیز آن را تکان نداده و

ص: ۴۱

۱- قرب الإسناد: ۳۴۷ ح ۱۲۵۵ و ۳۸۲ ح ۱۳۴۵، الکافی: ۲/۴۱۸ ح ۴.

۲- تحف العقول: ۱۷۴؛ تهذیب الأحکام: ۳/۱۴۷.

و اگر چنانچه عاریه ای باشد، ارتکاب گناهان، بدون توبه، باعث از بین رفتن آن شده و در نهایت ولایت را از او سلب می نماید. (۲)

و البته چون هیچکس نمی داند حبّ و بغضش از چه نوع است باید تمام تلاش خویش را برای انجام کارهای خوب نموده و از انجام

ص: ۴۲

۱- حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی! همانا محبت به تو حسنه ای است که هیچ گناهی به آن صدمه نمی زند و دشمنی به تو گناهی است که هیچ عملی در کنار آن نافع نیست. (بشاره المصطفی: ۱۵۳ ح ۱۱۱)

۲- حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچ بنده ای نیست جز آن که چهل پرده بر او کشیده شده است تا آن که چهل گناه کبیره انجام دهد، و هرگاه چهل گناه کبیره انجام دهد همه ی پرده ها از او برداشته شوند و خدا به آنان (یعنی فرشته ها) وحی کند که با بال های خود بنده ی مرا بپوشانید (و آبروی او را حفظ کنید) پس فرشته ها با بال های خود از او پرده پوشی کنند، سپس حضرت فرمودند: تا آن که آن بنده هیچ کار زشتی را وانهد مگر در آن فرو رود و بدن آلوده گردد تا کارش بدان جا کشد که از مردم در برابر کار زشت مدح و ثنا جوید. پس فرشته ها گویند: پروردگارا! این بنده، هیچ چیز به جا نگذاشت و مرتکب همه ی بدی ها شد و ما از آن چه او می کند خجالت می کشیم و حیا می کنیم، پس خدای (به آن ها وحی کند که شما هم بال های خود را از روی کردار زشتش بردارید و چون چنین کند و کارش بدین جا کشد آغاز دشمنی با ما خاندان کند، در این جا است که پرده ی او در آسمان دریده شود و پرده ی او در زمین پاره گردد. پس فرشته ها می گویند: پروردگارا! این بنده ات پرده دریده و بی آبرو مانده است؟ خدای (به آن ها وحی کند: اگر من را به او نیازی بود، به شما فرمان نمی دادم که بال های خود را از او برگیرید. (الکافی: ۲/۲۷۹ ح ۹)

کارهای زشت دوری نماید و بر ایمان خویش گرچه ثابت هم باشد بیفزاید و درجه‌ی ایمان خویش را ارتقاء دهد.

پس دانستی که هیچ موجودی در این عالم از این دو حال خارج نیست:

یا مؤمن است یا کافر.

یا محب است یا مبغض.

هر که با ایمان است، محب ماست و هر که کافر است مبغض ماست.

حال اگر برای خود او یا دیگران روشن نیست، ولی حقیقت چنین است که هر مؤمنی محب است و هر کافری مبغض. (۱)

فلذا اگر شخصی تا آخر عمر بر کفر خود باقی باشد، نشانه‌ی آن است که جزء مبغضین ما اهل بیت می باشد. و اگر تا آخر عمر مؤمن به خدا و مؤحد بوده باشد، نشانه‌ی آن است که جزء محبین ما است.

و آن عده‌ای که به علت کمبود یا فقدان عقل یا عدم فراهم شدن زمینه‌ی هدایت و شرایط لازم برای تشخیص حق از باطل، از دنیا رفته و وضعیتشان نامعلوم است - و به آن‌ها مستضعف دینی گفته می شود - در روز قیامت در مرحله‌ای برای ایشان امتحانی به وجود

ص: ۴۳

۱- حدیث: امام باقر علیه السلام فرمودند: ای ابا وَرْد و ای جابر! هیچ مؤمنی را تفتیش و بررسی نمی کنید مگر این که در ذات و باطن او محبت امیر المؤمنین علیه السلام را می یابید و هیچ کافری را تفتیش و بررسی نمی کنید مگر آن که در ذات و باطن او بغض و دشمنی امیر المؤمنین علیه السلام را می یابید و دلیل بر این مطلب آن است که خداوند متعال در باره‌ی امیر المؤمنین علیه السلام چنین تقدیر کرده و آن را بر زبان پیامبرش جاری نموده است که هیچ مؤمنی تو را دشمن نمی دارد و هیچ کافری تو را دوست نمی دارد. (تفسیر فرات الکوفی: ۲۶۰ ح ۳۵۵)

می آید و در آنجا حق از باطل برایشان روشن شده و مورد آزمایش و امتحان واقع می شوند و محب و مبغض بودنشان بر خود و دیگران معلوم می شود؛ تا حجتی بر خداوند نداشته باشند و همگان بدانند که وضعیت ایشان چگونه است. (۱)

و اما نکته ای که در اینجا لازم است بدانی آن است که:

حکمت خدای متعال بر این تعلق گرفته است که با پانهادن به هر عالمی نسیان و فراموشی بر شما غلبه کند و چیزی از اتفاقات عالم قبل به یادتان نباشد، تا از تلاش دست برنداشته و نومییدی سراغتان نیاید؛ چرا که اگر کسی بداند سعید است یا شقی، دیگر تلاش لازم برای تعالی و رسیدن به کمال را نمی نماید.

عالم ارواح و ذر

نسیان و فراموشی

فلذا تو نیز پس از رفتن به عالم ذر همه چیز را فراموش نموده و چیزی از این امتحانات در خاطرت نمی ماند. (۲)

--

مولای من!

امیدوارم با سؤالاتم اذیتتان ننموده، باشم.

نه فرزندم چنین نیست.

بدان که علم و دانش خزینه هائی هستند که سؤال کلید آن هاست. (۳)

ص: ۴۴

۱- الکافی: ۳/۲۴۸ ح ۱ و ۶ و ۷.

۲- الکافی: ۶/۱۶ ح ۶ و ۷؛ و ۷/۳۷۸ ح ۱ و ۲.

۳- حدیث: امام صادق علیه السلام از پدرشان نقل نمودند که ایشان فرمودند: علم و دانش خزینه هائی است که کلیدهای آن سؤال پرسیدن است پس سؤال کنید خداوند شما را مورد رحمت خود قرار دهد و بدانید که در علم چهار نفر اجر و ثواب می برند: سؤال کننده، گوینده، مستمع و دوست داران این سه نفر. (الخصال: ۲۴۴ ح ۱۰۱)

--

آقا جان!

بفرمایید آیا غیر از انسان ها موجودات دیگری هم مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرند؟

آری!

همه‌ی خلائق اعم از ملائکه، اجنه، حیوانات، نباتات، جمادات و هر موجودی که آفریده و مخلوق پروردگار است مورد امتحان و آزمایش واقع شده و می شود.

--

مولاجان!

می شود بیشتر برایم توضیح دهید و مرا از اسرار خلقت آگاه نمایید؟

می گویم به شرط آنکه با دقت گوش کنی و این مطالب را برای غیر اهلش نقل نمایی؛ چرا که هر کس صلاحیت دانستن این علوم و معارف را ندارد و البته از اهلش که دوست داران ما هستند نیز کتمان نکن و آن را به ایشان برسان. (۱)

ص: ۴۵

۱- حدیث: امیر المؤمنین علیه السلام به کمیل فرمودند: ای کمیل! پخش نمودن سرّ آل محمد مورد قبول نیست و هر کسی آن را نمی پذیرد و بدان قائل نمی شود، پس جز کسی که بدان ایمان و یقین دارد شخص دیگری را مطلع نکن. (تحف العقول:

(۱۷۴)

چشم آقا جان! سمعاً و طاعةً.

امتحانات ملائکه:

ملائکه که تعدادشان از هر چیزی در عالم بیشتر است (۱) همگی مأموران و خادمان گوش به فرمان ما هستند (۲) و بی اذن و اراده‌ی

ص: ۴۶

۱- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند هیچ خلقی را بیشتر از ملائکه نیافریده است. (ثواب الأعمال: ۹۶)
حدیث ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: به خدا قسم در آسمان، هفتاد صنف از ملائکه هستند که اگر تمام اهل زمین جمع شده و بخواهند یک صنف از آن‌ها را شمارش نمایند نمی‌توانند، و همه‌ی این ملائکه به وسیله‌ی ولایت ما اهل بیت به خدای متعال تقرب می‌جویند. (بصائر الدرجات: ۸۷ ح ۴) حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: به خدائی که جانم در دست اوست ملائکه‌ی خدا در آسمان‌ها بیشتر از تعداد خاک زمین‌ها هستند، و در آسمان محلّ قدمی نیست مگر این که ملک‌ی تسیح و تقدیس پروردگار را می‌کند، و در زمین درخت و گل و لایبی نیست مگر این که در آن جا فرشته‌ای مأموریت دارد که هر روز گزارش خود را به خدا برساند با این که خداوند از او داناتر است، و تمام آن‌ها هر روز تقرب می‌جویند به سوی خدا به ولایت ما اهل بیت، و استغفار برای محبین ما می‌کنند و دشمنان ما را لعن می‌نمایند و از خدا درخواست می‌کنند که بر آن‌ها عذابی دردناک نازل کند. (بصائر الدرجات: ۸۸ ح ۹)

۲- حدیث ۱: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بدرستی که ملائکه‌ی الهی خادمان ما و خادمان دوستان ما هستند. (علل الشرائع: ۱/۵ ح ۱) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام عزرائیل را صدا نمودند، و او در جواب آن حضرت گفت: آماده‌ام ای امام! سپس ایشان فرمودند: آیا تو به حرف شنوی و اطاعت از ما امر نشده‌ای؟ گفت: بله امر شده‌ام. (الخراج والجرائح: ۱/۲۹۵ ح ۲)

ما قدم از قدم بر نداشته و کاری نمی کنند. (۱) و ما بر همه‌ی امور و احوالات ایشان احاطه داشته و آگاهیم. (۲)

اولین ملکی که به ولایت ما در این عالم (ارواح)، ایمان آورده و در عالم ذرّ نیز از همه سریع تر اقرار می نماید حجر الأسود است که خداوند پس از اتمام امتحانات در عالم ذرّ و اخذ میثاق از افراد، عهدها و پیمان ها را نزد وی به امانت می سپارد و او در دنیا به صورت سنگ سفیدی در گوشه ای از خانه‌ی خدا به دست ما نصب می شود.

و همگان مأمورند که وقتی به حجّ و زیارت خانه‌ی خدا رفتند در کنار حجر الأسود تجدید میثاق نمایند، البتّه حجر الأسود پس از مدّتی به علّت دست کشیدن افراد ناصالح و دشمنان ما اهل بیت سیاه گشته و تا اتمام غیبت من در دنیا سیاه خواهد ماند. (۳)

ص: ۴۷

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: من حجّت خدا بر اهل آسمان ها و زمین هستم، و هیچ ملکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد. (مشارق أنوار الیقین: ۳۴۳) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: قسم به آن خدائی که آسمان را بدون پایه و ستون بالا برده است، اگر ملکی از ملائکه، قصد جا بجائی - به اندازه‌ی نفّسی - از مکانی به مکان دیگر را داشته باشد هرگز بدون اذن من نمی تواند چنین کند، و این امر برای فرزندانم حسن و حسین و فرزندان از نسل او که نهمین ایشان قیام کننده آن ها است نیز می باشد. (بحار الأنوار: ۲۷/۳۶)

۲- الکافی: ۱/۴۴۱ ح ۷؛ کامل الزیارات: ۵۴۲؛ دلائل الإمامه: ۱۰۴ ح ۳۵؛ المناقب (کتاب عتیق): ۶۲؛ تأویل الآیات: ۲/۴۸۸ ح ۴ (از کتاب مصباح الأنوار شیخ طوسی).

۳- الکافی: ۴/۱۸۴ ح ۳؛ علل الشرائع: ۲/۴۲۹.

بعد از حجر الأسود که مقرب ترین ملک الهی است سایر ملائکه‌ی مقرب همچون عزرائیل، اسرافیل، میکائیل و جبرائیل، روحانیین، کزوبیین و سائر ملائکه، به خدا و رسول و ولّیش امیر المؤمنین و ما اهل بیت ایمان آورده و البتّه همگی بدون استثناء علاوه بر زبان به قلب نیز اقرار نموده و می نمایند، و به تعبیری همه جزء محبّین و موالیان ما اهل بیت هستند (۱). اگر چه بعضی ها مثل فطرس ابتدائاً از قبول ولایت سر باز زده و آن را نمی پذیرند، ولی در نهایت پس از گرفتاری و سوختن بال هایش و توسّل به جدم سید الشهداء آن را پذیرفته و نجات می یابد. (۲)

امتحانات اجنه:

اجنه نیز همچون انسان ها دو گروهند: مؤمن و کافر (محبّ و مبغض)، یعنی گرچه همگی مانند شما اقرار زبانی نمودند و می نمایند ولی عده ای در قلب آن را نپذیرفته و کافر، غیر مسلمان و سنی گردیدند. (۳)

و اوّل کسی که در میان اجنه از قبول توحید، نبوت و ولایت ما اهل بیت سر باز زد ابلیس لعین بود که شقاوت و عاقبت به شری برایش رقم خورد. (۴)

و نیز بدان که عده ای از اجنه خدمت گزار ما اهل بیت در دنیا هستند

ص: ۴۸

۱- بصائر الدرجات: ۲۲۰ ح ۳؛ علل الشرائع: ۲/۳۱۳.

۲- بصائر الدرجات: ۸۸ ح ۷؛ بحار الأنوار: ۲۵/۱۷ (از کتاب ریاض الجنان).

۳- تفسیر فرات الکوفی: ۵۰۹ ح ۶۶۶؛ الاختصاص: ۱۲۹.

۴- بحار الأنوار: ۲۵/۱۸ (از کتاب ریاض الجنان).

و ما را یاری می کنند (۱) و علومشان را از ما اخذ می نمایند (۲) و به دست ما مسلمان می گردند (۳) و عده ای دیگر نیز جزء مخالفین ما بوده و سرکشی کرده و بر علیه ما اقدام می نمایند و عده ای از ایشان به دست ما کشته می شوند (۴) و در عین حال همگی از چشمان شما مخفی بوده و آن ها را نمی بینید (۵) تا زمان ظهور من که مجسم خواهند شد و در کنار شما زندگی خواهند کرد. (۶)

امتحانات حیوانات:

حیوانات نیز به دو دسته تقسیم می شوند: مؤمن و کافر (محبّ و مبغض) (۷)

و همچون سایر موجودات در معرض امتحان هستند و آن ها نیز یا جزء محبّین ما هستند و ولایت ما را پذیرفته اند و یا سر باز زده و در زمره ی مخالفین ما می باشند (۸) و ما به زبان، خصوصیات و همه ی

ص: ۴۹

۱- بصائر الدرجات: ۱۱۶ ح ۲ و ۱۲۲ ح ۱۴؛ دلائل الإمامه: ۲۳۱ ح ۲۳؛ الخرائج والجرائح: ۱/۲۸۹ ح ۲۲.

۲- طوابع الأنوار: ۲۲۷.

۳- مشارق أنوار الیقین: ۴۲۴؛ مدینه المعاجز: ۲/۴۴۷.

۴- مشارق أنوار الیقین: ۴۲۴.

۵- بصائر الدرجات: ۱۱۵ ح ۱.

۶- صحیفه الأبرار: ۲/۳۶۴ (از کتاب خصیبه).

۷- مشارق أنوار الیقین: ۱۶۵؛ الکافی: ۶/۵۴۷ ح ۱۳؛ کامل الزیارات: ۵۳۷ ح ۱.

۸- علل الشرائع: ۲/۴۶۳ ح ۱۰؛ الهدایه الکبری: ۳۳۵؛ مناقب آل أبی طالب: ۲/۱۴۱ و ۱۴۲؛ إقبال الأعمال: ۲/۲۶۰؛ صحیفه الأبرار:

۲/۱۰۱ (از کتاب راحه الأرواح).

امور آنان علم و احاطه‌ی تام داریم. (۱)

آنان در زمان ظهور من همگی اهلی شده و در کنار هم بدون آن که به کسی ضرری برسانند زندگی می‌کنند (۲) و در قیامت نیز محشور می‌شوند و به بهشت یا جهنم می‌روند (۳)، البته نه به صورت حیوان بلکه روح آن‌ها داخل در جسم انسان‌های خبیث شده و به بهشت می‌روند و جسم آن‌ها همراه روح انسان‌های پلید وارد جهنم می‌شود.

در رابطه با این موضوع مطلب بسیار است ولی همین مقدار که دانستی تو را کافی است.

امتحانات آسمان‌ها و زمین‌ها:

خداوند ولایت و مودت ما اهل بیت را بر آسمان‌ها و زمین‌ها نیز عرضه نمود و آن‌ها نیز بر دو گروه تقسیم شدند: کافر و مؤمن (محبّ و مبغض) (۴).

و اولین کسی که اجابت نمود و بدان اقرار کرد آسمان هفتم بود که خداوند او را به عرش و کرسی مزین ساخت.

ص: ۵۰

-
- ۱- الکافی: ۱/۲۸۵ ح ۷؛ صحیفه الرضا علیه السلام: ۱۵۶ ح ۱۰۱؛ مشارق أنوار الیقین: ۲۵۶؛ مختصر البصائر: ۲۲۲؛ الثاقب فی المناقب: ۴۶۲ ح ۹؛ صحیفه الأبرار: ۱/۱۵۷ (از کتاب لوامع أنوار التمجید شیخ بُرسی).
 - ۲- الإمامه والتبصره: ۱۳۱ ح ۱۳۸؛ الاحتجاج: ۲/۱۱؛ مختصر بصائر الدرجات: ۲۰۱؛ المجموع الرائق: ۱/۴۵۴؛ إلزام الناصب: ۲/۱۸۱؛ صحیفه الأبرار: ۲/۳۶۴ (از کتاب خُصیبی).
 - ۳- سوره‌ی تکویر، آیه‌ی ۵: {وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ}.
 - ۴- معانی الأخبار: ۱۰۸؛ الاختصاص: ۱۲۹؛ مستطرفات السرائر: ۵۷۵.

سپس آسمان چهارم اقرار نمود، پس خداوند او را به بیت المعمور (که خانه ای همچون کعبه و در امتداد آن می باشد و ملائکه دور آن طواف می کنند) مزین نمود.

و بعد از آن، آسمان دنیا اقرار کرد و خداوند او را به ستارگان زینت نمود.

و بعد از آن زمین ها اقرار کردند که زمین مکه اولین آن ها بود که خداوند او را به خانه ای خودش مزین ساخت؛ سپس زمین شام اقرار نمود که به بیت المقدس زینت داده شد، و بعد از آن زمین مدینه اقرار کرد که به قبر رسول خدا مزین گردید، و بعد از آن نیز سرزمین نجف اقرار کرد که خداوند او را به قبر امیر المؤمنین مزین نمود، و بعد از آن نیز سایر زمین ها چنین کردند.

(۱)

و البته عده ای از زمین ها نیز ولایت ما را نپذیرفتند و بدین سبب برهوت، خشک و بی آب و علف و شوره زار گردیدند و یا آب های جاری در آن ها شور و تلخ گردید. (۲)

امتحانات اشجار، اثمار، آب ها، کوه ها و ...:

در اینجا نیز همین قدر بدان که هر درختی، هر میوه ای، هر آبی و هر کوهی که ولایت ما را در این عالم (ارواح) پذیرفته و در عالم بعد (ذرات) نیز بپذیرد، خداوند او را شیرین، گوارا، میوه دار و قابل استفاده

ص: ۵۱

۱- الغارات: ۲/۸۴۴؛ مائه منقبه: ۲۵ ح ۷؛ إقبال الأعمال: ۲/۲۶۰.

۲- مناقب آل ابی طالب: ۲/۱۴۲.

قرار می دهد و اگر نپذیرد تلخ و لم یزرع و بی استفاده خواهد شد. (۱)

--

مولا جان!

شما را به خدا باز هم ادامه بدهید و کویر تشنه‌ی جان مرا از باران علوم و معارف عالی‌هی خودتان سیراب نمایید.

کسب فضائل و نعمت‌ها؛ نقائص و رذائل

بدان که هر کس هر فضیلتی در دنیا دارد که باعث برتری او بر دیگران در آخرت می باشد، مانند:

عافیت کامل همراه توفیق الهی برای عبادت و خدمت

پدر و مادر خوب

شجاعت و قدرت

صبر و استقامت

کرم و سخاوت

علاقه‌ی قلبی به خوبی‌ها و دنباله روی از آن‌ها

تولّد در خانواده‌ی شیعه و مذهبی

برخورداری از فرزندان صالح و همسر ایده آل و صالحه

داشتن رفیق‌های خوب

و خلاصه هر نعمتی که مسیر آخرت را برای طّی نمودن آن هموار می سازد، همگی را به اختیار خود در این عالم (ارواح) و

عالم بعدی

ص: ۵۲

۱- الکافی: ۶/۳۸۹ ح ۳؛ علل الشرائع: ۲/۴۶۳ ح ۱۰؛ الاختصاص: ۲۴۹؛ بشاره المصطفی: ۲۶۴ ح ۷۵؛ الدعوات: ۱۴۹ ح ۳۹۵؛ إقبال الأعمال: ۲/۲۶۰.

(ذَرّ) به حسب کَمّیت و کیفیتِ اقرارش به توحید، نبوّت و ولایت کسب می کند.

البته این همه‌ی قضیه نیست و این اختیار در استفاده‌ی صحیح از آن چه که کسب نموده است در دنیا نیز برای وی تا آخر عمر ادامه دارد و چه بسا به جهاتی (همچون پیروی از شیطان و هوای نفس و دنباله روی آرزوهای دنیوی و محبت به دنیا و دوری از ما اهل بیت و عمل ننمودن به اوامر و دستورات ما) از آنچه که در این دو عالم (ارواح و ذرّ) کسب نموده استفاده نکرده و چه بسا در مسیر مخالف نیز استفاده نماید که در نتیجه سرمایه را از کف داده و عاقبت به شرّ می گردد.

و نیز هر کس هر نقصی در جهت سرعت بیشتر برای طیّ طریق آخرت و قرب به ما اهل بیت دارد همچون:

معلولیت جسمی

نداشتن پدر و مادر خوب

رفقای ناباب

به دنیا آمدن در خانواده و فامیل لاابالی و بی قید و بند

ضعف روحی

کم صبری

حسود بودن

خسیس بودن

و علاقه به انجام امور پست و نالایق، و ...

همگی ناشی از دیر جنیدن و کوتاهی در پذیرش به موقع ولایت

ص: ۵۳

ما اهل بیت است که البتّه با توجّه به وجود اختیار در دنیا و فرصت لازم و تلاش بیشتر و استعانت جستن از ما اهل بیت قابل جبران است.

وقت لازم برای جبران نقائص و کسب کمالات بیشتر

و چه بسا کسانی هستند که در دنیا جبران کامل گذشته‌ی خویش را نموده و از دیگرانی که در این عالم (ارواح) و عالم بعدی (ذَرّ) از او جلوتر بوده اند پیشی بگیرند مانند جناب حُرّ که داستانش در دنیا زبانزد همگان خواهد شد.

در نتیجه همه مأمور به تلاش هستند و باید در این مسیر نا اُمید نشده و با توسّل به ما اهل بیت راه کمال و قرب به خداوند را بیمایند.

بحثی دقیق پیرامون بلاها و ارتباط آن با عالم ارواح و ذرّ

و اما مسأله ای که در اینجا لازم است بدانی

آن است که بلاها به طور کلی بر چهار دسته تقسیم می شوند:

دسته‌ی اوّل: آن‌هایی که از هنگام تولّد در دنیا با شما هستند و شما قدرت جدا نمودن آن‌ها را از خود ندارید و اختیار و تلاش شما تأثیری در تغییر آن‌ها ندارد همچون معلولیت جسمی.

دسته‌ی دوّم: بلاهایی هستند که در طول عمر افراد بر آن‌ها نازل شده و گرفتار آن می شوند و قابل تغییر نیستند مثل نقص عضو.

دسته‌ی سوّم: بلاهایی هستند که گرچه از هنگام تولّد با شما همراهند ولی با اختیار و تلاش شما و توسّل به ما اهل بیت می توانید آن‌ها را تغییر داده و یا از شدّت آن‌ها بکاهید، مثل روحیه‌ی خساست و حسادت، ترسو بودن و مانند آن.

دسته‌ی چهارم: بلاهایی هستند که در طول عمر افراد، بدان‌ها نازل شده و گرفتار آن می‌شوند و قابل تغییرند و یا خودشان به مرور زمان رفع می‌شوند، مثل گرفتاری مالی یا خانوادگی و یا ابتلا به بعضی از امراض.

اما آن بلاهایی که از اختیار افراد خارجند و قابل تغییر نیستند (دسته‌ی اول و دوم) قطعاً به سبب کوتاهی در این عالم (ارواح) و عالم بعد (ذرّ) به وجود آمده‌اند.

ولی سایر بلاها (دسته‌ی سوم و چهارم) که به اختیار فرد قابل تغییر هستند ممکن است:

۱- به خاطر کوتاهی در این عالم و عالم بعد به سراغ افراد آمده باشند. (۱)

۲- به خاطر کوتاهی و معصیت افراد در دنیا بدان دچار گردیده باشند. (۲)

ص: ۵۵

۱- حدیث: امام معصوم علیه السلام فرمودند: بدرستی که خدای متعال هیچ پیامبری را از آدم تا خاتم مبعوث نکرده است مگر این که ولایت شما اهل بیت را به ایشان عرضه نموده است، پس هر پیامبری که به سرعت آن را پذیرفت سلامت مانده و از بلاها رهایی یافت و هر پیغمبری که توقف نموده و در پذیرش آن تعلل کرد به آن چه که آدم (بیرون شدن از بهشت) نوح (گرفتاری در کشتی)، ابراهیم (پرتاب شدن در آتش)؛ یوسف (گرفتاری در آتش)، ایوب (بلاهای مختلف) و داود (افتادن در خطا و اشتباه) دچار شدند گرفتار شد. (مناقب آل اَبی طالب: ۳/۲۸۱)

۲- حدیث ۱: مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: ای مفضل از گناهان پرهیز و شیعیان ما را نیز از آن بر حذر بدار، به خدا سوگند گناه به احدی نزدیک تر از شما نمی‌باشد. اگر ایذاء و آزاری از سلطان به یکی از شما رسید محققاً به خاطر گناه و معصیتی است که مرتکب شده، و اگر بیماری به یکی از شما عارض گردد حتماً به جهت گناهی است که انجام داده، چنانچه اگر رزق و روزی از او حبس شد صرفاً به خاطر گناهی است که از او صادر گردیده، و همچنین اگر هنگام مرگ امر جان دادن بر او سخت و مشکل گردد فقط به خاطر صدور گناه از او است ولی حاضرین می‌گویند: به واسطه‌ی فرا رسیدن مرگ متألم و بد حال گردیده. از فرمایشات امام علیه السلام حزن و اندوه مرا فرا گرفت و وقتی امام علیه السلام حال مرا دیدند فرمودند: ای مفضل! می‌دانی برای چه این چنین است؟ عرضه داشتم: فدایت شوم نمی‌دانم. حضرت فرمودند: به خدا سوگند شما به خاطر گناهان در آخرت عقوبت نخواهید شد بلکه ابتلائات و شدائد در دنیا که به آن‌ها گرفتار می‌شوید کفّاره‌ی گناهانتان می‌باشد. (علل الشرائع: ۱/۲۹۷ ح ۱) حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کار مؤمن عجیب است، هیچ تقدیری خدا بر او نکند جز این که به نفعش باشد خوشش آید یا بدش آید، اگر گرفتارش کند کفّاره‌ی گناهِش باشد، اگر عطایش بخشد و گرامیش دارد انعامی باشد که به وی داده. (تحف العقول: ۴۸) حدیث ۳: یونس بن یعقوب می‌گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمن گرامی تر از آن است که بر او چهل روز بگذرد و خدا او را از گناه پاک نکند هر چند به خراشی که به زمین افتد یا پاره شدن بند کفش یا به وارد شدن چیزی در چشم باشد و مانند این‌ها که گفته شد، و به این‌ها دوست ما از گناهِش پاک می‌شود یا این که غمگین می‌شود و سبب اندوهش را نمی‌داند. و اما تب همانا پدرم مرا حدیث کرد از پدرانش از رسول خدا که فرمودند: تب یک شب، کفّاره‌ی

یک سال گناه است. (الأمالی للطوسی: ۶۳۰ ح ۱۱) حدیث ۴: از عباس بن علی غلام حضرت ابی الحسن موسی علیه السلام نقل کرده اند که وی گفت: از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که فرمودند: هرگاه بندگان مرتکب گناهان شناخته نشده ای شوند حق تعالی آن ها را به بلاهای غیر شناخته شده ای مبتلا می کند. (علل الشرائع: ۲/۵۲۲ ح ۷) حدیث ۵: یونس می گوید که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: همانا مؤمن بزرگوارتر است نزد خدا از این که که چهل روز بر او بگذرد و او را به خاطر گناهانش گرفتار نکند، اگرچه به اندوهی که علت آن را نمی داند باشد. به خدا قسم یکی از شما پول های خود را می شمارد و می بیند کم است، پس غمگین می گردد سپس آن را دوباره شمرده و می بیند کامل است، و این نیست مگر به خاطر کفّاره‌ی بعضی از گناهانش. (کتاب التمحیص: ۳۱ ح ۷) حدیث ۶: ابان بن تغلب گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمن خواب هول ناک ببیند و گناهش بریزد، و تنش خواری کشد و گناهانش آمرزیده شود. (الأمالی للصدوق: ۵۸۹ ح ۱۲) حدیث ۷: مردی به خدمت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین علیه السلام من در شب از نماز محروم شده ام امیر المؤمنین علیه السلام به او فرمودند: تو مردی هستی که گناهانت تو را در بند ساخته. (التوحید: ۹۶ ح ۳) حدیث ۸: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچ کدام از شیعیان ما مرتکب حرامی که از آن نهی نموده ایم نمی شوند مگر این که به بلایی دچار می گردند که گناهانشان در آن پاک شود، و این بلا یا در مال است یا فرزند و یا در بدن تا این که خداوند را در حالی ملاقات کند که گناهی بر وی نباشد و چه بسا مقداری از گناهان باقی بمانند که در هنگام مرگ با سختی جان دادن پاک می شوند. (کتاب التمحیص: ۳۸ ح ۳۴) حدیث ۹: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بیماری گناهان را پاک می کند، لحظه هائی که آدمی درد می کشد گناه و معصیت ها را محو می سازد. (بحار الأنوار: ۶۴/۲۴۴ ح ۸۳)

۳- برای رسیدن به مقامات و کمالات معنوی و آخذ جایگاه خاصی در بهشت بدان‌ها مبتلا شده باشند. (۱)

۴- برای دل‌ن بستن به دنیا و جلوگیری از انحراف از مسیر حق بر افراد نازل شده باشند. (۲)

۵- به خاطر روشن شدن موقعیت و جایگاه عالی و یا دانی، نزد خود و یا دیگران باشد که بدون ابتلا به بلا و مصیبت قدر خود را نشناخته و دیگران نیز او را آن‌طور که هست نمی‌شناسند.

مثلاً فکر می‌کند جزء اصحاب من است و مدعی است که در هر شرایطی حاضر به نصرت من می‌باشد و حال این که چنین نیست و در ابتلا به یک بلا معلوم می‌شود که چکاره است و خود را باز می‌شناسد. (۳)

ص: ۵۸

۱- از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده که فرمودند: در بهشت منازلی است که بندگان با انجام اعمال به آن منازل نمی‌رسند و این منازل از بالا- به جایی وصل نبوده و ستونی از پایین ندارند. پرسیدند: ای رسول خدا! اهل این منازل کیانند؟ حضرت پاسخ دادند: اهل بلا و رنج‌ها و غم و غصه‌ها. (عده الداعی: ۲۴۰)

۲- جابر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند می‌فرماید: ای دنیا! به بنده‌ی مؤمن من انواع گرفتاری‌ها را برسان و زندگی را بر او تنگ بگیر، و زندگی را برای او شیرین نکن تا به تو دل بستگی پیدا کند. (کتاب التمیص: ۴۹ ح ۸۱)

۳- حدیث: مأمون رقی می‌گوید: خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم که سهل بن حسن خراسانی وارد شده سلام کرده و نشست و عرض کرد: ای پسر رسول خدا! چقدر شما رؤوف و مهربان هستید، شما امام بر ما می‌باشید؛ چرا دفاع از حق خود نمی‌کنید با این که بیش از صد هزار شیعه‌ی شمشیر زن دارید؟ آن حضرت فرمودند: ای خراسانی! بنشین، خداوند به تو رحم نموده و مراعات حال تو را بنماید. سپس به کنیزی بنام حنیفه فرمودند: تنور را روشن کن، تنور پس از مدتی افروخته شد به طوری که یک پارچه آتش گردید و قسمت بالای آن سفید شد. بعد رو به مرد خراسانی نموده و فرمودند: برو بنشین داخل تنور، مرد خراسانی شروع به التماس نموده و گفت: ای پسر رسول خدا! مرا به آتش مسوزان، از جرم من در گذر، خدا از تو بگذرد. حضرت فرمودند: تو را بخشیدم. در همین موقع هارون مکی وارد شد و در حالی که یک کفش خود را به انگشت گرفته بود عرض کرد: سلام بر تو ای پسر رسول خدا! امام فرمودند: کفش هایت را از دست بیانداز و برو داخل تنور بنشین، پس او کفش‌ها را انداخته و داخل تنور نشست. امام علیه السلام شروع کردند با مرد خراسانی صحبت کردن در مورد جریان‌های خراسان به طوری که گویا سابقاً در خراسان بوده‌اند، بعد فرمودند: ای خراسانی! برو بین در تنور چه خبر است! پس او به جانب تنور رفت و دید که او چهار زانو در تنور نشسته، پس از تنور خارج شده و به ما سلام کرد، امام علیه السلام به خراسانی فرمودند: از این‌ها در خراسان چند نفر پیدا می‌شود؟! عرض کرد: به خدا قسم یک نفر هم پیدا نمی‌شود، نه به خدا یک نفر پیدا نمی‌شود. حضرت فرمودند: ما تا زمانی که پنج نفر یاور نداشته باشیم قیام نخواهیم کرد، ما خودمان موقعیت مناسب را بهتر می‌دانیم. (مناقب آل ابی طالب: ۳/۳۶۲)

۱- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: در کتاب امیر المؤمنین علیه السلام آمده است: سخت ترین مردم از نظر بلا و گرفتاری انبیا و سپس اوصیا و بعد اشخاص شریف و بعد از آن افراد شریف تر از دیگران می باشند. و اساساً مؤمن به مقدار اعمال نیکی که انجام داده مبتلا می شود بنابراین کسی که دین و کردارش صحیح است ابتلاش شدید و سخت است؛ زیرا حقّ عزوجل دنیا را اجر و پاداش برای مؤمن و عقوبت برای کافر قرار نداده است و کسی که دینش سخیف و عملش ضعیف باشد ابتلاش کمتر است. (علل الشرائع: ۱/۴۴ ح ۱) حدیث ۲: سماعه بن مهران، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند: بلا و گرفتاری نسبت به مؤمن از ریزش باران به سطح زمین سریع تر می باشد. (علل الشرائع: ۱/۴۴ ح ۱) حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر اندازه ایمان بنده زیاد شود، تنگی معیشتش افزایش می یابد. (کتاب التمهیص: ۴۵ ح ۵۸)

هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند

در نتیجه نمی توان هر بلایی را ناشی از کوتاهی در عوالم گذشته دانست.

به هر حال هر بلایی از هر نوعی که باشد به خواست و اراده‌ی ما اهل بیت قابل تغییر است. (۱)

و بسیاری از بلاها قبل از این که به شما برسند و به آن‌ها گرفتار شوید به خاطر ما از شما دور می شوند. (۲)

ص: ۶۰

۱- حدیث ۱: امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: بدرستی که خداوند ما اهل بیت را بر آن چه بخواهیم توانا نموده است. (بصائر الدرجات: ۳۹۵ ح ۵) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: اهل بیت علیهم السلام جایگاه قدرت و مشیت خدای می باشند. (مشارق أنوار الیقین: ۱۷۹)

۲- حدیث ۱: امام زمان علیه السلام فرمودند: به خاطر من خداوند بلاها را از اهللم و شیعیانم دفع می کند. (کمال الدین: ۴۴۱ ح ۱۲) حدیث ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند می فرماید: آن‌ها (ائمه علیهم السلام) حقیقتاً اولیای من هستند، به خاطر ایشان هر فتنه‌ی کور ظلمانی را دفع می کنم و به خاطر ایشان زلزله‌ها را برطرف می سازم، و به خاطر ایشان گناهان و غلّ و غشّ‌ها را می زدایم. (الإمامه والتبصره: ۱۰۳ ح ۹۲) حدیث ۳: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: به خاطر شما (اهل بیت علیهم السلام) خداوند ذلّت و خواری را از ما دور نمود، و چرک‌های غم و اندوه را از صورت‌هایمان پاک کرد، و ما را از قرار گرفتن در پرتگاه‌های هلاکت و آتش عذاب نجات داد. (من لا یحضره الفقیه: ۲/۶۰۹)

وظیفه‌ی شما نیز در گرفتاری‌ها و بلاها این است که به ما توسّل نموده و به ما پناهنده شوید (۱) و از ما کمک و استعانت بجوید. (۲)

البته از دعا و تضرّع نیز غافل نشوید که در رفع بلاها بسیار نافع و سودمند است (۳). (۴)

--

مولای من!

کدام یک از مراحل سه‌گانه‌ی امتحان (ارواح، ذرّ و دنیا) سخت‌تر و دشوارتر است؟

ص: ۶۱

۱- حدیث ۱: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: من پناهنده و پناه برنده به قبرهای شما اهل بیت هستم و از خداوند به واسطه‌ی شما طلب شفاعت می‌نمایم. (من لا یحضره الفقیه: ۲/۶۰۹) حدیث ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: اهل بیت علیهم السلام محلّ امنی برای پناهنده شدن هستند، و هر کس به ایشان متمسک شود در امان خواهد بود. (الیقین: ۳۱۸) حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر حاجت مندی به ایشان پناهنده شود او را مورد مرحمت قرار می‌دهند. (مشکاه الأنوار: ۱۲۶)

۲- حدیث: امام رضا علیه السلام فرمودند: هر زمان مشکل، گرفتاری و مصیبتی ناگوار برای شما پیش آمد، از ما اهل بیت نزد خدای متعال یاری بجوئید، و این همان گفتار خدای متعال است که فرمود: «برای خدا اسم‌های نیکوئی است، پس او را به آن اسم‌ها بخوانید». (الاختصاص: ۲۵۲)

۳- کمی جلوتر پیرامون دعا بحث مفصّلی خواهد آمد.

۴- جز صبر از هجوم بلا نیست چاره‌ای غیر از رضا بسرّ قضا نیست چاره‌ای خواهی اگر نجات ز امواج حادثات جز التجاء به مهدی آل عبا نیست چاره‌ای

تقابل عالم ارواح و عالم ذر با دنیا، و سختی و دشواری دنیا نسبت به آن دو

دنيا و محبتش! (۱)

دنيا و آرزوهایش! (۲)

ص: ۶۲

۱- حدیث ۱: خداوند به موسی وحی فرمود: که حبّ دنیا را در قلبت جا مده، چون در نزد من گناهی بزرگ تر از حبّ دنیا نیست. (الجواهر السّیّة: ۷۵) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: مردم! از محبت دنیا حذر کنید که سر رشته‌ی هر گناه است، و درب هر گرفتاری، و افسار هر فتنه و باعث هر مصیبت است. (تحف العقول: ۲۱۵) حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: در مناجات میان خدای (و موسی؛ خدای متعال خطاب به موسی فرمودند: بدان که بذر هر فتنه ای حبّ دنیا است. (قصص الأنبياء للراوندي: ۱۶۵ ح ۱۸۴)

۲- حدیث ۱: ابو طفیل عامر بن وائله کنانی رحمه الله گوید: از امیر المؤمنین علیه السلام شنیدم که فرمودند: بیمناک ترین چیزی که از آن بر شما می ترسم آرزوی دراز و پیروی از خواسته‌ی دل است، امّا آرزوی دراز آخرت را به فراموشی می سپارد، و پیروی از خواسته‌ی دل، آدمی را از راه حق باز می دارد. آگاه باشید که دنیا پشت کرده و می رود، و آخرت رو کرده و می آید. و هر یک را فرزندانی خواهد بود، پس از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید، که امروز روز عمل است و حساب نیست، و فردا روز حساب است و عمل نیست. (الأمالی للمفید: ۳۴۵ ح ۱) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: شما در دوران مهلتی به سر می برید که به دنبالش مرگ است، همراهتان آرمان هائی است که سدّ راه اعمال است، این مهلت و فرصت را غنیمت شمیرید، بر مرگ سبقت بگیرید (تا مرگ نیامده کاری کنید)، آرزو را دروغ پندارید، از عمل توشه بگیرید، آیا راه نجاتی، گریزگاهی، راه فراری هست؟ گذرگاهی، سنگری، پناه گاهی می شناسید؟ به کجا می روید؟ (تحف العقول: ۲۰۲) حدیث ۳: امام صادق علیه السلام فرمودند: عیسی بن مریم به یک آبادی گذر کرد که اهل آن با هرچه پرنده و جاندار داشته یک جا مرده بودند، پس گفت: آگاه باشید! به راستی این ها نمرده اند جز به خشم و عذاب، و اگر به تدریج مرده بودند، یکدیگر را به خاک سپرده بودند، حواریون گفتند: ای روح الله و کلمه الله! به درگاه خدا دعا کن آن ها را برای ما زنده کند و به ما گزارش دهند که کردار آنان چه بوده است (که بدین کیفر رسیده اند) تا ما از آن دوری کنیم، عیسی آن را از پروردگار خود درخواست کرد و از بالا به او ندا شد که: آنان را فریاد کن، عیسی در شب بر یک تپه ای از زمین برآمد و گفت: ای مردم آبادی! یک تن از میان آن ها به او پاسخ گفت: پرستش طاغوت و دوستی دنیا به همراه ترس اندک (از خدا) و آرزوی دور و دراز و غفلت در سرگرمی و بازی ما را به این روز انداخته است. پس عیسی علیه السلام فرمود: دوستی شما با دنیا چگونه بود و چه اندازه دنیا طلب بودید؟ در پاسخ گفت: به اندازه‌ی دوستی کودک به مادرش، هرگاه به ما رو می آورد شاد و خرسند می شدیم و چون به ما پشت می کرد می گریستیم و غم ناک می شدیم. عیسی رو به

حواریون کرد و گفت: ای دوستان خدا! خوردن نان خشک با نمکِ زبر و خواییدن بر زباله دان ها با تأمین عافیت دنیا و آخرت خیر بسیاری است. (الکافی: ۲/۳۱۸ ح ۱۱)

و آن بدین علّت است که در دنیا علاوه بر نفس اماره - که در این عالم (ارواح) و عالم بعدی (ذَرّ) همراه شماست و شما را به تصمیم های غلط و خواسته های نامشروع دعوت می کند - ابلیس و شیاطین نیز هستند و شما را اغوا نموده و از پیمودن مسیر حق باز می دارند، و دنیا و آرزوهای آن را که کوچک و بی اهمّیت اند برای شما بزرگ و با اهمّیت جلوه می دهند، و از انجام امور عبادی و توجّه به ما اهل بیت باز می دارند.

ص: ۶۳

آقای من!

سخت ترین دوران در دنیا چه زمانی است؟

سخت ترین دوران در دنیا دوران طولانی غیبت من است که تا ظهور من ادامه می یابد (۱) و هر چه به انتهای آن - که به آن آخر الزمان گفته می شود - نزدیک تر شوید تحیر و سرگردانی و شک و شبهه بیشتر می شود.

و مشکل ترین کار در این دوران، نگه داشتن دین است که از نگه داشتن آتش در کف دست و کشیدن دست بر روی خارها سخت تر است. (۲)

ص: ۶۴

۱- حدیث: امام سجّاد علیه السلام فرمودند: بدرستی که برای قیام کننده‌ی از ما دو غیبت است که یکی از آن دو، طولانی تر از دیگری است. (کمال الدین: ۳۲۳ ح ۸)

۲- حدیث ۱: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در یکی از روزها در جمع اصحاب خویش نشستند پس دو مرتبه فرمودند: خدایا! برادران مرا به من نشان بده، پس بعضی از اصحاب (منظور: ابوبکر و عمر و...) گفتند: مگر ما برادران شما نیستیم؟! حضرت فرمودند: خیر، شما اصحاب من هستید و برادران من قومی هستند از مردم آخر الزمان که به من ایمان آورده و حال این که مرا ندیده اند، و خداوند ایشان را با نام و نشان خود و پدرانشان قبل از این که از صلب پدران و رحم مادرانشان خارج شوند به من شناسانیده است. هر آینه یکی از ایشان در دینش استوارتر و پایدارتر است از کسی که دست خود را در شب تاریک بر روی خارهای تنیده روی شاخه ای بکشد و یا پاره ای از آتش را در کف دست خویش نگاه دارد، آن ها چراغ های روشنائی دهنده در تاریکی هستند و خداوند آن ها را از هر فتنه‌ی تاریک غبار آلود رهایی می بخشد. (بصائر الدرجات: ۱۰۴ ح ۴) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: بدرستی که برای صاحب این امر غیبتی است که پایداری و مقاومت در دین از کشیدن دست، در شب تاریک بر روی خارهای تنیده بر روی شاخه ای سخت تر است، سپس فرمودند: همانا برای صاحب این امر غیبتی است، پس عبد و بنده‌ی خدا کسی است که تقوای الهی پیشه کرده و بر دین خود استوار باشد. (الإمامه والتبصره: ۱۲۶ ح ۱۲۷) حدیث ۳: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: به زودی بعد از شما قومی خواهند آمد که اجر عمل آن ها برابر با اجر و پاداش پنجاه نفر از شما خواهد بود، اصحاب گفتند: ای رسول خدا! ما با تو در جنگ بدر، اُحد و حُنین همراه بودیم و قرآن در میان ما نازل گردید پس چگونه چنین چیزی ممکن است؟! حضرت فرمودند: همانا اگر آن چه بر سر ایشان خواهد آمد، بر سر شما نیز می آمد آن گاه می دانستید که هرگز تحمل آن را نداشته و مانند آنان صبر نمی نمودید. (الخراج و الجرائح: ۳/۱۱۴۹ ح ۵۷)

آن دوران، دوران وانفساست و شرور، فتنه ها و بدعت ها در آن دوران غوغا می کنند. (۱)

مدعیان امامت، نبوت، بلکه خدایی نیز بسیار زیاد می شوند!!!

بدعت ها، ظلم و جورها، دنیا زدگی ها، فسق و فجور، فحشا و زنا، کذب و ریا و مواردی از این قبیل به حدّ نهایی خود می رسند (۲) تا زمانی که خداوند به من اذن داده و ظاهر شوم، در آن هنگام است که بساط ظلم و جور به دست من برچیده شده و سایه ی عدل و داد

ص: ۶۵

-
- ۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: زمانی بر مردم می آید که قلب مؤمن در دلش آب می شود همان طور که سُرَب در آتش آب می شود، و نیست سبب آن مگر این که فتنه ها و بدعت هائی را که در دین آن ها ظاهر گشته مشاهده می کند و توانائی تغییر و بر طرف ساختن آن ها را ندارد. (الأمالی الطوسی: ۵۱۸ ح ۴۳)
 - ۲- الإمامه والتبصره: ۱۲۹ ح ۱۳۲؛ کمال الدین: ۳۳۰ ح ۱۶؛ الغیبه للنعمانی: ۲۷۸ ح ۴۳.

معنای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

مولا جان!

فداک اُبی و اُمی!

معنای غیبت شما چیست؟

آیا دیگر میان ما حضور ندارید و ارتباط میان ما و شما قطع می گردد؟

نه چنین نیست.

معنای غیبت این نیست که من در مکانی دور زندگی کرده و مخفی می گردم؛ و یا اینکه از میان مردم به جای دیگری سفر می کنم تا کسی به من دسترسی نداشته باشد، بلکه در میان شما و همراهران می باشم، (۲) در بازارهایتان رفت و آمد کرده و بر فرش هایتان می نشینم، و شما مرا می بینید و صدایم را می شنوید؛ ولی مرا نمی شناسید. (۳)

ص: ۶۶

۱- حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: بدانید به خدا سوگند که موج عدالت و دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما به خانه نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت. (الغیبه للنعمانی: ۲۹۶ ح ۱)

۲- حدیث ۱: در دعای ندبه می خوانیم: جانم به فدایت که با وجود این که غایب هستی، همراه ما و در میان مائی. (المزار للمشهدی: ۵۸۱) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: زمانی که یکی از ما از دیده ها پنهان شده و غایب شود در واقع، فقط از دیده ها پنهان است؛ زیرا غایب و حاضر ما یکی است. (مشارق أنوار الیقین: ۲۵۵)

۳- حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: چرا این امت منکر هستند که خدای (با حجت خود همان کند که با یوسف کرد، امام غایب، میان مردم گردش می کند و در بازارهای آن ها راه می رود و پا روی فرش آن ها می نهد و آن ها او را نمی شناسند! تا آن که خدای (به او اجازه دهد که خود را به آن ها معرفی نماید همچنان که به یوسف اجازه داد. (کمال الدین:

۱۴۴ ح ۱۱)

و اینکه در دعای ندبه خواهید خواند: «مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ»، یعنی: «کی باشد که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم» منظور این نیست که در زمان غیبت، من شما را نمی بینم و شما نیز مرا نمی بینید؛ بلکه مراد، دیدن همراه شناخت است که من شما را ببینم و شما مرا؛ بدین معنا که شما می خواهید که مرا در حالی ببینید که می شناسید و اگر نه من همه‌ی شما را می بینم و بهتر از خودتان، شما را می شناسم. (۱)

پس آنچه عدّه‌ای گمان خواهند نمود - که چون من از چشم‌های ایشان مخفی هستم و آنان از من بی‌خبرند، در مقابل، من نیز از چشم آنان مخفی بوده و از حال ایشان بی‌خبر هستم - خیال باطلی بیش نیست و واقعیتی ندارد.

ص: ۶۷

۱- حدیث ۱: امام رضا علیه السلام همیشه جهت دعا برای امام زمان علیه السلام چنین دستور می‌دادند: خدایا! شرّ مخلوقات را از ولّیت، و چشم بینایت که به اذن تو می‌بیند، و شاهد تو بر بندگانت است دور نما. (مصباح‌المتهیّد: ۴۰۹ ح ۱۴۵)

حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: امام بر همه‌ی غیب‌ها مطلع است، و آسمان‌ها و زمین نزد او همچون کف دستی می‌باشد که ظاهر آن را از باطن، و نیک آن را از ید، و تر آن را از خشک باز می‌شناسد. (مشارق‌أنوار‌الیقین: ۱۷۴)

حدیث ۳: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: امام، زمین و مخلوقاتی که بر روی آن هستند را می‌بیند، و چیزی از اعمال آن‌ها بر او مخفی نیست. (الهدایه‌الکبری: ۱۷۰) حدیث ۴: امام کاظم علیه السلام فرمودند: بدرستی که جایگاه امام در زمین همانند جایگاه ماه در آسمان است، پس امام همچون ماه در محلّ خود بر آن چه که بر روی زمین قرار دارد احاطه داشته و از آن آگاه است. (بصائر‌الدرجات: ۴۶۳ ح ۸)

و البتّه منشأ این گمان، عواملی همچون قیاس به خویشتن، و اطلاعات غلط و مسموم معاندین و کج فهمان از خدا بی خبر و مدّعیان علم و دانش است که چنین إلقا خواهند نمود که من نیز بشری هستم مانند آنان، پس همان طور که آنان از من بی خبرند من نیز از ایشان بی خبرم!

و چون آنان نادان و جاهل هستند من نیز جاهل و بی اطلاع هستم!

و چون آنان تنها به فکر خویش هستند من نیز تنها به فکر خویش هستم!

و سایر چیزهایی که پس از قیاس و یا با استشهاد به آیه‌ی: {قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ} (۱) آن را از من که امام و پیشوای آنان هستم نفی می کنند و یا حدّ اقل در مورد من بعید می شمارند!

و حال این که قیاس به خویشتن، مانع رسیدن به حقیقت و عامل فرو رفتن در باتلاق جهل و نادانی است، (۲) و نباید مرا با احدی قیاس نموده و با کسی سنجید. (۳)

و نیز دقت نما که از قید «يُوحَى إِلَيَّ» در آیه‌ی شریفه‌ی: {قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ} (۴) فراموش ننمائی، که همه‌ی تفاوت در همان

ص: ۶۸

۱- سوره‌ی کهف: آیه: ۱۱۰.

۲- حدیث: امام سجّاد علیه السلام فرمودند: هر کس از روی قیاس و رأی خود عمل کند هلاک می شود. (کمال الدین: ۳۲۴ ح ۹)

۳- حدیث: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ما اهل بیتی هستیم که به هیچ کس قیاس نمی شویم، و کسی نیز با ما قابل قیاس نیست. (الدرّ النظیم: ۷۷۰)

۴- سوره‌ی کهف: آیه: ۱۱۰.

قید است (۱) و معلوم است که وحی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است که نمی شود به سادگی از کنار آن گذشت آن هم وحی به جَدّمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با آن خصوصیات!

در نتیجه من با اینکه از دیده ها غایبم ولی بر دیده ها ناظرم

در نتیجه من با اینکه از دیده ها غایبم ولی بر دیده ها ناظرم. (۲)

--

سیدی و مولای!

آیا من نیز آن زمان را درک می کنم؟

آری تو جزء مردم آخر الزمانی.

وظیفه ی ما در دوران غیبت

سرورم!

با این اوصاف و اوضاع بی دینی و کثرت بلاها در آن زمان وظیفه ی من چیست و باید چه کنم؟

ص: ۶۹

۱- حدیث: امام حسن عسکری علیه السلام در مورد این آیه: «بگو همانا من انسانی همانند شما هستم» فرمودند: یعنی برای آن ها بگو: من از لحاظ شکل و شمایل و هیکل بشری مانند شما می باشم ولی خداوند مرا به نبوت مخصوص نموده است. (الاحتجاج: ۱/۲۹)

۲- غیبت نکرده ای که شوم طالب حضور پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را تو در میان جمعی و من در تفکر م کاندرا کجا بر آیم و پیدا کنم تو را

از جمله وظایف تو در آن زمان زیاد خواندن دعای:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ نَفْسِيكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي». (۱)

یعنی: خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر چنین نکنی پیامبر تو را نیز نخواهم شناخت، خدایا! پیامبر خود را به من بشناسان که اگر چنین نکنی حجت تو را نیز نخواهم شناخت، خدایا! حجت خود را به من بشناسان که اگر چنین نکنی از دینم گمراه می شوم.

و دعای:

«يَا اللَّهُ! يَا رَحْمَانُ! يَا رَحِيمُ! يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ! بَثِّ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». (۲)

و یادگیری فضائل و مناقب من و ذکر و نشر آن ها برای دیگران.

و مداومت بر دعا برای سلامتی و ظهورم.

و شناخت صفات و ویژگی ها و خصوصیاتم.

و شناخت علائم ظهور و قیامم.

و رعایت ادب و برخاستن هنگام شنیدن لقب مخصوصم «قائم».

و محبوب نمودن نزد مردم، و مشتاق نمودن ایشان به ملاقات با من.

و صبر نمودن و سفارش به صبر در زمان غیبتم.

و هدیه نمودن ثواب اعمال خیر برای من.

و اقامه‌ی مجالس ذکر فضائل و مناقب و شرکت کردن در آن ها.

ص: ۷۰

۱- کمال الدین: ۳۴۲ ح ۲۴.

۲- کمال الدین: ۳۵۱ ح ۴۹.

و صدقه دادن جهت سلامتیم.

و استغاثه و کمک خواستن از من در همه‌ی اُمور.

و تکذیب مدعیان ارتباط با من در زمان غیبت کبری.

و پرورش روح اُمید و انتظار در خود و دیگران.

و محزون و گریان بودن در فراقم.

و انجام اعمال مستحبی به نیابت از من.

و رفتن به مکان های مُنتَسَب به من مانند مسجد سهله و جمکران.

و ... (۱)

مقام و منزلت منتظران و ثابت قدمان در زمان غیبت

مولای من!

مقام و منزلت منتظران و ثابت قدمان در غیبت شما چگونه است؟

مقام ایشان بسیار مقام شامخ و عالی است و همگان غبطه بر این مقام و منزلت می خورند.

به روایاتی که از رسول خدا و اجداد طاهرینم - که در دنیا نیز برایتان خواهند گفت - نقل می کنم خوب توجه کن تا مقام مؤمنین و شیعیان واقعی ما را در دوره‌ی آخر الزمان بدانی.

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم خواهند فرمود:

کسانی که در زمان غیبت او عجل الله تعالی فرجه در اعتقاد به وجود او ثابت قدم بمانند، از طلای سرخ کمیاب تر هستند. (۲)

ص: ۷۱

۱- مکیال المکارم: ۱/۲۹۱ و ۴۰۲ و ۲/۹۵.

۲- کمال الدین: ۲۸۷ ح ۷.

۲- امام زین العابدین علیه السلام خواهند فرمود:

همانا مردمان زمان غیبت او عجل الله تعالی فرجه که به امامتش معتقد بوده و منتظر ظهور او می باشند، بهترین مردمان خواهند بود؛ زیرا خداوند به اندازه ای به آنان عقل و فهم عطا می نماید که غیبت در نظر آنان به منزله‌ی مشاهده است، و مردم آن زمان مانند کسانی که در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جهاد پرداخته باشند محسوب خواهند شد، آن‌ها حقیقتاً بندگان خالص و شیعیان راستگو هستند و مردم را در نهان و آشکار به دین خداوند دعوت می کنند. (۱)

۳- امام صادق علیه السلام خواهند فرمود:

هر آنکه انتظار دوازدهمین آنان (اهل بیت علیهم السلام) را بکشد هم چون کسی می باشد که پیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر کشیده و از آن حضرت دفاع کرده است. (۲)

۴- امام صادق علیه السلام خواهند فرمود:

خوشا به حال شیعیان قائم ما، آن کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمان بردار اویند، آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آن‌هاست و نه اندوهگین می شوند. (۳)

--

مولا جان!

فرمودید یکی از وظایف مهم من در زمان غیبت دعا کردن است،

ص: ۷۲

۱- کمال الدین: ۳۲۰ ح ۲.

۲- کمال الدین: ۳۳۴.

۳- کمال الدین: ۳۵۷.

اکنون در مورد دعا بیشتر برایم بگویید.

دعا و خواص آن و ارتباط آن با امام عصر علیه السلام

دعا - که نوعی بندگی و ابراز نیاز، به خالق بی نیاز است - امری است بسیار مهم، و اسلحه‌ی مؤمن در دنیا می باشد. (۱)

و دعای خیری نیست که مستجاب نگردد؛ البتّه یا همان دعا مستجاب شده و همان حاجت برآورده می گردد، و یا اینکه به جای آن چیز دیگری در دنیا و آخرت به دعا کننده عطا می شود. (۲)

در اینجا تو و دوستانت را سفارش زیادی به دعا - که بهترین روش

ص: ۷۳

۱- حدیث ۱: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب خویش فرمودند: آیا مایلید به شما سلاحی را نشان دهم که شما را از دست دشمنان نجات داده و روزیتان را زیاد کند؟ اصحاب در جواب گفتند: بله مایل هستیم، پس حضرت فرمودند: پروردگار خویش را در روز و شب بخوانید؛ چرا که دعا اسلحه‌ی مؤمن است. (الکافی: ۲/۴۶۸ ح ۳) حدیث ۲: امام رضا علیه السلام فرمودند: بر شما باد به اسلحه‌ی پیامبران، گفته شد: اسلحه‌ی پیامبران چیست؟ حضرت فرمودند: دعا. (الکافی: ۲/۴۶۸ ح ۵)

۲- حدیث ۱: امام باقر علیه السلام فرمودند: مؤمن در ازای دعائی که می کند یکی از این سه چیز نصیبش می گردد: اول: یا این که آن چه از خدا خواسته در آخرت به وی عطا می گردد، دوم: یا این که دعایش مستجاب شده و سریعاً در دنیا به وی عطا می شود، و سوم: یا این که در ازای استجابت دعا، بلا- و گرفتاری از وی دفع می گردد. (تُحْفُ الْعُقُول: ۲۸۰) حدیث ۲: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بدرستی که دعا مغز و چکیده‌ی عبادت ها است و هیچ مؤمنی نیست که دعا کند مگر این که یا آن چه خواسته در دنیا به وی عطا می گردد و یا برای آخرتش ذخیره می شود و یا این که در ازای استجابت دعا، گناهان وی نادیده گرفته می شود، البتّه این در صورتی است که خواسته‌ی او غیر شرعی و حرام نباشد. (عُدّه الدّاعی: ۳۴ ح ۸)

و شیوه‌ی گدایی در خانه‌ی خدای تعالی می‌باشد - می‌کنم. (۱)

بعضی‌ها فکر خواهند نمود که چون خدای متعال و من که حجت او هستم از حاجات و خواسته‌های وی با خبریم و نیازهایش را بهتر از او می‌دانیم، دیگر نیازی به دعا نمودن و جاری نمودن آن بر زبان نیست، و حال اینکه این موضوع، تنها تصویری است که نشأت خواهد گرفت از القائنات ابلیس که از تضرع و گدائی بندگان خدا در خانه اش بیم ناک و هراسان است؛ زیرا گرچه خدا و من از حاجات شما با خبریم؛ ولیکن از شما می‌خواهیم که آن را به زبان آورده و با تضرع و عرض نیاز، آن را از خداوند متعال بخواهید؛ چرا که جاری نمودن دعا بر زبان و تضرع کردن، خود عبادتی است با ارزش و نشانه‌ای است آشکار بر بنده بودن شخص دعا کننده. (۲)

ص: ۷۴

۱- حدیث ۱: امام کاظم علیه السلام فرمودند: بر شما باد به دعا کردن؛ چرا که دعا و درخواست از خدای متعال بلائی را که قضا و قدر الهی بر آن تعلق گرفته و فقط مرحله‌ی امضای آن باقی مانده است دفع می‌کند. (مکارم الأخلاق: ۲۷۰) حدیث ۲: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: بر تو باد به دعا کردن؛ چرا که در آن شفا از هر دردی است. (مکارم الأخلاق: ۲۷۱)

۲- حدیث ۱: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: هیچ چیز نزد خداوند محبوب تر از گدائی و درخواست کردن از او نیست. (تُحَفُّ الْعُقُول: ۲۸۲) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: همانا خداوند متعال می‌داند که بنده‌ی او در زمان دعا و ابراز حاجت از او چه می‌خواهد ولی در عین حال بسیار دوست دارد که بندگانش در خانه‌ی او ابراز نیاز نموده و حاجت‌های خویش را درخواست نمایند. (مکارم الأخلاق: ۲۷۰) حدیث ۳: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: عاجزترین انسان‌ها کسی است که از دعا کردن عاجز باشد. (عُدَّة الدَّاعِي: ۳۵)

آیا شما از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت گرامی اش بالاترید؟!

آن ها مجری اراده‌ی حق تعالی و اوامر و دستورات او هستند یا شما؟!

آن ها از اعمال مَرَضِيّ رضای الهی آگاهند یا شما؟!

آن ها راه بندگی و عبودیت را بهتر می دانند یا شما؟!

شما هم که ادّعی شیعه بودن ما را دارید؛ یعنی پیروی بی چون و چرا از دستورات ما، پس باید به این مسأله هم چون ما توجه نموده و عمل نمائید.

به ما اهل بیت بنگرید که چگونه و با چه حالاتی ابراز نیاز و حاجت در خانه‌ی خدا نموده و دعا می کنیم، صحیفه‌ی سجّادیه‌ی جَدَم را ورق بزنید تا ببینید چگونه ایشان در غالبِ دعا، بندگی حق تعالی را می نمایند و خود را در درگاه الهی بنده‌ای نیازمند می بینند و با همه‌ی وجود از خداوند عزوجل حوائج خویش را طلب می کنند.

اکنون که مقداری به اهمّیت دعا پی بردی، می گویم:

استجابِ دعاهاى شما - که گفتم همه‌ی دعاها مستجاب می شوند - به خاطر وجود من می باشد.

آری! استجابِ دعاهاى شما به خاطر وجود من و آمین های من است. (۱)

ص: ۷۵

۱- حدیث ۱: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: هیچ مؤمنی دعا نمی کند مگر این که ما برای او آمین می گوئیم، و ساکت نمی شود مگر این که برای او دعا می کنیم. (بصائر الدرجات: ۲۷۹ ح ۱) حدیث ۲: عُمَر بن اسحاق می گوید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: بدرستی که ما برای شما دعا می کنیم و زمانی که شما دعا می کنید ما آمین می گوئیم، پس عُمَر بن اسحاق گفت: این که شما برای ما دعا می کنید را فهمیدم اما چگونه زمانی که ما دعا می کنیم شما آمین می گوئید (با این که بین ما و شما فاصله است)؟! حضرت در جواب فرمودند: همانا شهر و روستا (یعنی دور و نزدیک) برای ما یکسان است. (بصائر الدرجات: ۲۸۰ ح ۲)

در هر عصری، آمین امام عصرِ آن زمان، علتِ استجابِ دعاهاى مردم آن زمان است، و در عصر من به خاطر آمین های من، استجابِ دعاهاى شما قطعی می گردد.

و بدانید که پس از استجاب نیز خواسته ها و حوائج شما، از باب من (۱) و با اجازه ی من، توسط ملائکه ی الهی از جانب خداوند متعال به شما می رسند. (۲)

آری! دعای شما نیز همچون سایر اعمال عبادی از ابتدا تا مرحله ی استجاب و رسیدن به خواسته هایتان کاملاً با من در ارتباط می باشد و بجاست که شما نیز از دعا برای سلامتی و فرج من، که فوائد فراوان آن شامل حال خودتان می شود فراموش نکرده و حداقل

ص: ۷۶

۱- حدیث: در دعای ندبه می خوانیم: کجاست آن درب خدائی که همه ی خیرات و خوبی ها و فضائل از آن صادر می شود؟ و کجاست آن صورت خدائی که دوستان به او نظر نمایند؟ و کجاست آن سبب متصل کننده ی بین آسمان و زمین؟ (المزار للمشهدی: ۵۷۳)

۲- حدیث ۱: امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: هیچ مَلکی نیست که خداوند او را برای اجرای فرمانی به زمین ارسال نماید مگر این که ابتدا نزد امام رفته و آن امر را به ایشان عرضه می دارد. (بصائر الدرجات: ۱۱۵ ح ۲۲) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: من حجت خدا بر اهل آسمان ها و زمین هستم، و هیچ مَلکی در آسمان بدون اذن من قدمی از قدم بر نمی دارد. (مشارق أنوار الیقین: ۳۴۳)

- ۱- حدیث: امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: همانا من در هر شبانه روز، هزار مرتبه برای گناه کاران از شیعیانم دعا می کنم. (الکافی: ۱/۴۷۲ ح ۱)
- ۲- مکیال المکارم: ۱/۲۸۰: بعضی از فوائد دعا برای امام عصر علیه السلام: ۱- فرج و گشایش در امور. ۲- زیاد شدن نعمت ها. ۳- اظهار محبت قلبی. ۴- بالا رفتن روحیه انتظار. ۵- زنده شدن امر ائمه اطهار علیهم السلام. ۶- ناراحت گردیدن ابلیس و شیاطین. ۷- نجات یافتن از فتنه های آخر الزمان. ۸- آدای قسمتی از حقوق آن حضرت. ۹- تعظیم خداوند و دین او. ۱۰- دعای صاحب زمان علیه السلام در حق دعا کننده. ۱۱- شفاعت آن حضرت در قیامت. ۱۲- شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قیامت. ۱۳- تسریع در فرج. ۱۴- استجابت سائر دعاها. ۱۵- آدای اجر رسالت. ۱۶- دفع بلا. ۱۷- وسعت روزی. ۱۸- آمرزش گناهان. ۱۹- تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب. ۲۰- رجعت به دنیا در زمان ظهور آن حضرت. ۲۱- ازدیاد نور امام علیه السلام در دل. ۲۲- طولانی شدن عمر. ۲۳- هدایت به نور قرآن مجید. ۲۴- آمان از عقوبت های آخری. ۲۵- برخورد نرم به هنگام مرگ. ۲۶- در آمان بودن از تشنگی روز قیامت. ۲۷- جاودان بودن در بهشت. ۲۸- رسیدن به بالاترین درجات شهدا در روز قیامت. ۲۹- کامل شدن ایمان. ۳۰- دور شدن غم و غصه ها. ۳۱- ثواب کسی که با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شهید شده. ۳۲- ثواب کسی که زیر پرچم حضرت قائم علیه السلام شهید شده. ۳۳- ثواب احسان به حضرت صاحب الزمان. ۳۴- بالا رفتن درجات در بهشت. ۳۵- آمان از بدی حساب در روز قیامت. ۳۶- دعا کردن فرشتگان در حق دعا کننده. ۳۷- قرار گرفتن در درجه ای امیر المؤمنین علیه السلام. ۳۸- محبوبیت نزد خداوند متعال. ۳۹- عزیز و گرامی شدن نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم. ۴۰- بهشتی شدن. ۴۱- مشمول دعای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم گردیدن. ۴۲- تبدیل کردارهای بد به کردارهای نیک. ۴۳- نصرت و یاری خداوند متعال در غالب این دعا. ۴۴- دور شدن عقوبت از اهل زمین. ۴۵- ثواب کمک به مظلوم. ۴۶- ثواب احترام به بزرگ تر. ۴۷- پاداش خون خواهی حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام. ۴۸- شایستگی تحمل دریافت احادیث ائمه اطهار علیهم السلام. ۴۹- درخشان شدن نور او در روز قیامت. ۵۰- شفاعت کردن هفتاد هزار نفر از گناه کاران. ۵۱- بی حساب داخل بهشت شدن. ۵۲- طلب آمرزش فرشتگان برای او. ۵۳- آسان شدن حساب. ۵۴- مایهی خرسندی خداوند عزوجل. ۵۵- مایهی خشنودی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم. ۵۶- قرار گرفتن در سایه رحمت الهی.

وای بر تو! اگر روز را به شب رسانیده و هیچ دعائی برای امامِ زمانت نکنی! با این که دعای تو بدون آمین من ارزشی نداشته و همان طور که گفتم فوائد دعا شامل حال خودت می شود.

و چقدر جای شرم ساری است برای عده ای که به وظیفه ای به این آسانی - که برای انجام آن نه نیازی به مال و ثروت، و نه فکر و اندیشه، و نه اهل و عیال، و نه آبرو و موقعیت می باشد - عمل نکرده و فوائد دعا برای ظهور و سلامتی من را نادیده گرفته و اگر دعایی هم بنمایند جای آن آخر همه‌ی دعاهاست!!! با این که وظیفه‌ی ایشان مقدم نمودن من در همه‌ی امور است. (۱)

ص: ۷۹

۱- حدیث: در زیارت جامعه‌ی کبیره آمده است: من شما اهل بیت را در همه‌ی حالات و اُمور، بر خواسته‌ها و حاجت‌ها و تصمیم‌های خویش مقدم می دارم. (من لا یحضره الفقیه: ۲/۶۰۹) سید جلیل علی بن طاوس رحمه الله بعد از ترغیب نمودن دعا برای برادران دینی خطاب به فرزندش می گوید: هرگاه این همه فضل دعاست برای برادران تو! پس چگونه خواهد بود فضل دعا کردن برای سلطان تو که سبب وجود توست و تو اعتقاد داری که اگر نبود آن جناب نمی آفرید خداوند تو را و نه احدی از مکلفین را در زمان او و زمان تو، و این که لطف وجود او صلوات الله علیه سبب است از برای هر چه که تو و غیر تو در آنند، و سبب است از برای هر خیر که می رسد به آن. پس حذر کن آن گاه حذر کن از این که مقدم بداری نفس خود را یا احدی از خلائق را در ولا و دعای از برای آن جناب علیه السلام به غایت آن چه ممکن شود، و حاضر کن قلب خود را و زبان خود را در دعای از برای این سلطان عظیم الشأن. و حذر کن از این که اعتقاد کنی که من این کلام را گفتم برای این که آن جناب محتاج است به دعای تو، هیئات! که اگر این را معتقد شوی پس مریضی در اعتقاد و دوستی خود؛ بلکه این را گفتم برای آن چیزی که تو را شناساندم از حق عظیم آن جناب برای تو و احسان بزرگ او به سوی تو، و به جهت این که هرگاه دعا کردی برای او پیش از دعا کردن برای نفس خود، نزدیک تر خواهد بود آن که باز نماید خداوند جل جلاله ابواب اجابت را در پیش روی تو؛ زیرا که ابواب قبول دعا را ای بنده بستی به سبب گناهان. پس هرگاه دعا کردی برای این مولای خاص در نزد مالکِ اَحیا و اَموات، امید است به جهت آن وجود مقدس خداوند ابواب اجابت را باز نماید، پس داخل شو تو در دعا کردن برای نفس خود، زیرا که چنگ زدی در دعا کردن به جبل او. و نگوئی که من ندیدم فلان و فلان را از کسانی که پیروی می کنی ایشان را از مشایخ خود که عمل بکنند به آن چه من می گویم و نیافتم ایشان را مگر غافل از مولای ما که اشاره کردم به سوی جنابش صلوات الله علیه. پس می گویم به تو که عمل کن به آن چه که می گویم به تو، که اوست حق واضح، و کسی که واگذارد مولای ما را و غافل شود چنان که ذکر نمودی پس آن غلطی است زشت و واضح. (فلاح السائل:

آیا دعائی مهم تر از دعا برای سلامتی و ظهور مولایت سراغ داری؟ خصوصاً در آن دوره‌ی وانفسا که نگاه داشتن دین، از کشیدن دست بر خار، و نگاه داشتن آتش در کف دست، مشکل تر است! (۱)

ص: ۸۰

۱- همان طور که به روایاتی در این زمینه در صفحه ۶۴ و ۶۵ اشاره نمودیم.

و به راستی اگر دعا برای من فقط همین فائده را می داشت که پس از دعای تو برای من متقابلاً من نیز برای تو دعا می کنم (۱) - و شکی نیست در اینکه دعای من مستجاب است - (۲) تو را کافی بود که تمام همت خویش را به کار گرفته تا مسأله‌ی دعا برای من را احیا کنی و آن را به درون زندگی خویش بکشانی.

و اگر کمی دقت کنی می یابی که در حال دعا برای ظهور و سلامتی من - خواهی نخواهی - باید به من توجه کنی؛ بنابراین یکی از بهترین راه ها و شیوه های ارتباط و توجه مستقیم و انس با من، دعا کردن برای سلامتی و ظهور من است.

علاوه بر اینکه دعا خود عبادتی است با ارزش، که چکیده‌ی همه‌ی عبادت هاست. (۳)

امید وارم که توفیق الهی شامل حال تو و دوستانت گشته (۴) و بتوانید

ص: ۸۱

۱- مکیال المکارم: ۱/۳۳۳.

۲- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت آن کسانی هستیم که خداوند در مورد ما فرموده است: «بخوانید مرا تا استجابت کنم شما را». (بصائر الدرجات: ۴۸۶ ح ۸) حدیث ۲: امام صادق علیه السلام فرمودند: بین دعای ما و خداوند حجابی نیست. (تفسیر العیاشی: ۱/۱۸۴ ح ۸۵)

۳- حدیث ۱: امام صادق علیه السلام فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: محبوب ترین اعمال نزد خداوند دعا کردن است. (الکافی: ۲/۴۶۷ ح ۸) حدیث ۲: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: دعا سپر مؤمن است، و زمانی که دری زیاد دقُّ الباب شود باز می گردد. (الکافی: ۲/۴۶۸ ح ۱) حدیث ۳: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دعا مغز و چکیده‌ی عبادت ها است. (عُدّه الدّاعی: ۲۴)

۴- حدیث ۱: امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: به خدا قسم او (امام عصر علیه السلام) هر آینه غیبتی خواهد نمود که از هلاکت رهائی نمی یابد مگر کسی که خداوند او را بر اعتقاد به امامتش ثابت نموده و توفیق دعا برای تعجیل در فرجش را عنایت فرماید. (کمال الدین: ۳۸۴ ح ۱) حدیث ۲: در زیارت امام هادی و عسکری علیهما السلام می خوانیم: ای صاحب زمان! در رسیدن به تو از اهل و عیال بُریدم و از وطن دور شدم و به کسی چیزی نگفتم تا این که نزد پروردگار و پدرانم و دوستانم در رسیدن توفیقی نیکو و نعمتی فراوان و احسانی کامل شفیع من باشی. (المزار للمشهدی: ۶۵۵)

حدّ اقل بعد از هر نماز؛

بعد از هر سجده‌ی شکر؛

در مَشاهد مشرّفه و حرم ائمه علیهم السلام؛

شب و روز جمعه؛

ماه مبارک رمضان؛

ماه محرم و هر روزی که در آن ظلم و ستم به ما

اهل بیت علیهم السلام می شود؛

بعد از ذکر مصیبت جدّم حضرت سید الشهداء علیه السلام؛

هنگام غم و اندوه؛

هنگام سرور و خوشحالی و ...؛

قبل از دعا برای خود و اهل و عیالتان؛

برای من که مولای غربیتان هستم دعا نمائید. (۱)

آقای من!

علائم ظهور شما چه علاماتی است؟

ص: ۸۲

علائم ظهور؛ حتمی و غیر حتمی

علامات ظهور من بر دو دسته اند:

دسته‌ی اول: علامات حتمی و دسته‌ی دوم: علامات غیر حتمی.

علامات حتمی که حتماً واقع می‌شوند عبارتند از:

۱- ظهور سفیانی.

۲- خَشَف (فرو رفتن) لشکر سفیانی در سرزمین بیداء. (۱)

۳- ندای آسمانی جبرائیل در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

۴- ظهور خورشید از مغرب.

۵- قتل نفس زکیه بنام محمد بن الحسن بین رکن و مقام.

۶- رؤیت صورت امیر المؤمنین علیه السلام در خورشید. (۲)

و امّا علامات غیر حتمی که ممکن است واقع شوند و ممکن است واقع نشوند نیز بسیار زیادند که ان شاء الله تعالی در دنیا خواهی دانست. (۳)

با این وجود بدان که باید هر صبح و شام منتظر ظهور من باشی و توجه و نگاهت فقط به من باشد و بس؛ چرا که ظهور من وابسته به تحقق علائم و شرایط نیست و هر لحظه ممکن است که هم چون شهابی در شب تاریک ظاهر شده و قیام نمایم.

ص: ۸۳

۱- بیداء مکانی است میان مکه و مدینه.

۲- الإمامه والتبصره: ۱۲۸ح ۱۳۱ و ۱۳۳؛ الغیبه للنعمانی: ۲۷۲ح ۲۶؛ الغیبه للطوسی: ۴۳۵ح ۴۲۵.

۳- الإمامه والتبصره: ۱۲۹ح ۱۳۲؛ کمال الدین: ۳۳۰ح ۱۶؛ الغیبه للنعمانی: ۲۷۸ح ۴۳.

پس همیشه آماده‌ی ظهورم باش و منتظرم بمان که انتظار، خود عبادتی است بزرگ. (۱)

و آنچه به عنوان یک منتظر باید بدانی آن است که:

۱- همیشه تسلیم محض اراده‌ی حق تعالی بوده و اگر او قصد تأخیر فرج مرا داشت و آن را به تأخیر انداخت، چون و چرا نکنی و در عین حالی که برای فرج و ظهورم دعا می‌کنی راضی به رضای الهی بوده و حرفی در مقابل خداوند بر زبان جاری ننمائی. (۲)

۲- طولانی شدن زمان غیبت، نباید موجب دست کشیدن از انتظار، دعا، توجه، ایمان، و صلوات بر من شود؛ بلکه باید روز به روز بر

ص: ۸۴

۱- حدیث ۱: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: انتظار فرج، برترین عبادت است. (کمال الدین: ۲۸۷ ح ۶) حدیث ۲: امام باقر علیه السلام فرمودند: برترین و با فضیلت‌ترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است. (کمال الدین: ۳۷۷ ح ۱)

۲- حدیث: در دعای زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: و مرا از آن چه که خلق را بدان امتحان می‌کنی سلامت بدار، و مرا در اطاعت ولیّ امرت استوار گردان، همان ولیّ امری که او را از چشمان خلائق مستور ساختی و به اذن تو از مردمان غایب گردید، و تنها امر تو را انتظار می‌برد، و تو آن زمانی را که صلاح امر ولّیت در آن است بی‌تعلّم می‌دانی و به ظهور او فرمان می‌دهی و او را آشکار می‌سازی، پس مرا بر آن شکیب ساز که تعجیل آن چه را که به تأخیر انداخته‌ای نخواهم و تأخیر آن چه را که معجل ساخته‌ای نطلبم؛ و از مستورت پرده برداری، و از مکتومت تفحص، و در تدبیرت منازعه ننمایم و چون و چرا نکنم، و نگویم چرا ولیّ امرت ظهور نمی‌کند در حالی که زمین از ظلم و جور آکنده است. و همه‌ی اُمورم را به تو واگذار می‌کنم. (کمال الدین: ۵۱۲ ح ۴۳)

ایمان و یقین تو افزوده شده و آمادگیت برای آمدنم بیشتر شود. (۱)

۳- همه‌ی همّت خویش را به کار بگیر تا علاوه بر دعاهای هر روزه برای سلامتی و فرجم (۲) چهل روز صبح نیز به طور منظم دعای عهد را بخوانی، که اگر چنین کنی، علاوه بر ثواب آن - که به هر کلمه هزار حسنه در نامه‌ی اعمالت نوشته شده و هزار سیئه از آن محو می‌گردد - جزء انصار و یاوران من در زمان قیام خواهی بود، و اگر عمرت هم کفاف نداد تا مرا درک کنی، به واسطه‌ی این عمل خداوند تو را از قبر بیرون آورده و در رکاب من قرار می‌دهد. (۳)

ص: ۸۵

۱- حدیث ۱: در دعای زمان غیبت امام زمان علیه السلام می‌خوانیم: بارالها! به واسطه‌ی غیبت طولانی و بی‌خبری ما از او، یقین ما را سلب مکن و یاد، انتظار، ایمان، و قوتِ یقین ما را در ظهورش، و دعا و درود ما را بر او از خاطرمان مبر، تا آن که طول غیبت ما را ناامید نسازد، و یقین ما در این باب مانند یقین ما در مورد قیام رسولت - که درود و رحمت بر او باد - قرار بده. (کمال الدین: ۵۱۲ ح ۴۳) حدیث ۲: در یکی از زیارات امام زمان (می‌گوئیم: اگر روزگار به درازا بکشد و عمرها طولانی شود، جز این نیست که یقین و محبت من به تو زیاد می‌گردد، و تو کُل و اعتماد من فقط به توست، و ظهورت را متوقع و منتظرم و برای جهاد در پیشاپیش تو لحظه شماری می‌کنم. (المزار للمشهدی: ۵۸۶)

۲- حدیث ۱: در توقیعی از امام زمان علیه السلام آمده است: برای تعجیل در فرج من زیاد دعا کنید؛ چرا که در آن فرج و گشایش امور شما نیز هست. (کمال الدین: ۴۸۵ ح ۳) حدیث ۲: در حدیثی آمده است: شخصی پس از رؤیت امام زمان علیه السلام در زمان غیبت صغری از آن حضرت پرسید: شیعیان شما در زمان غیبت چه کنند؟ حضرت فرمودند: بر شما باد به دعا و انتظار فرج. (بحار الأنوار: ۹۲/۳۳۶ ح ۶)

۳- حدیث: امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس چهل روز صبح این دعای عهد را بخواند، از یاوران قائم علیه السلام خواهد بود، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند هنگام ظهور، او را از قبر بیرون می‌آورد؛ و با هر کلمه‌ی این دعا؛ هزار ثواب به او عطا فرماید و هزار گناه از نامه‌ی عمل او محو گرداند. (المزار للمشهدی: ۶۶۳)

۴- و نیز همه‌ی همت و تلاش خود را برای نزدیک شدن به من، و جلب توجه، رضایت مندی و خوشنودیم بنما و به وظایفی که برایت گفتم عمل کن.

--

از لحن سخنان حضرت احساس کردم می‌خواهند از من جدا شده و تنهاییم بگذارند، ولی بر خلاف ابتدای ملاقات، شب‌نم آرامش عجیبی بر شقایق دلم نشسته بود و هیچ‌گونه اضطراب و نگرانی در دل احساس نمی‌کردم و غمی جز غم هجران یار نداشتم.

در این اندیشه بودم که حضرت فرمودند:

اکنون وقت آن فرا رسیده که از تو جدا شوم.

بدان که ما هرگز تو را فراموش نمی‌کنیم و به یادت هستیم. (۱)

تو نیز همیشه به یاد ما باش.

و هر زمان که خواستی، با ما حرف بزن و درد دل کن.

ما همیشه با تو و در کنار توئیم.

سفارشاتم را فراموش نکن و دوستانت را نیز از آن‌ها مطلع نما.

به امید دیدار! خداوند تو را حفظ نماید.

ص: ۸۶

۱- «إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ» یعنی: «ما از مراعات حال شما غفلت نکرده و یاد و توجه به شما را فراموش نمی‌کنیم». (الاحتجاج: ۲/۳۲۲)

به جرم آنکه عاشقم زمن کناره می کند
دچار درد عشق را به درد چاره می کند
به عرصه ای که یگه تاز حُسنِ او قدم زند
هزار رخنه در دلِ دو صد سواره می کند
فروغ روی او چنان زَنَد رَه خیال را
که عقل پیر، پرده ی خیال پاره می کند
فدای ماه پاره ای شوم که تیر غمزه اش
دو نیمه مهر و ماه را به یک اشاره می کند
چو لاله، داغم از غمش ولیک خوشدلم که او
چو شمع ایستاده و مرا نظاره می کند
هر آنچه می کند به من، نگار ماه روی من
نه چرخ کج روش، نه طالع و ستاره می کند
شب است روز تار من ز درد بیشمار من
مگر بلای عشق را کسی شماره می کند؟!
ز سوز آه (مُفْتَقِر) چرا حذر نمی کنی
مگر نه سوز او اثر به سنگ خاره می کند
شیخ محمّد حسین غروی اصفهانی (کُمپانی)

جان را میرس با غم هجران چه می کند؟

با تیغ تیز، پیکر عریان چه می کند؟

مستانه غمت می جنت نمی خورد

سر گشته تو با سر و سامان چه می کند؟

بودیم خاک و با نگهت کیمیا شدیم

بنگر به ذره، مهر در خشان چه می کند!

از ابر لطف توست که سر سبز مانده ایم

ورنه، در این کویر تف زده، باران چه می کند؟

پرسیده ای که دوست زد شمن چه می کشد؟

هیچ آگهی فراق تو با جان چه می کند؟

ای منتظر بیا و نظر کن که داغ هجر

با لاله های سوخته دامان چه می کند!

در حسرت تو در بدری شد نصیب خضر

ورنه به سیر کوه و بیابان چه می کند!

دست نیاز، سوی تو دارد و گر نه نوح

با زورق شکسته به طوفان چه می کند!

از لوح دل نشوید اگر گرد معصیت

این حلقه های اشک به دامان چه می کند!

جعفر رسول زاده (آشفته)

بسم الله الرحمن الرحيم

متن عربی روایات درج شده در پاورقی ها را برای روشن شدن صحت ترجمه و استدلال به آن ها جهت دوستان علاقه مند و
اهل علم

در این جا بر اساس شماره‌ی پاورقی می آوریم.

(۷) ۱- المزار للمشهدی ۵۸۷: زیارتۀ عجل الله تعالی فرجه: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَی مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ
الْحُجَّهَ عَلَی مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ.

۲- من لا يحضره الفقيه ۲/۶۰۹: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: السَّلَامُ عَلَی حُجَّجِ اللَّهِ عَلَی أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَّجًا
عَلَى بَرِيَّتِهِ.

(۸) ۱- مشارق أنوار اليقين ۲۳۶: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ لِأَجْلِهِمْ.

۲- بحار الأنوار ۲۶/۳۴۹ ح ۲۳: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَوْلَانَا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا الْأَنْبِيَاءَ وَلَا
الْمَلَائِكَةَ.

۳- عيون المعجزات ۶۹: قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَوْ لَا نَحْنُ لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ تَعَالَى سَمَاءً وَلَا أَرْضًا وَلَا جَنَّةً وَلَا نَارًا وَلَا شَمْسًا وَلَا قَمَرًا
وَلَا جِنًّا وَلَا إِنْسًا.

(۹) الكافي ۱/۴۰۸ ح ۲: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِرَسُولِهِ وَلَنَا.

(۱۰) ۱- بصائر الدرجات ۸۳ ح ۱۱: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَحْنُ شُهَدَاءُ اللَّهِ عَلَی خَلْقِهِ.

۲- جمال الأسبوع ۳۰۷: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَيْنُكَ النَّاطِرَةُ عَلَی بَرِيَّتِكَ وَشَاهِدُكَ عَلَی عِبَادِكَ.

(۱۱) تأويل الآيات ۱/۳۹۷ ح ۲۷: عَنْ الْكَاظمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يُرَى وَلَا يُدْرَكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا
إِنِّيَّتُهُ فَهَؤُلَاءِ النَّاطِقُونَ الْمُبَلَّغُونَ عَنْهُ الْمُتَصَرِّفُونَ فِي أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ فِيهِمْ تَظْهَرُ قُدْرَتُهُ.

(١٢) الغيبة للطوسي ٣٨٧ ح ٣٥١: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَضَهُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَائِرِ الْأَئِمَّةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ يُخْرِجُ إِلَى الدُّنْيَا، وَإِذَا أَرَادَ الْمَلَائِكَةُ أَنْ يَزْفَعُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَمَلًا عَرَضَ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ يُخْرِجُ عَلَى وَاحِدٍ بَعْدَ وَاحِدٍ إِلَى أَنْ يَعْرِضَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ يَعْرِضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَمَا نَزَلَ مِنَ اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ، وَمَا عَرَجَ إِلَى اللَّهِ فَعَلَى أَيْدِيهِمْ.

(١٣) ١- كمال الدين وتمام النعمة ٢٦٠ ح ٥: عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: بِهِمْ يُرْزَقُ اللَّهُ عِبَادَهُ، وَبِهِمْ يَعْمرُ بِلَادَهُ، وَبِهِمْ يُنزلُ القَطْرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تُخْرِجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.

٢- الكافي ١/١٤٤ ح ٥: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِنَا أَثْمَرَتِ الْأَشْجَارُ، وَأَيْنَعَتِ الشُّمَارُ، وَجَرَّتِ الْأَنْهَارُ وَبِنَا يُنزلُ غَيْثُ السَّمَاءِ، وَيَنْبُتُ عُشْبُ الْأَرْضِ.

(١٤) ١- مشارق أنوار اليقين ٥٨: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: نَحْنُ يَنْبِيعُ النُّعْمَةِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٦٧: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّمَا خَرَجَ إِلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَمِنَّا وَعَنَّا.

(١٥) ١- كمال الدين ٤٤١ ح ١٢: عَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنِ أَهْلِ وَشِيعَتِي.

٢- الإمامه والتبصره ١٠٣ ح ٩٢: عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَوْلِيكَ أَوْلِيَائِي حَقًّا بِهِمْ أَدْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حِنْدِسٍ وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَأَدْفَعُ الْأَصَارَ وَالْأَغْلَالَ.

٣- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: بِكُمْ أَخْرَجْنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْصَدَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنْ النَّارِ.

(١٦) ١- المزار للمشهدي ٣٠٤: زِيَارَةٌ أُخْرَى لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ سِرِّ اللَّهِ، وَمُمْضِي حُكْمِ اللَّهِ، وَمُجَلِّي إِرَادَةِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ مَشِيئَةِ اللَّهِ.

٢- المحتضر ٢٢٧ ح ٢٩٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ وَكَرَّ لِإِرَادَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، لَا يَشَاءُ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ.

٣- الهدايه الكبرى ٢٢٦: عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَحْنُ نَفْعَلُ بِإِذْنِهِ مَا نَشَاءُ، وَنَحْنُ لَا نَشَاءُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ، وَإِذَا أَرَدْنَا أَرَادَ اللَّهُ.

(١٧) ١- مشارق أنوار اليقين ١٧٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ مَلِكِي الدَّاتِ، إِلَهِي الصِّفَاتِ، وَأَنْهُمْ صِفَاتُ اللَّهِ وَصَفَوْتُهُ.

٢- عيون أخبار الرضا عليه السلام ٢/٩ ح ١٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَنْتَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى.

٣- تأويل الآيات ١/٣٩٧ ح ٢٧: عَنِ الْكَاظمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ؛ لِأَنَّهُ لَا يَرَى وَلَا يُدْرِكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِيَّتِيَّتُهُ.

(١٨) ١- الكافي ٤/٥٧٨ ح ٢: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ.

٢- تأويل الآيات ١/٣٩٧ ح ٢٧: عَنِ الْكَاظمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْلَاهُمْ مَا عَرِفَ اللَّهُ وَلَا يُدْرَى كَيْفَ يُعْبَدُ الرَّحْمَنُ.

٣- بصائر الدرجات ٥١٦ ح ٦: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِينَ لَا يُعْرَفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا.

(١٩) ١- بحار الأنوار ٩٩/٢٠٣: (الرِّيَازَةُ الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ) : السَّلَامُ عَلَى غَايَةِ الْمَوْجُودَاتِ.

٢- بحار الأنوار ٢٦/٢٥٩ ح ٣٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَحْنُ عِلَّةُ الْوُجُودِ.

(٢٠) الاحتجاج ٢/٣١٧: فِي زِيَارَةِ آلِ يَاسِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: يَا مَوْلَايَ! شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ.

(٢١) ١- نهج البلاغه ١/١٨٩: مِنْ خُطْبِهِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: انظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالزُّمُوا سَمْتَهُمْ، وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ، فَلَنْ يُخْرِجُكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى، فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا، وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا، وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضَلُّوا، وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا.

٢- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِيَكُمُ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمُ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِي لَا أُحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ.

(٢٢) علل الشرائع ١/٩ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ، فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادِهِ مَا سِوَاهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.

(٢٣) بحار الأنوار ٢٥/١٧ ح ٣١: عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَوَّلُ مَا ابْتَدَأَ مِنْ خَلْقِ خَلْقِهِ أَنْ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَخَلَقْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ... نَسَبُحُ اللَّهَ تَعَالَى وَنُقَدِّسُهُ وَنُحَمِّدُهُ وَنُعْبُدُهُ حَقَّ عِبَادَتِهِ.

(٢٤) ١- كمال الدين وتمام النعمه ٢٦٠ ح ٥: عَنِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: بِهِمْ يَرْزُقُ اللَّهُ عِبَادَهُ، وَبِهِمْ يَعْمَرُ بِلَادَهُ، وَبِهِمْ يُنَزِّلُ الْقَطْرَ مِنَ السَّمَاءِ، وَبِهِمْ تُخْرَجُ بَرَكَاتُ الْأَرْضِ.

٢- مدينة المعاجز ٦/٤٧ ح ٢٦٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَوْلَا نَا مِا اَطْرَدَتِ الْأَنْهَارُ وَلَا- أَيْتَعَتِ النَّيَارُ وَلَا- اخْضَرَّتِ الْأَشْجَارُ.

(٢٥) الاختصاص ٢٢٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: بِهِمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ.

(٢٦) قرب الإسناد ٣٣٦ ح ١٢٣٨: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْإِمَامَ بِمَنْزِلَةِ الْبَحْرِ، لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، وَعَجَائِبُهُ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ.

(٢٧) ١- المزار للمشهدي ٢٤٨: قَدْ وَرَدَ فِي زِيَارَتِهِ: ... اسْتَزَعَاكُمْ الْأَنَامَ وَفَوَّضَ إِلَيْكُمْ الْأُمُورَ، الْخَبِرَ.

٢- الصحيفة السجادية ٢٦: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرُهُ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.

(٢٨) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ.

٢- بحار الأنوار ٩٧/٣٤٩: زيارته أخرى له عليه السلام: أنت المحيط بكل شيء.

(٢٩) ١- إثبات الهداه ٧/٣٥٧ ح ١٣٧: عن كتاب إثبات الرجعة، للفضل بن شاذان رحمه الله أنه روى بإسناد صحيح، عن الصادق عليه السلام، أنه قال: ما من معجزه من معجزات الأنبياء والأوصياء إلا ويظهره الله عز وجل مثلها في يد قائمنا لإتمام الحجة على الأعداء.

٢- مكيا المكارم ١/١٦٤: عن الصادق عليه السلام قال: تأتي إلى القائم عليه السلام حين يظهر رجل من إصفهان ويطلب منه معجزة إبراهيم خليل الرحمن، فيأمر عليه السلام أن توفد ناراً عظيمة ويقرأ قوله تعالى: {فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء وإليه ترجعون} ثم يدخل في النار ثم يخرج منها سالماً، فينكر الرجل لغيره الله تعالى عليه ويقول: هذا سحر، فيأمر القائم عليه السلام النار فتأخذته وتحرقه فيحترق، ويقول: هذا جزاء من أنكر صاحب الزمان وحججه الرحمن.

(٣٠) ١- بصائر الدرجات ٨٢ ح ١٠: عن أبي جعفر عليه السلام قال: نحن أصول الدين.

٢- نهج البلاغه ١/٣٠: عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: هم أساس الدين.

٣- تأويل الآيات ١/١٩ ح ٢: عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: نحن الصلاة في كتاب الله عز وجل، ونحن الزكاة، ونحن الصيام، ونحن الحج، ونحن الشهر الحرام، ونحن البلد الحرام، ونحن كعبه الله، ونحن قبله الله.

(٣١) من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: في الزيارة الجامعة: عصمكم الله من الزلزل وآمنكم من الفتن وطهركم من الدنس وأذهب عنكم الرجس أهل البيت وطهركم تطهيراً.

(٣٢) ١- بصائر الدرجات ٨١ ح ٣: عن أبي عبد الله عليه السلام قال: نحن خزنة علم الله.

٢- كفاية الأثر ١٦٣: عن الحسن عليه السلام قال: خطب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يوماً، فقال: عليّ معدن علم الله.

(٣٣) ١- مشارق أنوار اليقين ٢٠٥: عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: الإمام يرى ما بين الشرق والغرب، فلا يخفى عليه شيء من عالم الملك والملكوت.

٢- بصائر الدرجات ١٤٨ ح ٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنِّي لِأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَيَّ مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ فَقَالَ: عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: {فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ}.

(٣٤) مشارق أنوار اليقين ١٧٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ مَلَكَتِ الذَّاتِ، إِلَهِي الصِّفَاتِ، وَأَنْتَهُمْ صِفَاتُ اللَّهِ وَصَفَوْتُهُ.

(٣٥) ١- الاحتجاج ١/٨٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَلَا إِنَّهُ (امام العصر عليه السلام) وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٦٤: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَقَدْ عَلِمْتُ مَا فَوْقَ الْفِرْدَوْسِ الْأَعْلَى وَمَا تَحْتَ السَّابِعِ السُّفْلَى وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى، كُلُّ ذَلِكَ عِلْمٌ إِحَاطَهُ لَا عِلْمٌ إِخْبَارٌ.

(٣٦) ١- مصباح المتهجد ٤٠٩: إِنَّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْمُرُ بِالِدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا: اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ ...، وَعَيْنِكَ النَّظَرَ بِأَذْنِكَ، وَشَاهِدْكَ عَلَى عِبَادِكَ.

٢- بصائر الدرجات ٤٦٣ ح ٨: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا مَنَزَلُهُ الْإِمَامُ فِي الْأَرْضِ بِمَنَزَلِهِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَفِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا.

(٣٧) ١- إلهام الناصب ٢/٢١٨: فِي خُطْبِهِ التُّطْنَجِيَّةِ: عَلِمْنَا مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ بِعِلْمِ رَبِّنَا، نَحْنُ الْمُدَبَّرُونَ فَتَحْنُ بِذَلِكَ اخْتِصَاصًا، نَحْنُ مَخْصُوصُونَ وَنَحْنُ عَالِمُونَ.

٢- بحار الأنوار ٢٦/٥: فِي خُطْبِهِ النُّورَانِيَّةِ: وَعَلِمَ بِمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ وَعَلِمَ مَا فِي الصَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ وَعَلِمَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

(٣٨) ١- بصائر الدرجات ٢٣٢ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عِلْمُ الْكِتَابِ كُلُّهُ وَاللَّهُ عِنْدَنَا.

٢- بصائر الدرجات ٢١٧ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَدْ وَلَدَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا أَعْلَمُ كِتَابَ اللَّهِ وَفِيهِ يَدُ الْخَلْقِ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَفِيهِ خَبْرُ السَّمَاءِ وَخَبْرُ الْأَرْضِ وَخَبْرُ الْجَنَّةِ وَخَبْرُ النَّارِ وَخَبْرُ مَا كَانَ وَخَبْرُ مَا هُوَ كَائِنٌ أَعْلَمُ ذَلِكَ كَمَا أَنْظُرُ إِلَى كَفَى إِنْ اللَّهُ يَقُولُ: {فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ}.

(٣٩) ١- بصائر الدرجات ٣٢٨ ح ٤: عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ فِي ذُوَابِهِ سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صَحِيفَةٌ صَغِيرَةٌ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ كَانَ فِي تِلْكَ الصَّحِيفَةِ؟ قَالَ: هِيَ الْأَحْرُفُ الَّتِي يَفْتَحُ كُلُّ حَرْفٍ مِنْهَا أَلْفَ حَرْفٍ، قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا خَرَجَ مِنْهَا إِلَّا حَرْفَانِ حَتَّى السَّاعَةِ.

٢- تحف العقول ١٧١: وَصِيَّتُهُ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِكَمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ: يَا كَمَيْلُ! مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتِمُهُ.

٣- مختصر بصائر الدرجات ١١٧: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا، فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فإِذَا قَامَ قَائِمًا أَخْرَجَ الْخُمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا، فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْنِيَهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا.

(٤٠) ١- بصائر الدرجات ١١٥ ح ٢٢: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: مَا مِنْ مَلَكٍ يُهْبِطُهُ اللَّهُ فِي أَمْرٍ إِلَّا يَدَأُ بِالْإِمَامِ فَعَرَضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ، وَإِنْ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا يَأْذُنِي.

٣- بحار الأنوار ٢٧/٣٦: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَالَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمِدٍ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ رَامَ أَنْ يَزُولَ مِنْ مَكَانِهِ بِقَدْرِ نَفْسٍ وَاحِدٍ لَمَا زَالَ حَتَّى آذَنَ لَهُ، وَكَذَلِكَ يَصِيرُ حَالُ وَلَدِي الْحَسَنِ وَبَعْدَهُ الْحُسَيْنُ وَتَسَعَهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ.

(٤١) علل الشرائع ١/ ٥ ح ١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخَدَائِمُنَا وَخُدَّامُ مُحِبِّينَا.

(٤٢) الخرائج والجرائح ١/٢٩٥ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَلِكُ الْمَوْتِ! قَالَ: لَبَّيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ! قَالَ: أَلَسْتَ أَمْرًا بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ لَنَا؟ قَالَ: بَلَى.

(٤٣) بصائر الدرجات ٩٠ ح ١: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا سُمِّيَ أَوْلَاوَا الْعِزْمِ؛ لِأَنَّهُ عَهَدَ إِلَيْهِمْ فِي مُحَمَّدٍ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ وَالْمَهْدِيِّ وَسِيرَتِهِ، فَأَجْمَعَ عَزَمَهُمْ عَلَى أَنَّ ذَلِكَ كَذَلِكَ وَالْإِقْرَارُ بِهِ.

(٤٤) ١- المزار للمفيد ٧: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّا يُحِيطُ عَلْمُنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.

٢- الهدايه الكبرى ١٧٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ يَرَى الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ أَعْمَالِهِمْ شَيْءٌ.

(٤٥) ١- مناقب آل أبي طالب ٣/٢٧٤: أَبُو حَازِمٍ فِي خَبْرٍ قَالَ رَجُلٌ لَزِينِ الْعَابِدِينَ: ... مَا سَبَبُ قَبُولِهَا؟ قَالَ: وَلَا يَتَنَا وَالْبِرَاءَةُ مِنْهُ أَعْدَائُنَا، الْخَبِيرُ.

٢- المزار للمشهدي ٥٨٦: زِيَارَتُهُ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِرْجَهُ: أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتُرْكَى الْأَفْعَالُ وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُطْمَحَى السَّيِّئَاتُ، فَمَنْ حَيَّاهُ بِبَوْلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قَبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَصِدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَتَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ وَمُحِيتْ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنْ بَوْلَايَتِكَ وَجَهَلَ مَعْرِفَتِكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ كَبَّهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا- وَلَمْ يُقِمَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا.

٣- من لا يحضره الفقيه ٢/٦١٦: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: بِمَوْلَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا ...، بِمَوْلَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ.

(٤٦) ١- بصائر الدرجات ٤٤٦ ح ١٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ يَوْمَ الْخَمِيسِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

٢- بصائر الدرجات ٤٦٤ ح ٥: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلِّ إِثْنَيْنِ وَخَمِيسٍ، فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ حَمَدْتُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَمَا كَانَ مِنْ سَيِّئٍ اسْتَعْفَوْتُ لَكُمْ.

(٤٧) ١- الكافي ١/٢٤٧ ح ٢: عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرٌ السَّنَةِ وَإِنَّ لِذَلِكَ الْأَمْرِ وُلاَةً بَعِيدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتَ: مَنْ هُمْ؟ فَقَالَ: أَنَا وَأَحَدٌ عَشَرَ مِنْ صُلَيْبِي أُمَّةٌ مُحَدَّثُونَ.

٢- تفسير القمى ٢/٢٩٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا تَخْفَى عَلَيْنَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يُطِيفُونَ بِهَا فِيهَا.

(٤٨) الكافي ١/٢٥٢ ح ٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بِالْحُكْمِ الَّذِي يَحْكُمُ بِهِ بَيْنَ الْعِبَادِ، قَالَ السَّائِلُ: وَمَا كَانُوا عَلِمُوا ذَلِكَ الْحُكْمَ؟! قَالَ: بَلَى قَدْ عَلِمُوهُ وَلَكِنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ إِمْضَاءَ شَيْءٍ مِنْهُ حَتَّى يُؤْمَرُوا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ يَصْنَعُونَ إِلَى السَّنَةِ الْمُقْبَلَةِ.

(٤٩) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ.

٢- مشارق أنوار اليقين ١٧٩: عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هُمْ قُدْرَةُ الرَّبِّ وَمَشِيئَتُهُ.

(٥٠) ١- تأويل الآيات ٢/٨٥٢ ح ٨: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ الَّذِينَ أَنْقَذَ اللَّهُ النَّاسَ بِهَا مِنَ الضَّلَالَةِ.

٢- بحار الأنوار ٩٩/١٨٧: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الدَّالُونَ عَلَى الْهُدَى.

٣- بصائر الدرجات ٢٢٠ ح ٢: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَهْتَدِي هَادٍ مِنْ ضَلَالِهِ إِلَّا بِهِمْ.

(٥١) تفسير فرات الكوفي ٣٤٨ ح ٤٧٤: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بِنَا يُقِيلُ اللَّهُ عَثْرَتَكُمْ وَبِنَا يَغْفِرُ اللَّهُ ذُنُوبَكُمْ.

(٥٢) الأمالى للصدوق ٧٠٩ ح ٩: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ كُنَّا شُفَعَاءَهُ نَجَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ.

(٥٣) ١- الفضائل لابن شاذان ٨٣: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى خَلْقَهُ أَنْ يَعْبُدُوا بِهِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: {وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا}.

٢- تفسير فرات الكوفى ٢٥٨ ح ١٠: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: نَحْنُ حَبِيلُ اللَّهِ الْمَتِينِ الَّذِي مَنِ اعْتَصَمَ بِهِ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

(٥٤) تفسير فرات الكوفى ٣٤٨ ح ٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَحْنُ سَفِينَتُكُمْ كَسَفِينَةِ نُوحٍ.

(٥٥) ١- تفسير الإمام العسكرى عليه السلام ٥٨٢: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: بِمَحَبَّتِهِ (عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ) تَثْقُلُ مَوَازِينُ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمُخَالَفَتِهِ تَخْفُ مَوَازِينُ النَّاصِبِينَ.

٢- المزار للمشهدى ٥٨٦: زِيَارَتُهُ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ: أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتَكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتُرَكَّى الْأَفْعَالُ وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمَحَى السَّيِّئَاتُ.

٣- الكافى ١/٤٣٠ ح ٨٤: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... بَوْلَايَتِهِمْ وَمَعْرِفَتِهِمْ إِيَّانَا يُضَاعَفُ اللَّهُ لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ، الْخَبْرُ.

(٥٦) ١- اليقين ٣١٩: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَعَلَهُمْ أَدْلَاءَ لِلْأُمَّةِ عَلَى الصِّرَاطِ.

٢- بصائر الدرجات ٥١٧ ح ٨: حِيَاءُ ابْنِ الْكَوَّاءِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! لَوْ عَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كَلَامَ بَسِيْمَاهُمْ { فَقَالَ: نَحْنُ عَلَى الْأَعْرَافِ نَعْرِفُ أَنْصَارَنَا بِسِيْمَاهُمْ وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ الَّذِي لَا يُعْرِفُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِنَا وَنَحْنُ الْأَعْرَافُ يُعْرِفُنَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى الصِّرَاطِ، فَلَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَنَا وَعَرَفْنَاهُ وَلَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَنَا وَأَنْكَرْنَا، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَلَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَصِرَاطَهُ وَسَبِيلَهُ وَالْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَمَنْ عَدَلَ عَنْ وَلَايَتِنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ.

(٥٧) الأمالى للطوسى ٦٦٨ ح ٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمْهَرَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ رُبْعَ الدُّنْيَا فَرُبِعَهَا لَهَا وَأَمْهَرَهَا الْجَنَّةَ وَالنَّارَ تَدْخُلُ أَعْدَاءَهَا النَّارَ وَتَدْخُلُ أَوْلِيَاءُهَا الْجَنَّةَ وَهِيَ الصُّدَيْقَةُ الْكُبْرَى وَعَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى.

(٥٨) بحار الأنوار ٢٥/١٦ ح ٣٠: عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: خَلَقْنَا اللَّهُ نَحْنُ حَيْثُ لَا سَمَاءَ مَبْنِيَّةَ وَلَا أَرْضَ مَدْحِيَّةَ وَلَا عَرْشَ وَلَا جَنَّةَ وَلَا نَارَ، كُنَّا نُسَبِّحُهُ حِينَ

لَا تَسْبِيحَ وَنُقَدِّسُهُ حِينَ لَا تَقْدِيسَ، لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ الصَّنْعَةَ فَتَقَى نُورِي فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ فَنُورُ الْعَرْشِ مِنْ نُورِي وَنُورِي مِنْ نُورِ اللَّهِ وَأَنَا أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ. ثُمَّ فَتَقَى نُورَ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَخَلَقَ مِنْهُ الْمَلَائِكَةَ فَنُورُ الْمَلَائِكَةِ مِنْ نُورِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نُورِ اللَّهِ وَنُورُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ. وَفَتَقَى نُورَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ مِنْهُ فَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَنُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْ نُورِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ وَنُورِ اللَّهِ وَفَاطِمَةَ أَفْضَلُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. ثُمَّ فَتَقَى نُورَ الْحَسَنِ فَخَلَقَ مِنْهُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ فَنُورُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ مِنْ نُورِ الْحَسَنِ وَنُورِ اللَّهِ وَفَاطِمَةَ أَفْضَلُ مِنَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ. ثُمَّ فَتَقَى نُورَ الْحُسَيْنِ فَخَلَقَ مِنْهُ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ الْعَيْنَ فَنُورُ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعَيْنِ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ وَنُورِ اللَّهِ وَفَاطِمَةَ أَفْضَلُ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْحُورِ الْعَيْنِ.

(٥٩) ١- بصائر الدرجات ٢٧٩ ح ١: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو إِلَّا- أَمَّا لِتَدْعَائِهِ، وَلَا يَسْئَلُ إِلَّا دَعْوَانَا لَهُ.

٢- بصائر الدرجات ٢٨٠ ح ٢: عَنْ عُمَرَ بْنِ إِسْحَاقٍ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا نَدْعُو لَكُمْ فَتَدْعُونَ فَنُؤْمِنُ قَالَ عُمَرُ: قَدْ عَرَفْتُ مَا قُلْتُ وَلَكِنْ كَيْفَ نَدْعُو فَنُؤْمِنُ؟ فَقَالَ: إِنَّا سَوَاءٌ عَلَيْنَا الْبَادِي وَالْحَاضِرِ.

(٦٠) المزار للمشهدي ٢٩٣: عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَوَرَّثَهُ الْأَنْبِيَاءَ.

(٦١) كمال الدين ٦٧٥ ح ٣٠: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِيَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ.

(٦٢) بحار الأنوار ٩١/٣٦ ح ٢٣: فِي زِيَارَةِ آلِ يَاسِينَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ.

(٦٣) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: السَّلَامُ عَلَى الذَّادَةِ الْحَمَاهِ.

٢- اليقين ٣١٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ: أَمَّنْ لِمَنِ التَّجَا إِلَيْهِمْ، وَأَمَانٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ.

(٦٤) ١- الكافي ١/٤٠٧ ح ٨: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: الْإِمَامُ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ.

٢- بصائر الدرجات ٢٨٥ ح ١٥: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَاللَّهِ لَأَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ بِأَنْفُسِكُمْ.

٣- الكافي ١/٢٠٠ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

٤- الخصال ٥٢٧ ح ١: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ، أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ.

(٦٥) ١- تفسير القمي ١/٣٦٥: قَوْلُهُ: {الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ} قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الَّذِينَ آمَنُوا: الشَّيْعَةُ، وَذِكْرُ اللَّهِ: أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

٢- تفسير العياشي ٢/٢١١ ح ٤٤: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: {أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ} قَالَ: بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَهُوَ ذِكْرُ اللَّهِ وَحِجَابُهُ.

(٦٦) المزار للمشهدي ٤٨٥: زيارته مولاي أبي عبد الله عليه السلام، زيارته الشَّهْدَاءُ: فَلَيْتَ أَخْرَجْتَنِي الدُّهُورَ وَعَاقَبَنِي عَنْ نَصْرِ رِكَ الْمَقْسُودُ وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ حَارَبَكَ مُحَارِبًا وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَأَنْدَبَنَّكَ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَلَا بُكِينٌ عَلَيْكَ بَدَلِ الدَّمُوعِ دَمًا؛ حَسْرَةً عَلَيْكَ وَتَأْسُفًا عَلَى مَا دَهَاكَ وَتَلَهُّفًا حَتَّى أُمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُصَابِ وَغُصَّةِ الْاِكْتِيَابِ.

(٦٨) ١- مختصر بصائر الدرجات ١٦٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ أُمَّتِي عُرِضَتْ عَلَيَّ عِنْدَ الْمِيثَاقِ فَكَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي عَلَيَّ وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي حَيْثُ بُعِثْتُ فَهُوَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ.

٢- الأمل للمفيد ١١٣ ح ٦: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْأَزْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَامِ بِالْفَنَى عَامٌ وَعَلَّقَهَا بِالْعَرْشِ وَأَمَرَهَا بِالتَّسْلِيمِ عَلَيَّ وَالطَّاعَةِ لِي، وَكَانَ أَوَّلَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيَّ وَأَطَاعَنِي مِنَ الرِّجَالِ رُوحَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

٣- بصائر الدرجات ١٠٨ ح ٧: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِالْفَنَى عَامٍ فَأَسْكَنَهَا الْهَوَاءَ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا هُنَالِكَ ائْتَلَفَ فِي الدُّنْيَا وَمَا تَنَازَرَ مِنْهَا هُنَاكَ ائْتَلَفَ فِي الدُّنْيَا.

٤- معانى الأخبار ١٠٨ ح ١: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْوَاحَ قَبْلَ الْأَجْسَادِ بِالْفَنَى عَامٍ، فَجَعَلَ أَعْلَاهَا وَأَشْرَفَهَا أَرْوَاحَ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيُّمَةَ بَعْدَهُمْ قُدْسَ سِرِّهِ، فَعَرَضَهَا عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ، فَغَشِيَهَا نُورُهُمْ...، فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُهَا بِأَنْقَالِهَا وَيَدْعِيهَا لِنَفْسِهِ دُونَ خَيْرَاتِي، فَأَبَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجِبَالُ أَنْ يَحْمِلْنَهَا.

(٧٣) ١- بصائر الدرجات ٩١ ح ٨: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ ظَهْرِ آدَمَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَخَرَجُوا كَالذَّرِّ فَعَرَفَهُمْ نَفْسُهُ وَلَوْ لَا ذَلِكْ لَمْ يَعْرِفْ أَحَدٌ رَبَّهُ، ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: {أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى} وَإِنَّ هَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولِي وَعَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ خَلِيفَتِي وَأَمِينِي.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٦٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَنَا آخِذُ الْعَهْدِ عَلَى الْأَرْوَاحِ فِي الْأَزْلِ، أَنَا الْمُنَادِي لَهُمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ بِأَمْرِ قِيَوْمٍ لَمْ يَزَلْ، أَنَا كَلِمَةُ اللَّهِ النَّاطِقَةِ فِي خَلْقِهِ، أَنَا آخِذُ الْعَهْدِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ فِي الصَّلَوَاتِ.

٣- الكافي ١/٤٣٦ ح ١: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ مِيثَاقَ شَيْعَتِنَا بِالْوَلَايَةِ وَهُمْ ذُرِّيَّةُ يَوْمٍ أَخَذَ الْمِيثَاقَ عَلَى الذَّرِّ وَالْإِقْرَارَ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالرُّبُوبَةِ.

(٧٥) ١- المزار للمشهدي ٢٤٨: قَدْ وَرَدَ فِي زِيَارَتِهِ... اسْتَوْعَاكُمْ الْأَنَامُ وَفَوَّضَ إِلَيْكُمْ الْأُمُورَ، الْخَبْرَ.

٢- الصحيفة السجادية ٢٦: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرُهُ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ.

(٨١) بشاره المصطفى ١٥٣ ح ١١١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ! إِنَّ حَبِيْبَكَ حَسَنَهُ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئُهُ، وَبِغَضِّكَ سَيِّئُهُ لَا يَنْفَعُ مَعَهَا طَاعَهُ.

(٨٢) الكافي ٢/٢٧٩ ح ٩: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَعَلَيْهِ أَرْبَعُونَ جَنَّةً حَتَّى يَعْمَلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً، فَإِذَا عَمِلَ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً انْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجَنَّةُ، فَيُوحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَنْ اسْتُرُوا عَيْدِي بِأَجْنِحَتِكُمْ، فَتَسْتُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِأَجْنِحَتِهَا.

قَالَ: فَمَا يَدْعُ شَيْئاً مِنَ الْقَبِيحِ إِلَّا قَارَفَهُ حَتَّى يَمْتَدِحَ إِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيحِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ! هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئاً إِلَّا رَكِبَهُ وَإِنَّا لَنَسْتَحْيِي مِمَّا يَصْنَعُ، فَيُوحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ أَنْ ارْفَعُوا أَجْنِحَتِكُمْ عَنْهُ، فَإِذَا فُعِلَ ذَلِكَ أَخَذَ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْهَتُكَ سِتْرُهُ فِي السَّمَاءِ وَسِتْرُهُ فِي الْأَرْضِ، فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبِّ! هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوكَ السِّتْرِ فَيُوحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ لَوْ كَانَتْ لِلَّهِ فِيهِ حَاجَةٌ مَا أَمَرَكَمْ أَنْ تَرْفَعُوا أَجْنِحَتِكُمْ عَنْهُ.

(٨٣) تفسير فرات الكوفى: ٢٦٠ ح ٣٥٥: يَا أبا الْوَرْدِ وَيَا جَابِرًا! إِنَّكُمْ لَمْ تَفْتَشَا مُؤْمِنًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةَ عَنْ ذَاتِ نَفْسِهِ إِلَّا عَنْ حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِنَّكُمْ لَمْ تَفْتَشَا كَافِرًا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةَ عَنْ ذَاتِ نَفْسِهِ إِلَّا وَحَيْدُتُمَا يُبْغِضُ عَلِيًّا وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَضَى عَلَى لِسَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يُحِبُّكَ كَافِرٌ أَوْ مَنَافِقٌ.

(٨٤) الخصال ٢٤٤ ح ١٠١: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَالْمَفَاتِيحُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا يَرْحَمَكُمُ اللَّهُ، فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُ فِي الْعِلْمِ أَرْبَعَةً: السَّائِلُ، وَالْمُتَكَلِّمُ، وَالْمُسْتَمِعُ، وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.

(٨٧) تحف العقول ١٧٤: يَا كَمِيلُ! إِذَا عَهُ سِرُّ آلِ مُحَمَّدٍ قَدَسَ سِرُّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْهَا وَلَا يُحْتَمَلُ أَحَدٌ عَلَيْهَا وَمَا قَالُوهُ، فَلَا تُعْلِمُ إِلَّا مُؤْمِنًا مُوقِنًا.

(٨٨) ١- ثواب الأعمال ٩٦: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْثَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.

٢- بصائر الدرجات ٨٧ ح ٤: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ فِي السَّمَاءِ لَسَبْعِينَ صِنْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ لَوْ اجْتَمَعَ عَلَيْهِمْ أَهْلُ الْأَرْضِ كُلُّهُمْ يُحْصُونَ عَدَدَ صِنْفٍ مِنْهُمْ مَا أَحْصَوْهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَدِينُونَ بِوَلَايَتِنَا.

٣- بصائر الدرجات ٨٨ ح ٩: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَمَلَائِكَةُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ التُّرَابِ فِي الْأَرْضِ، وَمَا فِي السَّمَاوَاتِ مَوْضِعٌ قَدِمَ إِلَّا - وَفِيهَا مَلَكٌ يُقَدِّسُ لَهُ وَيُسَبِّحُ، وَلَا فِي الْأَرْضِ شَجَرَةٌ وَلَا مِثْلُ عَرْزِهِ إِلَّا وَفِيهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ بِهَا يَأْتِي كُلَّ يَوْمٍ بِعِلْمِهَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِهَا، وَمَا مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَيَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِوَلَاتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَسْتَغْفِرُ لِمُحِبِّينَا وَيَلْعَنُ أَعْدَاءَنَا وَيَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْعَذَابِ إِرسَالًا.

(٨٩) ١- علل الشرائع ١/ ٥ ح ١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَخُدَامُنَا وَخُدَامُ مُحِبِّينَا.

٢- الخرائج والجرائح ١/ ٢٩٥ ح ٢: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَلِكُ الْمَوْتِ! قَالَ: لَبَّيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ! قَالَ: أَلَسْتَ أَمْرَتْ بِالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ لَنَا؟ قَالَ: بَلَى.

(٩٠) ١- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا يَأْذُنِي.

٢- بحار الأنوار ٢٧/ ٣٦: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَالَّذِي رَفَعَ السَّمَاءَ بِغَيْرِ عَمِدٍ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ رَامَ أَنْ يَزُولَ مِنْ مَكَانِهِ بِقَدْرِ نَفْسٍ وَاحِدٍ لَمَا زَالَ حَتَّى آذَنَ لَهُ، وَكَذَلِكَ يَصِيرُ حَالُ وَلَدِي الْحَسَنِ وَبَعْدَهُ الْحُسَيْنُ وَتَسَعَهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ.

(١١٢) مناقب آل أبي طالب ٣/ ٢٨١: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا مِنْ آدَمَ إِلَى أَنْ صَارَ جَدُّكَ مُحَمَّدٌ إِلَّا وَقَدْ عَرَضَ عَلَيْهِ وَلَا يَتَكَمَّ أَهْلَ الْبَيْتِ، فَمَنْ قَبَلَهَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ سَلِمَ وَتَخَلَّصَ، وَمَنْ تَوَقَّفَ عَنْهَا وَتَتَعَّبَ فِي حَمَلِهَا لَقِيَ مَا لَقِيَ آدَمَ مِنَ الْمَعْصِيَةِ، وَمَا لَقِيَ نُوْحَ مِنَ الْغَرَقِ، وَمَا لَقِيَ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ، وَمَا لَقِيَ يُوسُفَ مِنَ الْجُبِّ، وَمَا لَقِيَ أَيُّوبَ مِنَ الْبَلَاءِ، وَمَا لَقِيَ دَاوُدَ مِنَ الْخَطِيئَةِ.

(١١٣) ١- علل الشرائع ١/ ٢٩٧ ح ١: عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُفَضَّلُ إِيَّاكَ وَالذُّنُوبَ وَحَدْرَهَا شِيعَتَنَا فَوَاللَّهِ مَا هِيَ إِلَّا أَحَدٌ أَسْرَعَ مِنْهَا إِلَيْكُمْ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَتَصِيبُهُ الْمَعْرَةُ مِنَ السُّلْطَانِ وَمَا ذَاكَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَإِنَّهُ

لِيَصِيْبَهُ السُّقْمُ وَمَا ذَاكَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَإِنَّهُ لَيَحْبِسُ عَنْهُ الرِّزْقَ وَمَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ وَإِنَّهُ لَيَشَدِّدُ عَلَيْهِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَمَا هُوَ إِلَّا بِذُنُوبِهِ حَتَّى يَقُولَ مَنْ حَضَرَهُ لَقَدْ غَمَّ بِالْمَوْتِ فَلَمَّا رَأَى مَا قَدْ دَخَلَنِي، قَالَ: أَتَدْرِي لِمَ ذَاكَ يَا مُفْضَلُ! قَالَ: قُلْتُ: لَا أَدْرِي جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: ذَاكَ وَاللَّهِ إِنَّكُمْ لَا تُوَاخِدُونَ بِهَا فِي الآخِرَةِ وَعُجِّلْتُ لَكُمْ فِي الدُّنْيَا.

٢- تحف العقول ٤٨: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَجَبًا لِلْمُؤْمِنِ لَا يَقْضِي اللَّهُ عَلَيْهِ قَضَاءً إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ سَرَّهُ أَوْ سَاءَهُ إِنْ ابْتَلَاهُ كَانَ كَفَّارَةً لِدُنْبِهِ وَإِنْ أَعْطَاهُ وَأَكْرَمَهُ كَانَ قَدْ حَبَّاهُ.

٣- الأمل الطوسي ٦٣٠ ح ١١: عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يَمُرَّ بِهِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا لَا يَمْحُصُهُ اللَّهُ فِيهِ مِنْ ذُنُوبِهِ وَإِنَّ الْخَدَشَ وَالْعَثْرَةَ وَانْقِطَاعَ الشَّعْرِ وَاخْتِلَاجَ الْعَيْنِ وَأَشْبَاهَ ذَلِكَ لَيَمْحُصُ بِهِ وَلَيْتِنَا وَأَنْ يَغْتَمَّ لَا يَدْرِي مَا وَجْهُهُ فَأَمَّا الْحَمِي فَإِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ آبَائِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: حَمِي لَيْلِهِ كَفَّارَةٌ سَنِهِ.

٤- علل الشرائع ٥٢٢/٢ ح ٧: عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ هَلَالِ الشَّامِيِّ مَوْلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كَلَّمَا أَحَدَثَ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحَدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ.

٥- كتاب التمهيد ٣١ ح ٧: عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: ... إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَكْرَمُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَنْ يَمُرَّ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ لَا يَمْحُصُ فِيهَا ذُنُوبَهُ وَلَوْ بَعَثَ يَصِيْبُهُ لَا يَدْرِي مَا وَجْهُهُ وَاللَّهِ إِنْ أَحَدَكُمْ لَيَضَعُ الدَّرَاهِمَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَيَزِنُهَا فَيَجِدُهَا نَاقِصَةً فَيَعْتَمُّ بِذَلِكَ يَجِدُهَا سَوَاءً فَيَكُونُ ذَلِكَ حَطًّا لِبَعْضِ ذُنُوبِهِ.

٦- الأمالى للصدوق ٥٨٩ ح ١٢: عَنِ أَبِيانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَهْوُلُ عَلَيْهِ فِي نَوْمِهِ فَيُغْفَرُ لَهُ ذُنُوبُهُ وَإِنَّهُ لِيَمْتَهَنُ فِي بَدَنِهِ فَيُغْفَرُ لَهُ ذُنُوبُهُ.

٧- التوحيد ٩٦ ح ٣: حِجَاءَ رَجُلٍ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنِّي قَدْ حُرِمْتُ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ.

٨- كتاب التمهيص ٣٨ ح ٣٤: عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَا مِنْ شَيْعَتِنَا أَحَدٌ يُقَارِفُ أَمْرًا نَهَيْتَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتُ حَتَّى يَبْتَلِيَهُ اللَّهُ بِبَلِيَّةٍ تُمَحِّصُ بِهَا ذُنُوبَهُ إِمَّا فِي مَالِهِ أَوْ وُلْدِهِ وَإِمَّا فِي نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ مُحِبَّنًا وَمَا لَهُ ذَنْبٌ وَإِنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ذُنُوبِهِ فَيَشَدُّ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ فَيُتَمَحِّصُ ذُنُوبُهُ.

٩- بحار الأنوار ٦٤/٢٤٤ ح ٨٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: السُّقْمُ يَمْحُو الذُّنُوبَ وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سَاعَاتُ الْوَجَعِ يُذْهِبْنَ سَاعَاتِ الْخَطَايَا.

(١١٤) عَدَّهُ الدَّاعِي ٢٤٠: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّ فِي الْجَنَّةِ مَنَازِلَ لِمَا يَنَالُهَا الْعِبَادُ بِأَعْمَالِهِمْ لَيْسَ لَهَا عِلَاقَةٌ مِنْ فَوْقِهَا وَلَا عِمَادٌ مِنْ تَحْتِهَا، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ أَهْلُهَا فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَهْلُ الْبَلَايَا وَالْهُمُومِ.

(١١٥) كتاب التمهيص ٤٩ ح ٨١: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا دُنْيَا! تَمَرَّرِي عَلَى عَبْدِى الْمُؤْمِنِ بِأَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَضَيِّقِي عَلَيْهِ فِي الْمَعِيشَةِ وَلَا تَحْلُولِي فَيَرْكَنَ إِلَيْكَ.

(١١٦) المناقب آل أبي طالب ٣/٣٦٢: عَنِ مَأْمُونِ الرَّقِيِّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ سَيِّدِي الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ سَهْلُ بْنُ الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِيُّ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ! لَكُمْ الرَّأْفَةُ وَالرَّحْمَةُ وَأَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْإِمَامَةِ، مَا الَّذِي يَمْنَعُكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ حَقٌّ تَقْعُدُ عَنْهُ وَأَنْتَ تَجِدُ مِنْ شَيْعَتِكَ مِائَةَ أَلْفٍ يَضْرِبُونَ بَيْنَ يَدَيْكَ بِالسَّيْفِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: اجْلِسْ يَا خُرَاسَانِيُّ! رَعَى اللَّهُ حَقَّكَ، ثُمَّ قَالَ: يَا حَنِيفَهُ! اسْجُرِي التُّنُورَ فَسَجَرَتْهُ

حَتَّى صَارَ كَالْجَمْرَةِ وَابْيَضَ عُلُوهُ، ثُمَّ قَالَ: يَا خُرَاسَانِي! قُمْ فَاجْلِسْ فِي التَّنُورِ، فَقَالَ الْخُرَاسَانِيُّ: يَا سَيِّدِي! يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! لَا تُعَذِّبْنِي بِالنَّارِ أَقْلِنِي أَفَالِكَ اللَّهُ قَالَ قَدْ أَقْلَنْتَكَ، فَبَيْنَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ هَارُونُ الْمَكِّي وَنَعْلُهُ فِي سَبَابِيهِ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْقِ النَّعْلَ مِنْ يَدِكَ وَاجْلِسْ فِي التَّنُورِ، قَالَ: فَأَلْقَى النَّعْلَ مِنْ سَبَابِيهِ ثُمَّ جَلَسَ فِي التَّنُورِ وَأَقْبَلَ الْإِمَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُ الْخُرَاسَانِيَّ حَدِيثَ خُرَاسِيَانَ حَتَّى كَانَتْ شَاهِدًا لَهَا. ثُمَّ قَالَ: قُمْ يَا خُرَاسَانِي! وَانْظُرْ مَا فِي التَّنُورِ؟ قَالَ: فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَرَأَيْتُهُ مُتْرَبِعًا فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَسَلَّمَ عَلَيْنَا، فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَمْ تَجِدُ بِخُرَاسَانَ مِثْلَ هَذَا؟ فَقَالَ: وَاللَّهِ وَلَا- وَاحِدًا، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا- وَاللَّهِ وَلَا- وَاحِدًا، فَقَالَ: أَمَا إِنَّا لَا نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا نَجِدُ فِيهِ خُمْسَهُ مُعَاذَةَ دِينٍ، لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ.

(١١٧) ١- علل الشرائع ١/٤٤ ح ١: عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْوَصِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَالْأَمْثَلُ، وَإِنَّمَا يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ فَمَنْ صَحَّ دِينُهُ وَحَسَنَ عَمَلُهُ اشْتَدَّ بَلَاؤُهُ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِلْمُؤْمِنِ وَلَا عِقَابًا لِلْكَافِرِ وَمَنْ سَخِفَ دِينَهُ وَضَعَفَ عَمَلَهُ قَلَّ بَلَاؤُهُ.

٢- علل الشرائع ١/٤٤ ح ١: عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَنَّ الْبَلَاءَ أَشْرَعُ إِلَى الْمُؤْمِنِ التَّقِيِّ مِنَ الْمَطْرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ.

٣- كتاب التمهيد ٤٥ ح ٥٨: عَنْ مُفَضَّلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلَّمَا ازْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا ازْدَادَ ضَيْقًا فِي مَعِيشَتِهِ.

(١١٨) ١- بصائر الدرجات ٣٩٥ ح ٥: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ أَقْدَرَنَا عَلَى مَا نُرِيدُ.

٢- مشارق أنوار اليقين ١٧٩: عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: هُمْ قُدْرَةُ الرَّبِّ وَمَشِيئَتُهُ.

(١١٩) ١- كمال الدين ٤٤١ ح ١٢: عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي.

٢- الإمامه والتبصره ١٠٣ ح ٩٢: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أُولَئِكَ أَوْلِيَايَ حَقًّا بِهِمْ أَذْفَعُ كُلَّ فِتْنَةٍ عَمِيَاءَ حِنْدِسٍ وَبِهِمْ أَكْشِفُ الزَّلَازِلَ وَأَذْفَعُ الْآصَارَ وَالْأَغْلَالَ.

٣- من لا- يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: بِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ.

(١٢٠) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: لَا تَنْدُ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ.

٢- اليقين ٣١٨: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ: أَمَنْ لِمَنِ التَّجَا إِلَيْهِمْ، وَأَمَانٌ لِمَنْ تَمَسَّكَ بِهِمْ.

٣- مشكاة الأنوار ١٢٦: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ لَجَأَ إِلَيْهِمْ ذُو حَاجَةٍ مِنْهُمْ رَحِمُوهُ.

(١٢١) الإختصاص ٢٥٢: قَالَ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شَدِيدَةٌ، فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: {وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا}.

(١٢٤) ١- الجواهر السّيه ٧٥: رَوَى ابْنُ فَهْدٍ أَيْضاً فِي كِتَابِ التَّحْصِينِ وَصِفَاتِ الْعَارِفِينَ:....، وَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَرَكَنَّ إِلَى حُبِّ الدُّنْيَا، فَلَنْ تَأْتِيَنِي بِكَبِيرِهِ هِيَ أَشَدُّ مِنْهَا.

٢- تحف العقول ٢١٥: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِيَّاكُمْ وَحُبُّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَقِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَدَاعِي كُلِّ رَزِيئَةٍ.

٣- قصص الأنبياء للراوندي ١٦٥ ح ١٨٤: عَنْ أَبِي يَعْقُوبَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، قَالَ: كَانَ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ تَعَالَى بِهِ مُوسَى:....، وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ بَدْرَهَا حُبُّ الدُّنْيَا، الْخَيْرِ.

(١٢٥) ١- الأمالى للمفيد ٣٤٥ ح ١: عَنْ أَبِي الطَّفِيلِ عَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ الْكِنَانِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ أَحْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَلَّتَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ؛ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا

طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسَى الْآخِرَةَ، أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ تَرَحَّلَتْ مُقْبِلَةً وَلِكُلِّ وَاحِدَةٍ بُنُونٌ فَكُونُوا مِنْ أبنَاءِ الْآخِرَةِ
وَلَا تَكُونُوا مِنْ أبنَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ وَإِنَّ غَدًا حِسَابٌ وَلَا عَمَلَ.

٢- تحف العقول ٢٠٢: قال علي عليه السلام: أنتم في مهلٍ من ورائه أجلٌ ومَعَكُمْ أَمَلٌ يَعْتَرِضُ دُونَ الْعَمَلِ، فَاعْتَمُوا الْمَهْلَ
وَبَادِرُوا الْأَجَلَ وَكَذَّبُوا الْأَمَلَ وَتَزَوَّدُوا مِنَ الْعَمَلِ هَلْ مِنْ خَلَّاصٍ أَوْ مَنَاصٍ أَوْ فِرَارٍ أَوْ مَجَازٍ أَوْ مَعَاذٍ أَوْ مَلَاذٍ أَوْ لَا فَأَنْتَى تُؤْفَكُونَ.

٣- الكافي ٢/٣١٨ ح ١١: عن مهاجر الأسدي عن أبي عبد الله عليه السلام قال مرَّ عيسى ابن مريم على قريته قد مات أهلها وطيرها
ودوابها فقال أما إنهم لم يموتوا إلا بسخطه ولو ماتوا متفرقين لتدافنوا فقال الحواريون: يا روح الله وكلمته! ادع الله أن يحييهم لنا
فيخبرونا ما كانت أعمالهم فنحن نبتها فدعا عيسى ربه فنودي من الجوّ أن نأدهم فقام عيسى: بالليل على شرف من الأرض فقال: يا
أهل هذه القرية فأجابه منهم مجيبٌ لبيك يا روح الله وكلمته فقال: ويحكم ما كانت أعمالكم قال: عبادة الطاغوت وحب الدنيا
مع خوفٍ قليلٍ وأملٍ بعيدٍ وغفلةٍ في لهوٍ ولعبٍ، فقال: كيف كان حبكم للدنيا قال: كحب الصبي لأمه إذا أقبلت علينا فرحنا
وسررنا وإذا أدبرت عنا بكينا وحزنا قال: كيف كانت عبادتكم للطاغوت قال: الطاعة لأهل المعاصي قال: كيف كان عاقبه أمركم
قال: بتنا لئله في عافيه وأصبحنا في الهاوية فقال: وما الهاوية؟ فقال سجين قال: وما سجين؟ قال جبال من جمرٍ توقد علينا إلى يوم
القيامة قال: فما قلتم وما قيل لكم؟ قال: قلنا رُدنا إلى الدنيا فنزهد فيها قيل لنا كذبتم قال: ويحك كيف لم يكلمني غيرك من
بينهم قال: يا روح الله! إنهم ملجمون بِلجامٍ من نارٍ بأيدي ملائكة غلاظٍ شدادٍ وإني كنت فيهم ولم أكن منهم فلما نزل العذاب
عمني معهم فأنا معلقٌ بشعره على شفير جهنم لا أدرى أكتبك فيها أم أنجو منها فالتفت عيسى إلى الحواريين

فَقَالَ: يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ! أَكُلِ الْخُبْزِ الْيَابِسِ بِالْمَلْحِ الْجَرِيشِ وَالتُّومِ عَلَى الْمَزَابِلِ خَيْرٌ كَثِيرٌ مَعَ عَافِيَةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

(١٢٦) كمال الدين ٣٢٣ ح ٨: عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخَرَى.

(١٢٧) ١- بصائر الدرجات ١٠٤ ح ٤: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ وَعِنْدَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ: اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي - مَرَّتَيْنِ - فَقَالَ مَنْ حَوْلَهُ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَمَا نَحْنُ إِخْوَانُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! فَقَالَ: لَا، إِنَّكُمْ أَصْحَابِي وَإِخْوَانِي قَوْمٌ مِنْ آخِرِ الزَّمَانِ آمَنُوا بِي وَلَمْ يَرُونِي لَقَدْ عَرَفْنَاهُمْ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِأَحَدِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْعَصَا أَوْلَيْكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى يُنَجِّهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَيْرَاءٍ مُظْلِمَةٍ.

٢- الإمامة والتبصرة ١٢٦ ح ١٢٧: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمَتَمَسِّكَ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقِتَادِ ثُمَّ قَالَ: - هَكَذَا بِيَدِهِ - ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ.

٣- الخرائج والجرائح ٣/١١٤٩ ح ٥٧: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعِيدِكُمْ الرَّحِيلُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرٌ خَمْسِينَ مِنْكُمْ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِنَدْرِ وَأُحْدٍ وَحَتِينٍ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا مَا حَمَلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبْرَهُمْ.

(١٢٨) الأمل الطوسي ٥١٨ ح ٤٣: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَدُوبُ فِيهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَدُوبُ الْأُنْكَ فِي النَّارِ يَعْنِي الرَّصَاصَ وَمَا ذَاكَ إِلَّا لِمَا يَرَى مِنَ الْبَلَاءِ وَالْأَحْدَاثِ فِي دِينِهِمْ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُ غَيْرًا.

(١٣٠) الغيبة للنعماني ٢٩٦ ح ١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَيَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُّ.

(١٣١) ١- المزار للمشهدى ٥٨١: فى دُعَاةِ التُّدْبَةِ: بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا.

٢- مشارق أنوار اليقين ٢٥٥: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: غَابْنَا إِذَا غَابَ لَمْ يَغِبْ.

(١٣٢) كمال الدين ١٤٤ ح ١١: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَيَمْشَى فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بُسِطَهُمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَنْ يُعْرِفَهُمْ نَفْسَهُ كَمَا أَدْنَى لِيُوسُفَ.

(١٣٣) ١- مصباح المتعجد ٤٠٩: إِنَّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا: اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنِّيكَ ...، وَعَيْنِيكَ النَّاطِرَةَ بِإِذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

٢- مشارق أنوار اليقين ١٧٤: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُطَّلِعُ عَلَى الْغُيُوبِ ...، السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عِنْدَ الْإِمَامِ مِنْهُمْ، كَيْدِهِ مِنْ رَاحَتِهِ يَعْلَمُ ظَاهِرَهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَيَعْلَمُ بَرَّهَا مِنْ فَاجِرِهَا وَرَطْبَهَا مِنْ يَابِسِهَا.

٣- الهداية الكبرى ١٧٠: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْإِمَامُ يَرَى الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا، وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مِنْ أَعْمَالِهِمْ شَيْءٌ.

٤- بصائر الدرجات ٤٦٣ ح ٨: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا مَنْزِلُهُ الْإِمَامُ فِي الْأَرْضِ بِمَنْزِلَةِ الْقَمَرِ فِي السَّمَاءِ وَفِي مَوْضِعِهِ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ كُلِّهَا.

(١٣٥) كمال الدين ٣٢٤ ح ٩: قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: مَنْ كَانَ يَعْمَلُ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ.

(١٣٦) الدرّ النظيم ٧٧٠: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ، لَا نُقَاسُ بِأَحَدٍ، وَلَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ.

(١٣٨) الاحتجاج ١/٢٩: عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: {قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ} يَعْنِي: قُلْ لَهُمْ: أَنَا فِي الْبَشَرِيَّةِ مِثْلُكُمْ وَلَكِنْ رَبِّي خَصَّنِي بِالتُّبُّوهِ دُونَكُمْ.

(١٤٧) ١- الكافي ٢/٤٦٨ ح ٣: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ: أَلَا أُدَلِّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ.

٢- الكافي ٢/٤٦٨ ح ٥: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ، فَقِيلَ: وَمَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: الدُّعَاءُ.

(١٤٨) ١- تحف العقول ٢٨٠: قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُؤْمِنُ مِنْ دُعَائِهِ عَلَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ يُدْخَرَ لَهُ، وَإِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ، وَإِمَّا أَنْ يُدْفَعَ عَنْهُ بَلَاءٌ يُرِيدُ أَنْ يُصِيبَهُ.

٢- عدّه الداعي ٣٤ ح ٨: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ الدُّعَاءَ مُخُّ الْعِبَادَةِ، وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو اللَّهَ إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ؛ وَإِمَّا أَنْ يُعَجَّلَ لَهُ فِي الدُّنْيَا، أَوْ يُؤَجَّلَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِمَّا أَنْ يُكْفَرَ عَنْهُ مِنْ ذُنُوبِهِ بِقَدَرٍ مَا دَعَا مَا لَمْ يَدْعُ بِمَا تَمَّ.

(١٤٩) ١- مكارم الأخلاق ٢٧٠: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ، فَإِنَّ الدُّعَاءَ وَالطَّلَبَ إِلَى اللَّهِ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ قَدَّرَ وَقُضِيَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا إِمْضَاؤُهُ، فَإِنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَسُئِلَ صُرِفَ الْبَلَاءُ صَرْفَهُ.

٢- مكارم الأخلاق ٢٧١: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ.

(١٥٠) ١- تحف العقول ٢٨٢: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ.

٢- مكارم الأخلاق ٢٧٠: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَغْلُمُ مَا يُرِيدُ الْعَبِيدُ إِذَا دَعَا وَلَكِنَّ يُحِبُّ أَنْ يُبَيَّنَّ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ.

٣- عدّه الداعي ٣٥: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: وَأَمَّا أَعْجَزُ النَّاسِ فَمَنْ عَجَزَ عَنِ الدُّعَاءِ.

(١٥١) ١- بصائر الدرجات ٢٧٩ ح ١: عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو إِلَّا أَمَّنَّا لِدُعَائِهِ، وَلَا يَسْئَلُ إِلَّا دَعَوْنَا لَهُ.

٢- بصائر الدرجات ٢٨٠ ح ٢: عَنْ عُمَرَ بْنِ إِسْحَاقٍ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا نَدْعُو لَكُمْ فَتَدْعُونَ فَمَنْ قَالَتْ عَمْرُ: قَدْ عَرَفْتُ مَا قُلْتُ وَلَكِنْ كَيْفَ نَدْعُو فَمَنْ؟ فَقَالَ: إِنَّا سَوَاءٌ عَلَيْنَا الْبَادِي وَالْحَاضِرُ.

(١٥٢) المزار للمشهدى ٥٧٣: فى دُعَاءِ النُّدْبَةِ: أَيْنَ يَا بَلَّغِ اللَّهُ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ.

(١٥٣) ١- بصائر الدرجات ١١٥ ح ٢٢: عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: مَا مِنْ مَلَكٍ يُهْبِطُهُ اللَّهُ فِي أَمْرٍ إِلَّا بَدَأَ بِالْإِمَامِ فَعَرَضَ ذَلِكَ عَلَيْهِ.

٢- مشارق أنوار اليقين ٣٤٣: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ أَهْلِ سَيِّمَاتِهِ وَأَرْضِيهِ، وَمَا فِي السَّمَاءِ مِنْ مَلَكٍ يَخْطُو قَدَمًا عَنْ قَدَمِ إِلَّا يَأْذِنِي.

(١٥٤) الكافي ١/٤٧٢ ح ١: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي لَأَدْعُو اللَّهَ لِمُذْنَبِي شَيْعَتَنَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ مَرَّةٍ.

(١٥٦) ١- من لا يحضره الفقيه ٢/٦٠٩: فِي الزِّيَارَةِ الْجَامِعَةِ: وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلَبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي.

٢- فلاح السائل ٤٤: أَقُولُ: إِذَا كَانَ هَذَا كُلُّهُ فَضْلُ الدُّعَاءِ لِإِخْوَانِكَ، فَكَيْفَ فَضْلُ الدُّعَاءِ لِسُلْطَانِكَ الَّذِي كَانَ سَبَبُ إِمْكَانِكَ وَأَنْتَ تَعْتَقِدُ أَنَّ لَوْلَاهُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نَفْسَكَ وَلَا أَحَدًا مِنَ الْمُكَلَّفِينَ فِي زَمَانِهِ وَزَمَانِكَ، وَأَنَّ اللَّطْفَ بِوُجُودِهِ صِلَاوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سَبَبٌ لِكُلِّ مَا أَنْتَ وَغَيْرُكَ فِيهِ وَسَبَبٌ لِكُلِّ خَيْرٍ تَبْلُغُونَ إِلَيْهِ، فَأَيَّاكَ! ثُمَّ أَيَّاكَ! أَنْ تَقْدَمَ نَفْسُكَ أَوْ أَحَدًا مِنَ الْخَلَائِقِ فِي الْوَلَاءِ وَالِدُّعَاءِ لَهُ بِأَبْلَغِ الْإِمْكَانِ وَاحْضُرْ قَلْبَكَ وَلِسَانَكَ فِي الدُّعَاءِ لِذَلِكَ الْمَوْلَى الْعَظِيمِ الشَّانِ.

وَأَيَّاكَ! أَنْ تَعْتَقِدَ أَنِّي قُلْتُ هَذَا؛ لِأَنَّهُ مُحْتَاجٌ إِلَى دُعَائِكَ، هَيْهَاتَ! هَيْهَاتَ! أَنْ اِعْتَقَدْتَ هَذَا فَأَنْتَ مَرِيضٌ فِي اعْتِقَادِكَ وَوَلَائِكَ، بَلْ إِنَّمَا قُلْتُ هَذَا لِمَا عَرَفْتِكَ مِنْ حَقِّهِ الْعَظِيمِ عَلَيْكَ وَإِحْسَانِهِ الْجَسِيمِ إِلَيْكَ، وَلَأَنَّكَ إِذَا دَعَوْتَ لَهُ قَبْلَ الدُّعَاءِ لِنَفْسِكَ وَلِمَنْ يَعْزُّ عَلَيْكَ كَانَ أَقْرَبُ إِلَيَّ أَنْ يَفْتَحَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَبْوَابَ الْإِجَابَةِ بَيْنَ يَدَيْكَ لِأَنَّ أَبْوَابَ قَبُولِ الدَّعَوَاتِ قَدْ غَلَقَتْهَا أَيُّهَا الْعَبْدُ بِإِغْلَاقِ الْجَنَائِزِ، فَإِذَا دَعَوْتَ لِهَذَا الْمَوْلَى الْخَاصِّ عِنْدَ مَالِكِ الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ يُوشِكُ أَنْ يَفْتَحَ أَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لِأَجْلِهِ

فَتَدْخُلُ أَنْتَ فِي الدُّعَاءِ لِنَفْسِكَ وَلِمَنْ تَدْعُو لَهُ فِي زُمْرِهِ فَضْلِهِ وَتَتَسَّعَ رَحْمَهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لَكَ وَكَرَمُهُ وَعِنَايَتُهُ بِكَ لِتَعْلَقَكَ فِي الدُّعَاءِ بِحَيْلِهِ.

وَلَا تَقُلْ فَمَا رَأَيْتُ فُلَانًا وَفُلَانًا مِنَ الَّذِينَ تَقْتَدِي بِهِمْ مِنْ شُيُوخِكَ بِمَا أَقُولُ يَعْمَلُونَ وَمَا وَجَدْتَهُمْ إِلَّا وَهُمْ عَنِ مَوْلَانَا الَّذِي أَسْرَتْ إِلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ غَافِلُونَ وَلَهُ مُهْمَلُونَ، فَأَقُولُ لَكَ اعْمَلْ بِمَا قُلْتُ لَكَ فَهُوَ الْحَقُّ الْوَاضِحُ، وَمَنْ أَهْمَلَ مَوْلَانَا وَغَفَلَ عَمَّا ذَكَرْتُ عَنْهُ فَهُوَ وَاللَّهِ الْغَلَطُ الْفَاضِحُ.

(١٥٧) راجع الهامش (١٢٧).

(١٥٩) ١- بصائر الدرجات ٤٨٦ ح ٨: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: نَحْنُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: {ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ}.

٢- تفسير العياشي ١/١٨٤ ح ٨٥: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يُحَجَّبُ دُعَاؤُنَا عَنِ اللَّهِ.

(١٦٠) ١- الكافي ٢/٤٦٧ ح ٨: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ.

٢- الكافي ٢/٤٦٨ ح ١: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الدُّعَاءُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَمَتَى تَكَثَّرَ قَرَعَ الْبَابُ يُفْتَحُ لَكَ.

٣- عدّه الداعي ٢٤: عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: الدُّعَاءُ مُخَّ الْعِبَادَةِ.

(١٦١) ١- كمال الدين ٣٨٤ ح ١: عَنْ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَاللَّهِ لَيَغَيَّبَنَّ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.

٢- المزار للمشهدي ٦٥٥: زِيَارَةُ الْعَشِيرَتَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ! قَطَعْتُ فِي وُضْعِي لَتَكَ الْخُلَّانَ وَهَجَرْتُ لِزِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ لِتَكُونَ شَفِيعاً لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي وَإِلَى آبَائِكَ وَمَوَالِيٍّ فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ لِي وَإِسْبَاحِ النُّعْمَةِ عَلَيَّ وَسَوْقِ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ.

(١٦٦) ١- كمال الدين ٢٨٧ ح ٦: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ.

٢- كمال الدين ٣٧٧ ح ١: عَنْ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَفْضَلُ أَعْمَالِ شِيعَتِنَا أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ.

(١٦٧) كمال الدين ٥١٢ ح ٤٣: الدُّعَاءُ فِي غَيْبِهِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَبَتَّنِي عَلَى طَاعِهِ وَلِيَّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ وَيَا ذَنْكَ غَابَ عَن بَرِّيَّتِكَ وَأَمْرَكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلِيَّتِكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِرِّهِ، فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَجْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا كَشْفَ مَا سَتَرْتَ وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَلَا أَنْزَاعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَلَا مَا بَالُ وَلِيَّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَأَفْوَضُ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

(١٦٨) ١- كمال الدين ٥١٢ ح ٤٣: الدُّعَاءُ فِي غَيْبِهِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَلَا تَسْلُبْنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالدُّعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا تَقْنَطُنَا غَيْبَتُهُ مِنْ قِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينًا فِي ذَلِكَ كَيْقِينَنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

٢- المزار للمشهدي ٥٨٦: زِيَارَةُ أُخْرَى لَهُ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ: لَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَتَمَادَتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا وَلَكَ إِلَّا حُبًّا وَعَلَيْكَ إِلَّا مُتَّكِلًا وَمُعْتَمِدًا وَلِظُهُورِكَ إِلَّا مُتَوَقِّعًا وَمُنْتَظَرًا وَلِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا.

(١٦٩) ١- كمال الدين ٤٨٥ ح ٣: فِي التَّوَقُّعِ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.

٢- بحار الأنوار ٩٢/٣٣٦ ح ٦: يَا سَيِّدَانَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجُعْفِيِّ الْمَعْرُوفِ بِالصَّابُونِيِّ فِي جُمْلَةِ حَدِيثِ يَأْسِيَادِهِ وَذَكَرَ فِيهِ غَيْبَهُ الْمَهْدِيُّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قُلْتُ: كَيْفَ تَصْنَعُ شَيْعَتُكَ؟ قَالَ: عَلَيْنَا بِالدُّعَاءِ وَانْتِظَارِ الْفَرَجِ.

(١٧٠) المزار للمشهدي ٦٦٣: عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، وَإِنْ مَاتَ أَخْرَجَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مِنْ قَبْرِهِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَهُوَ هَذَا الْعَهْدُ اللَّهُمَّ رَبِّ النُّورِ الْعَظِيمِ، الْخَيْرِ.

فهرست آیات

سوره‌ی الأعراف، الآیه ۱۷۲: {أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ} ... ۷ و ۴۰

سوره‌ی کهف، آیه: ۱۱۰: {قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ} ... ۶۸

ص: ۱۱۵

١. الصحيفه السجّاديه الكامله، الإمام زين العابدين عليه السلام، المستشهد: ٩٤ (ق.ه)، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، الطبعة الحجرية ١٤٠٤ (ق.ه).
٢. إثبات الهداه، الحرّ العاملى، المتوفى: ١١٠٤ (ق.ه)، قمّ المطبعة العلميه.
٣. الاحتجاج، الشيخ الطبرسى، المتوفى: ٥٤٨ (ق.ه)، تحقيق، تعليق وملاحظات: السيد محمّد باقر الخرسان، نشر: دار النعمان للطباعة والنشر، النجف الأشرف، ١٣٨٦ (ق.ه).
٤. الاختصاص، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ق.ه)، تحقيق: على أكبر الغفّارى، السيد محمود الزرندي، نشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ق.ه)، الطبعة الثانيه.
٥. إقبال الأعمال، السيد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ق.ه)، تحقيق: جواد القيوّمى الإصفهاني، نشر: مكتب الإعلام الإسلامى، ١٤١٥ (ق.ه)، الطبعة الأولى.
٦. إلزام الناصب فى إثبات الحجه الغائب، الشيخ على اليزدى الحائرى، المتوفى: ١٣٣٣ (ق.ه)، تحقيق: السيد على عاشور.
٧. الأمالى، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ق.ه)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلاميه، مؤسسه البعثه، قم، نشر: مركز الطباعة والنشر فى مؤسسه البعثه، ١٤١٧، الطبعة الأولى.
٨. الأمالى، الشيخ الطوسى، المتوفى: ٤٦٠ (ق.ه)، تحقيق: قسم الدراسات الإسلاميه - مؤسسه البعثه -، نشر: دار الثقافه للطباعة والنشر والتوزيع، قم، ١٤١٤ (ق.ه)، الطبعة الأولى.
٩. الأمالى، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ق.ه)، تحقيق: حسين الأستاذ ولى، على أكبر الغفّارى، نشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ق.ه)، الطبعة الثانيه.
١٠. الإمامه والتبصره، ابن بابويه القمى، المتوفى: ٣٢٩ (ق.ه)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٤ (ق.ه)، الطبعة الأولى.
١١. بحار الأنوار، العلامة المجلسى، المتوفى: ١١١١ (ق.ه)، الطبعة الثانيه المصححه، نشر: مؤسسه الوفاء، بيروت، ١٤٠٣ (ق.ه).
١٢. بشاره المصطفى، محمّد بن على الطبرى، المتوفى: ٥٢٥ (ق.ه)، تحقيق: جواد القيوّمى الإصفهاني، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٢٠ (ق.ه)، الطبعة الأولى.
١٣. بصائر الدرجات، محمّد بن الحسن الصفّار، المتوفى: ٢٩٠ (ق.ه)، تحقيق: الحاج ميرزا حسن كوجه باغى، نشر: منشورات الأعلّمى، طهران، ١٤٠٤ (ق.ه).

١٤. تأويل الآيات، شرف الدين الحسيني، المتوفى: ٩٦٥ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٧ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
١٥. تحف العقول، ابن شعبه الحرّاني، المتوفى: ٤ (ه.ق.)، تحقيق: علي أكبر الغفّاري، نشر: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، ١٤٠٤ (ه.ق.)، الطبعة الثانيه.
١٦. تفسير الإمام العسكري عليه السلام، المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام، المتوفى: ٢٦٠ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٩ (ه.ق.)، الطبعة الأولى محقّقه.
١٧. تفسير العيّاشي، محمّد بن مسعود العيّاشي، المتوفى: ٣٢٠ (ه.ق.)، تحقيق: الحاج السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، نشر: المكتبه العلميه الإسلاميّه، طهران.
١٨. تفسير القمّي، علي بن إبراهيم القمّي، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح، تعليق وتقديم: السيّد طيب الموسوي الجزائري، نشر: مؤسسه دار الكتاب للطباعه والنشر، قم، ١٤٠٤ (ه.ق.)، الطبعة الثالثه.
١٩. تفسير فرات الكوفي، فرات بن إبراهيم الكوفي، المتوفى: ٣٥٢ (ه.ق.)، تحقيق: محمّد الكاظم، نشر: مؤسسه الطبع والنشر التابعه لوزاره الثقافه والإرشاد الإسلامي، طهران، ١٤١٠ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٢٠. تفضيل الأئمّه، الشيخ أبي محمّد الحسن بن سليمان الحلّي العاملي، كان حيّاً سنه ٨٠٢ (ه.ق.)، تحقيق: مشتاق صالح المظفر، نشر: مكتبه العلامه المجلسي، ١٤٣٠ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.
٢١. التمهيد، محمّد بن همّام الإسكافي، المتوفى: ٣٣٦ (ه.ق.)، تحقيق: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، قم.
٢٢. التوحيد، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وتعليق: السيّد هاشم الحسيني الطهراني، نشر: منشورات جماعه المدرّسين في الحوزه العلميه في قم المقدسه.
٢٣. تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق.)، تحقيق وتعليق: السيّد حسن الموسوي الخراسان، نشر: دار الكتب الإسلاميّه، طهران، ١٣٦٤ (ه.ش.)، الطبعة الثالثه.
٢٤. الثاقب في المناقب، ابن حمزه الطوسي، المتوفى: ٥٦٠ (ه.ق.)، تحقيق: نبيل رضا علوان، نشر: مؤسسه أنصاريان للطباعه والنشر، قم، ١٤١٢ (ه.ق.)، الطبعة الثانيه.
٢٥. ثواب الأعمال، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق وتقديم: السيّد محمّد مهدي الخراسان، نشر: منشورات الشريف الرضي، قم، ١٣٦٨ (ه.ش.)، الطبعة الثانيه.
٢٦. جمال الأسبوع، السيّد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق.)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، نشر: مؤسسه الآفاق، ١٣٧١

(ه.ش)، الطبعه الأولى.

٢٧. الجواهر السّتيه، الحرّ العاملي، المتوفّي: ١١٠٤ (ه.ق)، الطبعه ١٣٨٤ (ه.ق).

ص: ١١٧

٢٨. الخرائج والجرائح، قطب الدين الراوندى، المتوفى: ٥٧٣ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٩ (ه.ق.)، الطبعة الأولى، كامله محققه.

٢٩. الخصال، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق، تصحيح وتعليق: على أكبر الغفارى، نشر: منشورات جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه فى قم المقدسه، ١٤٠٣.

٣٠. الدرّ النظيم، ابن حاتم العاملى، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه.

٣١. الدعوات، قطب الدين الراوندى، المتوفى: ٥٧٣ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، الطبعة الأولى ١٤٠٧ (ه.ق.).

٣٢. دلائل الإمامه، محمد بن جرير الطبرى (الشيعة)، المتوفى: ٤ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: قسم الدراسات الإسلاميه - مؤسسه البعثه - قم، ١٤١٣ (ه.ق.)، الطبعة الأولى.

٣٣. شرح إحقاق الحق، السيد المرعشى، المتوفى: ١٤١١ (ه.ق.)، تعليق: السيد شهاب الدين المرعشى النجفى، تصحيح: السيد إبراهيم الميانجى، كتابه: محمود الحسينى المرعشى وميرزا على أكبر الإيرانى.

٣٤. شرح الأخبار، القاضى نعمان المغربى، المتوفى: ٣٦٣ (ه.ق.)، تحقيق: السيد محمد الحسينى الجلالى، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه.

٣٥. صحيفه الأبرار، الميرزا محمد تقي المامقانى، المتوفى: ١٣١٢ (ه.ق.)، تصحيح: الميرزا عبد الرسول الاحقافى، نشر: الشفق، تبريز، ١٣٨٨ (ه.ق.)، الطبعة الثانيه.

٣٦. صحيفه الرضا عليه السلام، تحقيق ونشر: مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٨ (ه.ق.).

٣٧. طوابع الانوار، السيد مهدي ابن السيد محمد جعفر الموسوى، المتوفى: من أعلام النصف من القرن الثالث عشر (ه.ق.)، نشر: المطبعه الرشديه، تهران.

٣٨. علل الشرائع، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تحقيق: السيد محمد صادق بحر العلوم، نشر: منشورات المكتبه الحيدريه ومطبعتها، النجف الأشرف، ١٣٨٥ (ه.ق.).

٣٩. عيون أخبار الرضا عليه السلام، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق.)، تصحيح وتذييل: السيد مهدي الحسينى اللاجوردى، نشر: رضا المشهدى، قم، ١٣٦٣ (ه.ش) الطبعة الثانيه.

٤٠. عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهاب، المتوفى: ٥ (ه.ق.)، تحقيق ونشر: محمد كاظم الشيخ صادق الكتبى، ١٣٦٩ (ه.ق.).

٤١. الغارات، إبراهيم بن محمد الثقفي، المتوفى: ٢٨٣ (ه.ق)، تحقيق: السيد جلال الدين الحسيني الأرموي المحدث.

٤٢. الغيبة، الشيخ الطوسي، المتوفى: ٤٦٠ (ه.ق)، تحقيق: الشيخ عباد الله الطهراني، الشيخ علي أحمد ناصح، نشر: مؤسسه المعارف الإسلاميه، قم، ١٤١١ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

ص: ١١٨

٤٣. الغيبة، محمد بن إبراهيم النعماني، المتوفى: ٣٨٠ (ه.ق)، تحقيق: فارس حسون كريم، نشر: أنوار الهدى، ١٤٢٢ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٤٤. فضائل الشيعة، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق ونشر: كانون إنتشارات عابدى، تهران.

٤٥. الفضائل، شاذان بن جبرئيل القمى، المتوفى: ٦٦٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: منشورات المطبعة الحيدريه ومكتبتها، النجف الأشرف، ١٣٨١ (ه.ق).

٤٦. فلاح السائل، السيد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ه.ق)، مركز التبليغات الاسلاميه الحوزه العلميه فى قم المقدسه.

٤٧. قرب الإسناد، الحميرى القمى، المتوفى: ٣٠٠ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم، ١٤١٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٤٨. قصص الأنبياء، الراوندى، المتوفى: ٥٧٣ (ه.ق)، تحقيق: الميرزا غلام رضا عرفانيان اليزدى الخراسانى، نشر: الهادى، ١٤١٨ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٤٩. الكافى، الشيخ الكلينى، المتوفى: ٣٢٩ (ه.ق)، تحقيق، تصحيح وتعليق: على أكبر الغفارى، نشر: دار الكتب الإسلاميه، طهران، ١٣٦٣ (ه.ش)، الطبعة الخامسة.

٥٠. كامل الزيارات، جعفر بن محمد بن قولويه، المتوفى: ٣٦٧ (ه.ق)، تحقيق: الشيخ جواد القيو مى لجنه التحقيق، نشر: مؤسسه نشر الفقاهه، ١٤١٧ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٥١. كفايه الأثر، الخزاز القمى، المتوفى: ٤٠٠ (ه.ق)، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسينى الكوهكمري الخوئى، نشر: إنتشارات بيدار، قم، ١٤٠١ (ه.ق).

٥٢. كمال الدين وتام النعمه، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ه.ق)، تحقيق: على أكبر الغفارى، نشر: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه، ١٤٠٥ (ه.ق).

٥٣. مائه منقبه، محمد بن أحمد القمى، المتوفى: ٤١٢ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مدرسه الإمام المهدي عليه السلام، قم، ١٤٠٧ (ه.ق)، الطبعة الأولى المحققة المسنده.

٥٤. المحاسن، أحمد بن محمد بن خالد البرقى، المتوفى: ٢٧٤ (ه.ق)، تحقيق: السيد جلال الدين الحسينى (المحدث)، نشر: دار الكتب الإسلاميه، طهران، ١٣٧٠ (ه.ق).

٥٥. المحتضر، الشيخ حسن بن سليمان الحلى، المتوفى: ٨ (ه.ق)، تحقيق: سيد على أشرف، نشر: إنتشارات المكتبه الحيدريه، ١٤٢٤ (ه.ق).

٥٦. مختصر بصائر الدرجات، الشيخ حسن بن سليمان الحلبي، المتوفى: ٨ (ه.ق)، تحقيق ونشر: منشورات المطبعة الحيدريه، النجف الأشرف، ١٣٧٠ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٥٧. مدينه المعاجز، السيد هاشم البحراني، المتوفى: ١١٠٧ (ه.ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه المعارف الإسلاميه، ١٤١٣ (ه.ق)، الطبعة الأولى.

٥٨. المزار، الشيخ المفيد، المتوفى: ٤١٣ (ه.ق)، تحقيق: السيد محمد باقر الأبطحي، نشر: دار المفيد للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١٤ (ه.ق)، الطبعة الثانيه.

ص: ١١٩

٥٩. المزار، محمّد بن المشهدى، المتوفى: ٦١٠ (ق.هـ)، تحقيق: جواد القيوّمى الإصفهانى، نشر: نشر القيوّم، قم، ١٤١٩ (ق.هـ)، الطبعة الأولى.

٦٠. مستطرفات السرائر، ابن إدريس الحلّى، المتوفى: ٥٩٨ (ق.هـ)، نشر: مؤسّسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، ١٤١١ (ق.هـ)، الطبعة الثانيه.

٦١. مشارق أنوار اليقين، الحافظ رجب البرسى، المتوفى: ٨١٣ (ق.هـ)، تحقيق: السيد على عاشور، نشر: مؤسّسه الأعلّمى للمطبوعات، بيروت، ١٤١٩ (ق.هـ)، الطبعة الأولى.

٦٢. مشكاه الأنوار، على الطبرسى، المتوفى: ٧ (ق.هـ)، تحقيق: مهدي هوشمند، نشر: دار الحديث، قم، ١٤١٨ (ق.هـ)، الطبعة الأولى.

٦٣. مصباح المتهدّد، الشيخ الطوسى، المتوفى: ٤٦٠ (ق.هـ)، تحقيق ونشر: مؤسّسه فقه الشيعه، بيروت، ١٤١١ (ق.هـ)، الطبعة الأولى.

٦٤. معانى الأخبار، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ق.هـ)، تحقيق: على أكبر الغفارى، نشر: مؤسّسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، ١٣٧٩ (ق.هـ).

٦٥. مكيال المكارم، ميرزا محمّد تقى الأصفهانى، المتوفى: ١٣٤٨ (ق.هـ)، تحقيق: السيد على عاشور، نشر: مؤسّسه الأعلّمى للمطبوعات، بيروت، ١٤٢١ (ق.هـ)، الطبعة الأولى.

٦٦. من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، المتوفى: ٣٨١ (ق.هـ)، تحقيق، تصحيح وتعليق: على أكبر الغفارى، نشر: مؤسّسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرّسين بقم المشرفه، الطبعة الثانيه.

٦٧. المناقب (كتاب العتيق)، السيد محمّد بن على بن الحسين العلوى، المتوفى: ٥ (ق.هـ)، تحقيق: السيد الحسين الموسوى، نشر: دليل ما، قم، ١٤٢٨ (ق.هـ)، الطبعة الأولى.

٦٨. مناقب آل أبى طالب، ابن شهر آشوب، المتوفى: ٥٨٨ (ق.هـ)، تحقيق: لجنه من أساتذته النجف الأشرف، نشر: المكتبه الحيدريه، النجف الأشرف، ١٣٧٦ (ق.هـ).

٦٩. نهج البلاغه، السيد الشريف الرضى، المتوفى: ٤٠٦ (ق.هـ)، تحقيق: الشيخ محمّد عبده، نشر: دار الذخائر، قم، ١٤١٢ (ق.هـ)، الطبعة الأولى.

٧٠. الهدايه الكبرى، الحسين بن حمدان الخصيبى، المتوفى: ٣٣٤ (ق.هـ)، تحقيق ونشر: مؤسّسه البلاغ للطباعه والنشر والتوزيع، بيروت، ١٤١١ (ق.هـ)، الطبعة الرابعه.

٧١. اليقين، السيد ابن طاووس، المتوفى: ٦٦٤ (ق.هـ)، تحقيق: الأنصارى، نشر: مؤسّسه دار الكتاب (الجزائرى)، ١٤١٣ (ق.هـ)،

الطبعة الأولى.

ص: ١٢٠

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

